
۱۱۰ پرسش درباره
نماز

بسم الله الرحمن الرحیم

یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز

نویسنده:

واحد پاسخگویی به سوالات نماز

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز/ گردآورنده واحد پاسخگویی به سوالات نماز؛ زیر نظر مجتبی کلباسی.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۷۲ص.

شابک : ۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۰۲۲-۸ : ؛ ۸۰۰۰ ریال (چاپ چهارم) ؛ ۸۰۰۰ ریال (چاپ دوم) ؛ ۸۰۰۰۰ ریال (چاپ پنجم) ؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ ششم) ؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ هفتم) ؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ هشتم) ؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ نهم) ؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ دهم) ؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ دوازدهم) ؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ سیزدهم) ؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ چهاردهم) ؛ ۳۰۰۰۰ ریال(چاپ بیست و یکم) ؛ ۳۵۰۰۰ ریال (چاپ بیست و دوم) ؛ ۳۵۰۰۰ ریال (چاپ بیست و سوم) ؛ ۳۵۰۰۰ ریال (چاپ بیست و چهارم) ؛ ۳۵۰۰۰ ریال (چاپ بیست و پنجم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا(چاپ سوم)

یادداشت : چاپ اول: ۱۳۸۶(فیپا).

یادداشت : چاپ دوم: بهار ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ سوم و چهارم: ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ پنجم: تابستان ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ ششم تا هشتم : ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ نهم: ۱۳۸۸.

یادداشت : چاپ دهم: بهار ۱۳۸۹.

یادداشت : چاپ دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم : ۱۳۸۹.

یادداشت : چاپ بیست و یکم: پاییز ۱۳۹۱.

یادداشت : چاپ بیست و دوم، بیست و سوم تا بیست و پنجم: ۱۳۹۲.

یادداشت : عنوان روی جلد: ۱۱۰ پرسش درباره نماز.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : ۱۱۰ پرسش درباره نماز.

موضوع : نماز

شناسه افزوده : کلباسی، مجتبی، ۱۳۳۶ - ، ناظر

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز و احیای زکات

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/ی۸ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۷۵۱۰۱

ص: ۱

اشاره

یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز ص نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۶

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

قیمت: ۸۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

۱_ تهران، میدان فلسطین، ستاد اقامه نماز - تلفن: ۸۸۹۰۰۰۵۹

۲_ دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور

شابک: ۸ -۰۲۲ -۵۳۷ -۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴- ۵۳۷-۰۲۲-۸

ص: ۴

مقدمه ناشر

بسم الله الرحمن الرحیم مقدمه ناشرسخ های نماز است که در دسترس همگان قرار گرفته می گیرد.

لازم به ذکر است که قبلا دو دفتر از این مجموعه تحت عنوان

ص: ۱۱

یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز منتشر شده بود و دفتر سوم آماده چاپ گردید که به جهت بهره گیری از سؤالات مهم تر، مقرر شد از میان سیصد پرسش و پاسخ موجود، یکصدوده مورد گزینش شده و در یک دفتر مستقل چاپ و منتشر گردد. در پایان از زحمات حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی که این امر زیر نظر ایشان صورت پذیرفته و آقای رحیم کارگر که ویراستاری این مجموعه را برعهده داشته اند و آقای مسعودیان که در تدوین و تنظیم آن همکاری کرده و آقای رفیعی که کار فنی مجموعه را انجام داده اند، تقدیر و تشکر می شود.

انتشارات ستاد اقامه نماز

ص: ۱۲

بخش اول: اسرار نماز

۱ _ هدف از نماز خواندن چیست

ص: ۱۳

۱ ـ هدف از نماز خواندن چیست

و چرا باید در زمان های خاصی آن را به جا آورد؟

در نماز راز و رمز و اهداف چندی نهفته است و بدون آن که نماز در قالب و زمان خاص انجام شود آن اهداف تأمین نمی شود.

الف ـ یاد و ذکر خدا؛ زیرا انسان موجود فراموش کاری است. بنابراین هر چند ساعت یک بار، با خواندن نماز، خدای سبحان را یاد کرده و متذکر وجود لایتناهای او می شود.

ب ـ وقتی انسان متذکر خدا بود و خدا را مراقب خویش دید، قهراً از انجام گناه و منکرات شرم و حیا می کند. بنابراین یکی از اهداف نماز، جلوگیری از فحشا و منکرات است: «ان الصلاه تنهی عن الفحشاء

ص: ۱۵

و المنکر».(۱)

ج ـ عبودیت و خشوع و خضوع در پیشگاه مقام ربوبیت؛ به طور مؤدب ایستادن، رکوع کردن، جبین بر خاک ساییدن، سجده و نشستن دو زانو و... همه نشانه های خضوع است. و این حقی است از سوی خدای سبحان که هر انسانی موظف به ادای آن است. توجّه داشته باشید که همین خشوع و خضوع، به تدریج در روح و جان ما اثر گذاشته و انسان را در برابر سایر افراد متواضع می کند. امام علی(ع) در نهج البلاغه می فرماید: «خدای سبحان نماز را مقرر داشت تا پیشانی از روی تواضع به خاک مالیده شود» و حضرت فاطمه(س) نیز می فرماید: «جعل اللّه الصلاه تنزیها لکم من الکبر؛ خداوند نماز را مقرّر داشت تا دامن انسان را از کبر و منیت پاک گرداند».(۲)

د ـ تشکیل جماعت ها؛ ویل دورانت می نویسد: «بر هیچ انسان منصفی پوشیده نیست که شرکت مسلمانان در نمازهای جماعت روزانه، چه اثر خوبی در وحدت و تشکّل آنها دارد. با کمی دقت می توان دریافت که در سایه همین جماعت ها و جمعه ها است که انسجام و اتحادی در اقشار مختلف ایجاد می شود و در سایه آن برکات و ارزش هایی وجود دارد. از کارهای عمرانی یک منطقه گرفته تا راه حل سایر مشکلات افراد و جامعه».

ه ـ شادابی روح انسان؛ نماز در ساخت روح انسان، همان نقشی را

۱- ۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.
۲- ۲. بحارالانوار، ج ۲۹، ص۲۲۳.

ایفا می کنـد که نرمش و ورزش در ساخت جسم انسان ایفا می نماید. اگر کسـی ورزش رابرای مدت طولانی ترک کند، کم کم بدنش دچار یک نوع سستی و کسالت می شود و چه بسا سلامت خود را از دست بدهد.

بنـابراین انسـان بایـد روزانه یـا لااقـل هفته ای چنـد ساعت، به راهپیمایی و ورزش بپردازد تا به تدریـج جسم را سالم و شاداب سازد. روح انسان نیز چنین نیازی دارد، بایـد هر روز این نیایش و سـرود مذهبی و اسـلامی تکرار گردد تا به تدریج سـلامت و شادابی روح انسان در سایه یاد حق احراز گردد.

خلاصه آن که اهداف نماز _ که دارای ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسـی است _ بدون این که نماز در زمان معین و با نظم خاص انجام شود، تامین نمی گردد.

۲ _ چرا در اسلام این همه به نماز سفارش شده است؟

اهمیت نماز در بین همه دستورهای درخشان اسلام، بدین جهت است که:

۱_ نماز روح انسان ها را به مبـدأ هستی بخش مرتبط و متصل می کنـد و با این ارتباط، روح و جان آدمی را زنـده، با نشاط و آرام می سازد و او را برای انجام سایر تکالیف و وظایف فردی واجتماعی آماده می کند. از این رو می توان گفت: نماز موتور محرکه سایر اعمال و

دستورات اسلامی هم هست؛ زیرا کسی که به نماز اهمیت بدهد، به سایر تکالیف هم اهمیت خواهد داد و آنها را با نیت صحیح و خالص به جا آورد.

۲_ خواندن نماز علاوه بر آن که انجام یک دستور و یک واجب الهی است، خود مانع از انجام زشتی ها، خلاف ها و گناهان دیگر است و یک نمازگزار واقعی از فحشا و منکرات به دور است و این خاصیت بازدارندگی نماز است.

۳_ نماز، از بعد سیاسی، مسلمین سراسر جهان را هر روز به سمت قبله و مردم هر شهر و روستا را در جماعات مساجد، متحد و منسجم می کند و به جمعیت مسلمانان شکوه و عظمت و اقتدار می بخشد. و این خاصیت نماز، بدین صورت فراگیر و روزانه در هیچ عبادتی دیگر یافت نمی شود. البته در مراسم حج، مسلمانان گرد خانه طواف می کنند و متحد و منسجم می شوند؛ اما حج سالی یک بار و برای افرادی است که استطاعت این سفر را دارند؛ ولی نماز هر روز و برای همه افراد است.

۳ _ چرا بعضی از نمازها را بلند و بعضی ها را آهسته می خوانیم؟

یکی از فلسفه های عبادت، اظهار خضوع و تسلیم در مقابل امر پروردگار و ایجاد روح عبودیت و بندگی در انسان است؛ چنان که امام سجاد(ع) می فرماید: «الهی کفی بی عزا ان اَکون لک عبدا؛ خدایا! همین

افتخارم بس که بنده تو هستم».(۱)

گاهی بعضی از دستورات، برای آزمودن و تلقین روح تسلیم و بندگی است. فرمان خدا به حضرت ابراهیم(ع) برای قربانی کردن اسماعیل(ع)، نمونه ای از آن است. در دستورهای عبادی و احکام الهی، گاهی هدف تسلیم و پذیرش دستور و تمرین برای جلب رضایت خداوند و اطاعت محض از آفریدگار است و گاهی تمرین برای متابعت از سنت و روش پیامبر(ص) است. بلند خواندن و آهسته خواندن یک نوع تعبد و تسلیم در مقابل دستورات پروردگار و اقتدا به سنّت و روش پیامبر اکرم(ص) می باشد.

وقتی از امام(ع) سؤال کردند: چرا نماز مغرب و عشا بلند خوانده می شود؟ امام(ع) فرمود: چون در وقت مغرب و عشا هوا تاریک است؛ بنابراین قرائت را بلند میخوانند که اگر کسی از آن نزدیکی عبور کرد، بداند نماز جماعت برپا است و شرکت کند؛ ولی در نماز ظهر و عصر چنین نیازی نیست.

۴ _ فلسفه اوقات نماز چیست؟

نماز برای به یاد خدا بودن ودوری از غفلت وپاکیزگی وطهارت جسم و روح انسانها قرار داده شده است وبرای آن که حالت «ذکر» و «یاد» دائمی باشد در اوقات مختلف شبانه روز لازم وواجب گردیده

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص۴۰۲.

است: هنگام طلوع، نماز «صبح»، وسط روز نماز «ظهر و عصر» و شب هنگام، نماز «مغرب و عشا» خوانده می شود تا بندگان با این نمازها در اوقات مختلف همانند کسی که در شبانه روز چندین بار جسم خود را در چشمه زلال شست وشو می دهد و دائما آن را نظیف و پاکیزه نگه می دارد، روح و روان خود را با مبدأ اعلی ارتباط دهند و از او نور و نیرو بگیرند.

گفتنی است که تجربه نشان داده که اگر مسائل تربیتی، تحت انضباط و شرایط معین قرار نگیرد، عده ای آنها را به دست فراموشی میسپارند و اساس آن به کلی متزلزل می گردد. این گونه مسائل، حتما باید در اوقات معین و تحت انضباط دقیق قرار گیرد تا هیچ کس عذر وبهانه ای برای ترک آن نداشته باشد؛ به خصوص این که انجام دادن این عبادات در وقت معین ــ مخصوصا اگر به صورت دسته جمعی (جماعت) باشد ــ دارای شکوه و تأثیر و عظمت خاصی خواهد بود که قابل انکار نیست و در حقیقت یک کلاس بزرگ انسان سازی را این وقت شناسی تشکیل می دهد.(۱)

ص: ۲۰

۱- ۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: سرالصلاه، امام خمینی، آداب الصلاه، میرزا جواد ملکی تبریزی.

۵ _ فلسفه وضو چیست؟

بنده ای که آماده مناجات و راز و نیاز با آفریدگار جهان هستی می گردد، باید از هر لحاظ خود را مهّیا سازد و با حالت مورد پسند و هیئتی نیکو در محضر او، حاضر شود. بدون طهارت از پلیدی های ظاهری و باطنی نمیتوان به دستگاه قدسی آن عزیز راه یافت.

حال وضو و طهارت نیز، مقدمه و کلید برای ورود به گلستان سرسبز نماز و مناجات است و در نتیجه آغازی برای ورود به بهشت (الوضوء مفتاح الصلاه والصلاه مفتاح الجنه).(۱)

امام هشتم(ع) در باره فلسفه و اسرار «وضو» می فرماید:

۱_ وضو، یک ادب در برابر خداوند است تا بنده هنگام نماز، وقتی در برابر او میایستد پاک باشد.

۲_ همچنین از آلودگی ها و پلیدیها، پاکیزه شود.

۳_ به علاوه [فایده] وضو، از بین رفتن کسالت و طرد خواب آلودگی (و ایجاد نشاط) است.

۴_ دل و روح را آماده ایستادن در برابر پروردگار می سازد.

۵ _ در وضو شستن صورت و مسح سر و پاها واجب است؛ زیرا این ها عضوهایی است که در نماز به کار گرفته می شوند...(۲)

علاوه بر این می توان به فلسفه و حکمت های زیر نیز اشاره کرد:

الف _ وضو به معنای نظافت، شست و شو و پاکیزگی است. ما

۱- ۱. نهج الفصاحه، ح ۱۵۸۸.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۵۷.

قسمت هایی از بدن را ـ که معمولا بیرون است ـ پاکیزه می کنیم.

صورت بیرون است و زودتر کثیف می شود؛ دست معمولا تا آرنـج بیرون است و در مواقع معمولی بیشتر کثیف می شود؛ بعد هم قسمتی از جلو سر و روی پاکه بیرون است همه را تمیز می کنیم.

البته پاکیزه کردن را باید برای خدا و اطاعت از دستور او انجام داد.

آمادگی جسم و روان است وضو مفتاح در باغ جنان است وضو

با آب حیات عشق، دل را شویید آئینه پاکی جهان است وضو

ب ـ شـهید بهشتی(ره) در بـاره فلسـفه وضو افزوده است: «وضو، شـست و شو کردن و آنگه به مسـجد و محـل نماز خرامیـدن است.

یک قدم به سـمت پاکی معنوی بر داشـتن است. لذا، اگر کسی همین حالا نیز به حمام رفته باشد، باید برای خدا وضو بگیرد تا یک قدم به خلوص و خدایی بودن نزدیک تر شده باشد».(۱)

ج ـ وضو؛ به عنوان مقدمه نماز نه تنها موجب تطهیر جسم از آلودگی ها می شود؛ بلکه تطهیر روح را در بر می گیرد.

با وضو مؤمن احساس می کند، جسم و روحش از آلودگی گناهان و لغزش ها پاک شده است.

این احساس پاکی و طهارت جسمی و روحی، انسان را برای

۱- ۱. سرود یکتاپرستی، ص ۲۰.

ارتباط معنوی با خدا و ورود به حالت آرام سازی جسمی و روحی در نماز آماده می سازد.(1)

۶ _ با این که خداوند نیازی به نماز ما ندارد برای چه نماز می خوانیم؟

خداوند بی نیاز و غنی است و نیازی به عبادت و نماز ما ندارد اما خداوند رحیم و حکیم نماز را برای بهره مندی انسان ها قرار داده است؛ زیرا:

۱ _ ما انسان ها فقیر و محتاج هستیم و بایـد با ارتباط با خـدای بی نیاز و مبدأ قدرت وکمال نیاز خود را برطرف کنیم؛ چنانچه لامپ ها با ارتباط با منبع انرژی، نور می گیرند و نورافشانی می کنند.

۲ _ غفلت و فراموشی یاد خدا، موجب انحراف ما در مسیر زندگی دنیا و ارتکاب زشتی ها می شود و «نماز» مانع این غفلت و آن زشتی ها است. «اِنَّ الصلاهَ تنهی عن الفحشاء و المنکر».

به همین دلیل حضرت علی(ع) فرموده اند: «ذکر الله رأس مال کل مؤمن وربحه السلامه من الشیطان؛ یاد خدا سرمایه هر مؤمنی است و سود آن سلامت از شیطان است.»(2)

پس نماز یک وسیله دفاعی و یک مبارزه عملی با دشمن نفس وشیطانی است.

۳_ و بالاخره روح و روان آدمی که فطرتی الهی دارد با نماز و یاد

۱- ۱. قرآن و روان شناسی، ص۳۵۷.

۲- ۲. غررالحکم، ح ۳۶۲۱.

خدا آرام، می گیرد و در پرتو این اطمینان و آرامش، زندگی با نشاط و سرور و آرامش خواهد داشت. «الا بذکر الله تطمئن القلوب».(۱)

آنگاه کسی که نماز نخواند، در دنیا و آخرت خسارت «غفلت» و «بی توجهی» خود را خواهد دید. در دنیا قلب پر اضطراب و ناآرام، و خدای ناکرده ارتکاب زشتی ها، ودر آخرت جزای این اعمال و آن نسیان یاد خدا.

۷ _ فلسفه خواندن نماز به عربی چیست؟

الف _ شاید بتوان گفت به عربی خواندن نماز، بیانگر روح اتحاد در میان جوامع مسلمانان است. هر مسلمانی در هر جای عالم باشد به سوی یک قبله و با یک طریق و یک زبان با معبود خویش به راز و نیاز می پردازد و در هر دیار و کشوری که انسان مسلمان وارد شود _ هر چند زبان ها متفاوت است _ اما در هر مسجدی که قدم بگذارد، شیوه نیایش با خدای سبحان یکی است و این خود بهترین نوع اتحاد و همدلی را پدید می آورد.

ب _ عبارات نماز، ظاهری و باطنی و آهنگی دارد که با ترجمه نماز فقط به معنای ظاهری نماز اکتفا نموده ایم.

علاوه بر آنکه آشنایی با نماز و معنای بلند عبارات آن کار آسانی است که فرد مسلمان باید به آن اهمیت بیشتری بدهد.

۱- ۱. سوره رعد، آیه ۲۸.

۸ _ هدف از اذان گفتن چیست؟

اذان، این سروش غیبی و این ندای آسمانی، یک اعلان عمومی و معنوی جهت آمادگی برای نماز و انجام فریضه بزرگ الهی است.

اذان ارزش و جایگاه والایی در شریعت محمدی(ص) دارد.

اذان دعوت به سوی عبادت و بندگی خدا است و مؤذن با آهنگ رسا و روح بخش، امت اسلام را به نماز و مناجات فرا می خواند.

امام رضا(ع) در باره فلسفه و حکمت اذان می فرماید:

۱ _ آن کس را که فراموش کار است، یاد آور باشد و آن کس را که غافل است متنبه سازد.

۲ _ فهماندن وقت نماز، برای کسیکه اشتغال دارد.(مشغول به کار است)

۳ _ دعوت مردم به پرستش خالق و ترغیب در آن است.

۴ _ اذان گو، اقرار به توحید دارد و ایمان را آشکار می سازد و اسلام را اعلان می کند و آن کس را که فراموش کرده یادآوری می نماید.(۱)

علاوه بر مطالب بالا، در باره فلسفه اذان، می توان به موارد زیر هم اشاره کرد:

الف _ اذان و اقامه، توجه و آمادگی برای نمازگزار است و در اثنای آن، زمینه و استعداد پیدا می شود که انسان، با ادب بیشتر، خشوع فزون تر و عرفان عمیق تر در پیشگاه حضرت حق قرار گرفته و با معبود

۱- ۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۹.

و محبوب حقیقی خویشتن سخن بگوید و دمساز گردد.

گل نغمه زیبای خدایی است اذان پروانه باغ دلگشایی است اذان

محبوب تمام حق پرستان زمین پیغام رسان روشنایی است اذان

ب _ اذان موجب صفای باطن و شادی و نشاط روح است. پیامبر(ص) هنگام فرا رسیدن وقت نماز، به بلال میفرمود: «ای بلال! اذان بگو و ما را با آن شادمان ساز (ارحنا یا بلال)»

ج _ زمانی که صدای نیکوی اذان، فضا را معطر می سازد و به نماز گزاران مژده می دهد که هنگام سخن گفتن با خدا فرا رسیده است.

پس آنان آماده نماز می شوند و به سوی مساجد و نمازخانه ها حرکت می کنند رسول خدا(ص)فرمود: «هرگاه مؤذن بگوید: الله اکبر»،خداوند می فرماید: ای امت محمد مهیای نماز شوید و شغل دنیا را ترک کنید».(۱)

د _ قبل از اسلام مسیحیان با ناقوس، یهودیان با دمیدن در بوق ها، آتش پرستان با روشن کردن آتش مردم را به عبادت دعوت می کردند؛ ولی اسلام آمد و به جای این ها اذان را انتخاب کرد که در آن مردم با کلمات خوب و دلنشینی به مسجدها فرا خوانده می شوند و از طرفی با شنیدن و گفتن نام خدا، پیامبر و... آماده نماز خواندن می گردند.

۱- ۱. مناهج الشارعین، ص ۱۸۰.

ه. اذان آدمی را به یـاد خـدا می انـدازد و بـا بزرگی و عظمت او آشـنا می سـازد؛ بـا گفتن «الله اکبر» به بزرگی، جلالـت شأن، عظمت و توانایی خدا اعتراف می کنیم و با بیان «لا اله الا اللّه»، به یگانگی و بی شریکی او شهادت می دهیم.

۹ _ فلسفه حجاب زنان در نماز چیست؟

۹_ فلسفه حجاب زنان در نماز چیست؟

و چرا زنان باید در نماز پوشش داشته باشند؟

حجاب و پوشش بانوان در نماز، علل و فلسفه های متعددی دارد ؛ از جمله:

الف _ این خود نوعی تمرین مسـتمر و همه روزه برای حفظ حجاب می باشـد و یکی از عواملی است که در پاسداشت دائمی پوشش اسلامی زن و جلوگیری از آسیب پذیری آن، نقش مهمی ایفا می کند.

ب _ وجود پوشـش برای تمـام بـدن و داشـتن پوششـی مخصوص برای نماز، توجه و حضور قلب انسان را بیشتر می کنـد و از التفات ذهن به تجملات و چیزهای رنگارنگ می کاهد و ارزش نماز را صد چندان می کند.

ج _ داشـتن پوشـش کامل در پیشـگاه خداونـد، نوعی ادب و احترام به ساحت قدس ربوبی است. از این رو برای مرد نیز دربر داشتن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحب است.

ص: ۲۷

افزون بر آن، حکم پوشش در نماز، با حفظ حجاب در برابر نامحرم تفاوت هایی دارد و با آن قابل مقایسه نیست ؛ مثلاً پوشاندن روی پا در برابر نامحرم واجب است ؛ ولی در نماز ــ بدون حضور نامحرم ــ واجب نیست.

۱۰ ــ چرا بسیاری از نماز گزاران مرتکب گناه می شوند؟

حال آن که قرآن فرموده: نماز انسان را از کارهای زشت باز می دارد.

بازدارندگی از گناه جزئی از طبیعت نماز است. نمازی که نمازگزار را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده از گناه؛ یعنی، مبدأ و معاد می اندازد، باید دارای خاصیت بازداری از فحشا و منکر باشد.

نماز، صفتی در روح انسان ایجاد می کند که به مشابه یک پلیس درونی است و همراهش را از منکرات منع می کند و در نتیجه روحش را از ناپاکی گناهان و آلودگی های ناشی از آنها دور نگه می دارد.

چون وقتی انسان در محضر خدا حضور می یابد و او را از همه چیز و همه کس بالاتر و بزرگتر از حد وصف می پرستد و از او کمک میجوید و راه راست را از او میخواهد و بیزاری خود را از راه غضب شدگان حضرت کردگار و گمراهان بروز می دهد، بی تردید حرکتی در قلب و روحش به سوی پاکی و تقوا پدید می آید. شخص نمازگزار در شبانه روز حداقل پنج بار قامتش را برای خدا خم می کند و پیشانیش را در مقابل عظمت خالقش بر خاک میساید و بر یگانگی و رسالت

رسولش مهر تأییـد میزنـد و علاـوه بر این ها پیش از هر نمازی خود را می شویـد و پاک می سازد و از پلیـدی نجاست و حرام دور می کند.

چنین امور و حالاـتی، طبیعتا موجی از معنویت در او پدیـد می آورد و خس و خاشاك گناه و هوس و پوچی و بیهودگی را از وجودش دور می کند؛ زیرا هر یک از آنها به تنهایی تأثیری بازدارنده در برابر فحشا و منکر دارد. و البته مجموعه آنها که نماز نامیده می شود. تاثیر کلّی تر و قوی تر در بازداری از فحشاء و منکر دارد. به عبارت دیگر هر نمازی به اندازه نقص و کمالش، صـاحب خود را از فحشـاء و منکر منع می کنـد. لیکن نمـاز هر چنـد سـطحی و ناآگاهانه باشـد غیرممکن است که هیـچ گونه تاثیری در نمازگزار نداشته باشد.

آنان که نماز حقیقی نمیخواننـد و آلوده به گناه هسـتند؛ اگر همان نماز ناقص و سـطحی را نخوانند از آن هم آلوده تر خواهند شد.

از جابر بن عبـدالله انصاری روایت شـده که گفت: به رسول خـدا(ص) گفتنـد: فلان شـخص روزها نماز میخوانـد و شب ها به سرقت اشتغال می ورزد، فرمود:

«اِنَّ صَلاتَهُ لَتَردِعَه؛ همانا نمازش او را از آن عمل باز خواهد داشت.»(۱)

عالمی گفت: مویز موجب ازدیاد حافظه است. به او گفتند: پس چرا فلانی که مویز بسیار می خورد، حافظه اش کم است؟

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۹.

عالم گفت: اکنون که مویز می خورد حافظه اش این است؛ اگر مویز نمی خورد چه حافظه ای می داشت؟!

نماز در بازداری از گناه اثر دارد. اما کیفیت نماز و اثر پذیری از آن متفاوت است و شاید هوا و هوس های درونی شخص مانع تاثیر نماز می شوند و آن را از اثر می اندازند. نماز او در حد توان خود جلوی دشمن درونی را گرفته است و مانع از فحشا و منکر شده است؛ لیکن نفس اماره اش بسیار قوی بوده است. این نکته نیز مسلم است که نماز با کیفیت و نیرومند مانع از تسلیم او در برابر شیطان نفس خواهد شد.

فضیل بن عیاض سرکرده دزدان بود، به کاروان ها و خانه های مردم یورش می برد و کالا و داراییشان را به سرقت می برد، مردم نه از دست او و دار و دسته اش در امان بودند و نه قادر به منع او بودند. دستگاه حکومتی نیز توان بازداشتن او را نداشت. اما این فضیل به خاطر ایمان مختصری که داشت و نمازش را به جای می آورد. در نهایت همین امر مانع زشت کاری او گردید.

نیمه شبی از دیوار خانه ای بالا رفت تا گناهی دیگر انجام دهد. ناگهان صدایی شنید.چون گوش فرا داد. تلاوت این آیه را از صاحب آن صدا شنید.

«اَلَمْ یَأْنِ لِلَّذینَ امَنُوا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهمْ لِذِكْرِ اللّهِ؛ آیا مؤمنانی را وقت آن نرسیده است که دلهایشان برای خدا فروتن گردد.»(1)

۱- ۱. سوره حدید، آیه ۱۶.

ناگهان به خود آمد و اشکش فرو ریخت، از دیوار فرود آمد و به سمت خانه اش روان گردید درحالی که مرتبا می گفت: خداوندا! آری وقت آن رسیده است.

اثر بخشی نماز علت تامه برای منع از معصیت شمرده نمی شود. تاثیر آن نیز به گونه ای نیست که تخلف نپذیرد. ممکن است موانعی، اثر نماز را خنثی کند؛ ولی اگر مانعی جلوی تأثیر آن را نگیرد مسلما فایده خواهد بخشید. نماز و یاد خدا و موانعی که اثر آن را خنثی می کند، مانند دو کفه یک ترازو است؛ اگر کفه نماز سنگین تر شود، نماز گزار از گناه باز می ماند واگر کفه موانع سنگین شود، نمازگزار از یاد خدا و حقیقت نماز منصرف و متوجه امور دیگری می گردد و چه بسا که مرتکب گناهان گردد.

باید دانست که اگر اشکالی در عدم تأثیر هست، در نمازگزاری است که چنین نمازی را بجا می آورد.

۱۱ ـ برخی ها می گویند اگر خداوند مشکلات ما را حل نمی کند...

۱۱ ـ برخی ها می گویند اگر خداوند مشکلات ما را حل نمی کند، ما هم نماز نمی خوانیم؛ آیا این درست است؟

فرض می کنیم که آنچه برخی می گویند مطلب صحیحی باشد که اگر خدا مشکل ما را حل نکند ما نماز نمی خوانیم؟ حال با توجه به این فرض به مطالب زیر توجه شود:

الف ـ اگر فقط کسانی که مشکلی ندارند، باید نماز بخوانند، در این

صورت اکثر مردم نباید نماز بخوانند؛ چون هر یک به نحوی مشکلی دارند. اگر یک جوان مشکل ازدواج و خانه دارد، بسیاری از ازدواج کرده ها و خانه دارها نیز ده ها مشکل دارند. حال آیا می توان این مبنا را پذیرفت؟

ب ـ نماز خواندن در برابر حل مشکلات؛ یعنی شاکر بودن در برابر احسان و لطف خداوند. حال می پرسیم آیا تاکنون خداوند نعمتی به ما نداده که در برابر آن شاکر باشیم؟! آیا نعمت وجود، سلامتی، عقل، حواس، خانواده و... آیا سزاوار نیست که در برابر نعمت هایی که به ما داده او را شاکر باشیم تا او نیز نعمتش را بر ما افزون سازد.

ج ـ آیا احتمال نمی دهید که مشکلات فعلی به جهت ناسپاسی های گذشته باشد؟! خداوند خود فرموده است: اگر «سپاس گزاری کنید، نعمتتان را افزون می سازیم».(۱)

آنچه گفتیم با توجه به فرض بود، ولی اگر از زاویه کامل تری به موضوع نگاه کنیم، خواهیم دید که نماز فلسفه ای دارد فراتر از موضوع شکرگزاری و قدردانی نسبت به نعمت های خداوند نمازهای روزانه چراغ هایی است که در مسیر پر پیچ و خم زندگی روشن می شود تا انسان در گردونه ها، سختی ها و ظلمت ها خود را نبازد و در مسیر راستی و درستی حرکت کند؛ ناامید نگردد و بر مشکلات با توکل بر خداوند فائق آید.

۱- ۱. سوره ابراهیم، آیه ۷.

۱۲ _ برای این که افراد را به نماز خواندن تشویق نماییم، چه کنیم؟

تلاش برای آشنا ساختن دیگران با نماز، کاری بس ارزشمند و مورد پسند است. دعوت مردم به آشنایی با خداوند و عبادت او، از برجسته ترین و متعالی ترین امور است.

برای ترغیب و تشویق به نماز:

یک _ در آغاز بایستی زیر بناهای فکری فرد را مورد بررسی قرار داد و در اصلاح آن کوشید.

دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد و... اموری است که نتیجه مستقیم بر عمل کرد فرد دارد. پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید.

نماز، عملی است که در مجموعه عقیده توحیدی، دارای معنا و فلسفه است. پس در آغاز بایستی این مجموعه شناخته شود تا نماز جایگاه خود را در ذهن و اندیشه فرد باز یابد.

در بینش توحیدی اسلام و دیگر ادیان الهی، انسان موجودی است که به سوی کمال و لقای پروردگار در حرکت است: «انا للّه و انا الیه راجعون؛ از خداییم و به سوی او باز می گردیم».(۱)

حال در این مسیر، ابزارهایی به مدد انسان می آید، تا او را از فراموش کردن مسیر و هدف باز دارد که از مهم ترین آنها «نماز» است: «اقم الصلاه لذکری؛ نماز را برای یاد من به پا دار».(۲)

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۵۶.

۲- ۲. سوره طه، آیه ۱۴.

آدمی بـدون نمـاز راه را گم خواهـد کرد. نمازهای پنـج گانه، هماننـد چراغ های برق هسـتند که مسـیری طولانی و پر خطر را روشن کرده اند تا کسی راه را گم نکند و به بیراهه و سقوط کشانده نشود.

آنچه که موجب می گردد برخی از نمـاز روی گردان باشـند و یـا نسـبت به آن سـهل انگاری کننـد، ندانسـتن فلسـفه نماز و یا درکی غلـط از آن است. برخی چنین می پندارنـد که نمـاز انسـان، نیـازی را از خداونـد برطرف می کنـد که البته خیالی واهی است. خداونـد نیازی به هیـچ مخلوقی نـدارد. از این رو آنچه که به عنوان عبادات بر آن تأکیـد شـده، جملگی در جهت کمال انسان است. نماز دارای آثار و فلسفه های متعدد دیگری نیز هست که به آن اشاره می کنیم:

۱ ـ نماز، تقدیر و سپاس گزاری از خداوند است.

۲ ـ موجب آرامش انسان است.

۳ ـ موجب یاد خدا است.

۴ ـ نماز زمینه پرهیز از گناه را در انسان فراهم می کند.

۵ ـ تأکیدی بر نظافت و سلامتی است.

۶ ـ موجب انضباط و وقت شناسی است.

۷ ـ دارای آثار وحدت بخش اجتماعی است.

دو ـ بیان فلسـفه و اسـرار نماز به اندازه فهم هر شـخص؛مثلاً به او گفت که اگر کسـی به شـما خدمتی هر چند کوچک انجام دهد، از او تشکر می کنید و یا اگر کسی شما را به مهمانی دعوت کرد و انواع

غذاها و میوه ها و شیرینی ها را برای شما فراهم و همه گونه از شما پذیرایی نمود، از او تشکر و قدردانی می کنید و اگر بدون این که یک کلمه از او سپاس گزاری کنید، از منزل او خارج شوید، همه کسانی که این برخورد را می بینند، شما را سرزنش می کنند. حال خداوند عالم که همه چیز از او است؛ و نه تنها هستی ما از او است؛ بلکه تمام این نعمت های گوناگون را برای ما آفریده است و در سختی ها و مریضی ها و مشکلات ما را کمک می کند و نجات می بخشد، همیشه بر سر سفره کرم او مهمان هستیم، تشکر نمیخواهد؟ نماز و عبادات ما تشکر بسیار ناچیز از خدای عالم است؛ گرچه او به این تشکر نیاز ندارد و سود آن عاید خود ما می شود. به طور کلی از این راه ها برای تشویق کودکان و نوجوانان می توانید بهره بگیرید:

۱ _ تشویق کودکان و نوجوانان هنگامی که نماز می خوانند.

۲ _ تهیه لباس مخصوص و سجاده و تسبیح زیبا و یا برای دختر بچه ها مقنعه و چادر مناسب.

۳ _ تشکیل نماز جماعت در منزل یا بردن بچه ها به مساجد.

۴ _ نقل قصه ها و داستان های شیرین در حد فهم آنان از نماز بزرگان و اشعار و احادیث زیبا دراین باره.

۵ _ ترک مستحبات در ابتدای کار، طول ندادن نماز و رعایت توانایی کودکان و جوانان.

۶ _ رعایت نظافت محل نماز و بردن آنها در مساجدی که نظیف

است و جلب توجه می کند.

۷ ـ خود مربیان به نماز اهمیت بدهند و در اول وقت آمادگی خود را نشان دهند.

۸ ـ بیان عظمت نماز و این که از هر کاری اهمیت آن بیشتر است.

۹ ـ آنها را از مصاحبت با افراد بی نماز و یا آنانی که به نماز اهمیت نمی دهند، دور نگاه داشتن.

۱۰ ـ این کارها باید به وسیله مربیان از ابتدای سنین جوانی شروع شود؛ به طوری که کودک و نوجوان از آغاز به نماز عادت کند. در روایات اسلامی آمده است: کودکان را از سن هفت سالگی و قبل از رسیدن به سن بلوغ به نماز و عبادات وادار کنید تا وقتی به سن جوانی و بلوغ می رسند، انجام آن برایشان سخت نباشد.

۱۱ ـ فراهم کردن فیلم های نمایشی درباره نماز و کتاب هایی که در مورد نماز است.

سه ـ عشق و علاقه به اهل بیت(ع)، یکی از راه های جلب انسان به عبادت و نماز است:

اصولاً ـ نماز از ضروریات بوده و از آن به عنوان عمود دین یاد می شود (الصلاه عمود الدین). ازهمین رو امام باقر(ع) می فرماید: «اول ما یحاسب به العبد الصلاه فان قبلت قبل ماسواها؛ در قیامت اولین چیزی که از انسان محاسبه می شود، نماز است، که اگر مورد قبول قرار گرفت،

دیگر اعمال نیک انسان نیز مورد پذیرش قرار خواهد گرفت».(۱)

حال کسی که به ائمه هدی(ع) عشق می ورزد، شایسته است به جلوه های رفتاری آن بزرگواران توجه نموده و از آنان الهام گیرد. امام علی(ع) به قدری به نماز مقید بودند که حتی در جنگ صفین شور نماز در دلش موج می زد و مراقب وقت زوال بودند. امام حسین(ع) حتی در ظهر عاشورا مترصد نماز اول وقت بود و... به طور کلی سیره ائمه هدی(ع) نشانگر شدت مراقبت آن عزیزان به نماز است. آنان همین روش را به یاران و صحابه خویش توصیه کرده اند. هنگامی که امیرمؤمنان مالک اشتر را به عنوان استاندار مصر اعزام فرمود، به وی توصیه کرد: «واجعل لنفسك فیما بینك و بین اللّه تعالی افضل تلك المواقیت واجزل تلك الاقسام؛ بهترین وقت خویش را به نماز و خلوت با خدا اختصاص ده».(۲)

۱۳ _ چگونه می توانیم با نماز انس بگیریم؟

به نظر می رسد ما وقتی با نماز انس می گیریم که نخواهیم فقط وقت نماز بنده خدا باشیم و در سایر اوقات برده هوا و هوس و دنیا، اگر در اوقات دیگر شبانه روز هم در ارتباط با خدابودیم و در فضای عبودیت خدا نفس کشیدیم و گام برداشتیم،با نماز هم سنخ و مأنوس

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۶۷.

۲- ۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

خواهیم بود؛چراکه در اوقات دیگر هم مشغول عبادت وارتباط با خدا به وسیله انجام دادن واجبات و ترک محرمات و پرهیز از غفلت ها هستیم و آنها هم خود نوعینماز است. دراین صورت انس بانماز حاصل می شود.

۱۴ _ موضوع انگشتر دادن حضرت علی(ع) در رکوع تا چه اندازه

۱۴ _ موضوع انگشتر دادن حضرت علی(ع) در رکوع تا چه اندازه صحت دارد و آن حضرت چگونه یک بار در رکوع به فقیر انگشتر می دهد و زمانی در حال نماز از پایش تیر خارج می کنند و ایشان متوجه نمی شوند؟

داستان اعطای انگشتر به فقیر در رکوع و نزول آیه ۵۵ سوره «مائده» در شأن حضرت علی(ع) را عده زیادی از اصحاب پیامبر(ص) نقل کرده اند؛ از جمله: ابن عباس، عمار یاسر، عبداللّه بن سلام، انس بن مالک، جابر بن عبداللّه و ابوذر غفاری.

در کتاب «غایه المرام» ۲۴ حدیث در این باره از کتاب های اهل سنت ذکر گردیده است.(۱)

بنابراین، این حدیث از جمله احادیث متواتر است که هیچ تردیدی در آن نیست؛ اما این که چگونه امام علی(ع) زمانی در نماز، انگشتر به فقیر می دهد و زمانی نیز تیر از پای حضرت در نماز بیرون

۱- ۱. منابعی که این حدیث در آن ذکر شده، عبارت است از: محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۸۸؛ قاضی شوکانی، فتح الغدیر، ص ۵۰؛ جامع الاصول، ج ۹، ص ۴۷۸؛ اسباب النزول واحدی، ص ۱۴۸؛ لباب النقول سیوطی، ص ۱۰۵؛ تفسیر طبری، ص ۱۶۵؛ تفسیر فخر رازی، ج ۳، ص ۴۳۱؛ تفسیر درالمنثور، ج ۲، ص ۳۹۳؛ کنزالعمال، ج ۶، ص ۳۹۱.

می کشند؟ باید توجه داشت که حالات انسان همواره یکسان نیست؛ یعنی، نمیتوان چنین ادعایی کرد که حضرت علی(ع) در تمام نمازهای خود حالتی داشتند که هیچ توجهی به اطراف و یا بدن خود نداشته اند. بنابراین اشکالی ندارد که در نمازی توجه به اطراف داشته باشند و به فقیر انگشتر بدهند و در نمازی نیز آن چنان غرق در عبادت باشند که تیر از پایش بیرون بکشند و متوجه نشوند.

بنابراین شرایط مختلف زمانی و مکانی و روحی فرد در هر زمان اقتضایی دارد؛ چنان که پیامبر خدا(ص) نیز گاهی در نماز متوجه اطراف بودند؛ مثلاًـ روزی پیامبر(ص) در حین نماز متوجه شدند که دیوار گلی مسجد آلوده به اخلاط سینه است، حضرت در حین نماز چند قدم به جلو رفته و با چوبی آلودگی را از مسجد دور ساختند.(۱)

در ضمن، باید توجه داشت که میان «خارج کردن پیکان از بدن» و «بخشیدن انگشتر به فقیر» تفاوت بسیاری است؛ زیرا خارج کردن پیکان از بدن صرفا جنبه شخصی و جسمی دارد و از مقام توجه کامل به خداوند و استغراق در ذات او دور است؛ ولی توجه به حال بنده فقیر و محرومی که در مسجد پیغمبر اسلام(ص) ناله مظلومانه سرداده و تقاضای کمک می کند، یک عمل خدایی است و با توجّه به خدا تناسب دارد. در حقیقت حضرت در آن حال توجه به خود نداشت؛ زیرا توجه به حال بینوا توجه به خود نیست؛ بلکه توجه به

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۱.

خدا است!

به عبـارت دیگر: کمـک به خلق خـدا و مسـتمندان و فقیران، خود یکی از عبـادات بزرگ است و با نماز ـ که آن هم عبادتی است بس بزرگ ـ سنخیت کامل دارد. بنابراین جای تعجب نیست که ناله سوزان و نافذ آن فقیر محروم و استرحام او در برابر مسلمانان، دل آگاه امام علی(ع) را هنگام نماز متوجه خود سازد و در ضمن آن عبادت، عبادت دیگری که هر دو برای خدا و جلب خشنودی او بوده است انجام دهد. حتی این عمل به قدری شایسته و ارزنده بود که آیه ای درباره آن نازل گردید.(۱)

۱۵ ـ برای رفع بی میلی و کسالت در نماز چه کنیم؟

۱ ـ با نشاط وضو گرفتن.

۲ ـ گزینش مکان مناسب.

۳ ـ اکتفا نمودن به واجبات نماز.

۴ ـ خواندن نماز به جماعت و در مسجد.

۵ ـ دقت در کسب مال حلال.

۶ ـ عدم توجّه به پیرامون و اطرافیان.

۷ ـ مطالعه درباره کیفیت نمازهای اهل بیت(ع) و اولیای خدا.

۱- ۱. سوره مائده، آیه ۵۵.

۱۶ _ چه کنیم تا در نماز فقط به یاد خداوند باشیم؟

برای یافتن حضور قلب در نماز رعایت چند نکته ضروری است:

۱ _ همواره نمازها را اول وقت خواندن.

۲ _ مکان نماز خالی از صداها و اشیایی باشد که موجب جلب توجه است.

۳ _ تا جایی که ممکن است در مساجد و به جماعت نماز خواندن.

۴ _ پیش از نماز زمینه های روحی توجه به معبود را در خود فراهم ساختن (از طریق خواندن دعاهای هنگام وضو، اذان، اقامه و دیگر مستحبات قبل از نماز).

۵ _ مهمتر از همه بیرون راندن حب دنیا از نفس و دل را مملو از عشق الهی ساختن است؛ زیرا خیال و اندیشه انسان همواره متوجه چیزی است که بدان دلبستگی دارد، چنان که عاشق در همه حال به یاد معشوق است. پس انسان دوستدار دنیا، همیشه حتی در نماز ذهنش متوجه مسائل دنیوی است و آن که جانش لبریز از عشق خدا است در امور دنیوی نیز هیچ گاه فارغ از یاد او نمی شود و به عبارتی همواره در نماز است.

۶ _ نکته دیگر آن که قوه خیال انسان چون چکاوکی است که اگر با زحمت مداوم تربیت نشود، هر آن از شاخی بر شاخ دیگر می جهد و قرار و آرامی ندارد. از این رو انسان باید ابتدا بکوشد که در نماز از آن مواظبت نموده و آن را به یاد خدا نگه دارد و هرگاه متوجه شد که از

یاد خدا غافل گردیده، بلافاصله آن را به جایگاه اصلی برگرداند. چنانچه مدتی بر این عمل مداومت کند طایر خیال رام و مطیع گشته و حضور دل و توجه به سوی خدا ملکه آن خواهد گشت.

۷ _ دانستن معانی عبارات نمازها، دعا و مطالعه در احوال معاد و...

۸ _ مطالعه پیرامون احوال اولیا در نماز بسیار مناسب است و توصیه می شود کتاب «آداب الصلوه» یا «پرواز درملکوت» امام خمینی(ره) را مطالعه فرمایید.

۹ _ خودداری از نگاه و توجه به چیزهای جلب کننده حواس. بهتر است در حال قیام به مهر در حالت تشهد به دامن و در رکوع به پاها نگاه شود.

۱۰ _ سعی کنید اذکار و قرائات نماز را با طمأنینه و با تدبر در محتوای آنها بخوانید.

۱۷ _ نمازهای نافله چه اثری دارند؟

در روایت های پیشوایان دین تأکید بسیاری بر انجام دادن نافله ها شده است؛ زیرا آنها کاستی و نقصان باطنی نمازهای واجب روزانه را جبران می کنند.

اثر کلی نوافل قرب به خدا و توجه و تذکر بیشتر و طبعا پاکی و دوری از گناه وغفلت است. در حدیث قدسی معروفی به نام «قرب

النوافل» آمده که خداوند فرمود: «بنده با نوافل به من نزدیک می شود تا جایی که من چشم او می شوم که با او می بیند وگوش او می شوم که با او می شنود ودست او می شوم که با او کار انجام می دهد؛ یعنی، چشم و گوش و دست الهی پیدا می کند».(۱)

در خصوص نماز شب آیات و روایات آثار زیادی را ذکر کرده اند؛ مثلاً: «مقام محمود و پسندیده در دنیا و آخرت اثر نماز شب شمرده شده، همچنین نوافل موجب جبران نقص در فرائض می گردد».

۱۸ ــ رفت و آمد و معاشرت با کسانی که نماز نمی خوانند

۱۸ ــ رفت و آمد و معاشرت با کسانی که نماز نمی خوانند چه حکمی دارد؟

چنانچه می دانید یا احتمال می دهید که ارتباط و رفت و آمد با این افراد می تواند آثار مثبتی داشته باشد و شما می توانید با گفتار یا رفتار خود آنها را با فرهنگ اسلامی آشنا کنید و بر ادای نماز تشویق نمایید، لازم است که رابطه با آنان را ترک نکنید و با رعایت مراحل امر به معروف و نهی از منکر، آنها را ارشاد نمایید. اگر این راه مؤثر واقع نشد، چنانچه قطع ارتباط کارساز است و موجب تنبیه آنها می شود، لازم است از این راه اقدام کنید. ولی اگر هیچ یک از راه ها تأثیر نکرد، دیگر برعهده شما چیزی نیست و اگر می ترسید این گونه ارتباطات و رفت و آمدها، تأثیرات منفی در اخلاق و رفتار شما داشته باشد، لازم است که رابطه را قطع کنید.

۱- ۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۲.

۱۹ _ خداوند مکان ندارد و در جهت خاصی نیست؛ پس چرا..

۱۹ _ خداوند مکان ندارد و در جهت خاصی نیست؛ پس چرا باید به سمت قبله نماز بخوانیم؟

بدون تردید خداوند مکان ندارد؛ چون مکان داشتن نشانه نیاز و محدودیت است و خداوند غنی مطلق است و به هیچ چیز و هیچ کس، نیازی ندارد. خداوند، در همه جا و یا همه کس و همه چیز هست: «فَأینما تُولّوا فثَمَّ وجهُ الله»(۱)؛ «به هر جهت روکنید، آنجا روی به خدا است (در برابر خداوند قرار دارید».

از این مقدمه چنین نتیجه گرفته می شود که «قبله» نیست که خداوند در آن سمت قرار دارد. پس فلسفه قبله، رو کردن به سمت خدا نیست؛ چون خداوند جهت خاصی ندارد. «ألا إنَّه بکل شی ء محیط»(۲)؛ «او بر همه چیز احاطه دارد».

بنابراین فلسفه تغییر قبله را باید در جای دیگر جست وجو کرد.

خداوند جهت ندارد؛ ولی ما انسان ها در زندگی و حیات مادی و معنوی خود، نیازمند جهت هستیم و قبله، تعیین کننده جهت حرکت مسلمانان در طول تاریخ بوده و هست. اگر فرض کنیم که نماز بدون قبله بود، چه اتفاقی می افتاد؟ هر کس به سمتی نماز می خواند و همین امر موجب می شد تا عده ای، جهتی را ترجیح بدهند و دیگران را نیز به آن دعوت کنند؛ مثلاً عده ای به مشرق، برخی به مغرب، گروهی به شمال، برخی به جنوب و... این موضوع خود عاملی برای

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۲- ۲. سوره فصلت، آیه ۵۴.

تفرقه و نزاع و درگیری می شد؛ حال آنکه اکنون نماز صـفوف را متحد و یکپارچه می کند. علاوه بر این می توان فلسـفه قبله را در موارد زیر دسته بندی کرد:

۱ _ توجه به خانه توحید و به نداگر یکتاپرستی حضرت ابراهیم(ع).

۲ _ توجه به زادگاه و خاست گاه دعوت توحیدی پیامبر(ص).

۳ _ توجه دادن به اولین بنا و معبد روی زمین.

۴ _ وحدت بخشی به صفوف مسلمانان.

۵ _ ایجاد روح جامعه پذیری و الفت در بین مسلمانان و جوامع اسلامی.

۶ _ ایجاد هویت مستقل فرهنگی در جامعه اسلامی.

۲۰ _ تاریخ قبله چیست؟

دلایل تبدیل قبله از بیت المقدس به کعبه کدام است؟

سال ها قبله مسـلمانان، بیت المقدس بود. کعبه در آن زمان به صورت بتخانه در آمده بود و مصلحت نبود که اسلام آن را قبله عبادت قرار دهد؛ ولی پس از هجرت، شـرایطی پیش آمد که قبله مسـلمانان از بیت المقدس، به مسجدالحرام تغییر یافت. یکی از علل آن زخم زبان هایی بود که یهودیان به مسـلمین می زدنـد و می گفتنـد: شـما خودتان قبله ندارید و به سوی قبله ما نماز می خوانید! رسول

ص: ۴۵

خدا(ص) از این موضوع ناراحت بود و انتظار گشایشی را از سوی خدا می کشید، تا آن گاه که آیات قرآن نازل شد و دستور آمد که هر کجا هستید، رو به مسجدالحرام بایستید و نماز بخوانید. آیات تغییر قبله، در طول تاریخ به مسلمانان این درس را می دهد که مستقل و آزاد باشند و زیر بار منت دیگران ـ حتی در مسائل عبادی ـ نروند و شرافتمندانه زندگی کنند.

این فرمان تغییر قبله، به علاوه امتحانی برای مسلمانان بود تا معلوم شود، چه کسانی مطیع و پیرو کامل دستورهای خدا و پیامبراند و چه کسانی بهانه جویی و اعتراض می کنند.

بنابراین مسلمانان باید در عبادت، رو به کعبه کنند؛ حتی در کارهایی همچون خواب و خوراک خوب است به سمت قبله باشند. ذبح حیوانات نیز باید رو به قبله باشد و گرنه گوشت آنها حرام می شود. این جهت گیری در همه امور به سوی کعبه، درس یکتاپرستی، ایمان و به یاد خدا بودن را به مسلمانان می دهد، تا همواره توجه به خانه محبوب و معبود داشته باشند واز غفلت به در آیند. به علاوه این سمت گیری به سوی قبله واحد، نظم و وحدتی شگفت انگیز و زیبا می آفریند و همه مسلمانان در هر جای دنیا، وقت نماز به سوی آن کانون خدایی رو می کنند. اگر کسی از فراز آسمان ها به صفوف نماز گزاران کره زمین بنگرد، دایره های متعددی را می بیند که مرکزیت همه آنها، «کعبه» است.

«توحیـد» نقطه تمرکز فکر، دل، جان و صـفوف مسـلمین است. از رهگذر توجه به قبله، علم هیئت، جغرافیا و جهت شناسـی نیز در میان مسـلمانان رشد کرد. آری کعبه، یادگار مبارزات توحیدی حضرت ابراهیم و اسماعیل(ع) و حضرت محمد(ص) است. حضـرت مهـدی(عـج) نیز در قیام جهانی خویش، به کعبه تکیه می کند و به اصـلاح جهان می پردازد. این کعبه است که برای نماز و نیایش، قبله یک مسلمان قرار می گیرد.

۲۱ _ چرا در دعا و قنوت نماز دست ها را به سوی آسمان بلند می کنیم؟

مگر خداوند جهت خاصی دارد؟

وقتی انسـان در مقابـل خداونـد خود _ که غنی مطلق است _ قرار می گیرد، بایـد بهترین شـیوه را به کار ببرد. در این صورت دست ها را به طرف بالا می گیرد و درخواست خود را مطرح می کنـد... اما چرا به طرف بالا؟ مگر خداوند در همه جا حضور ندارد؟ بالا و پایین نسـبت به ما است که روی زمین قرار داریم! فرضا اگر کسی روی کره ماه قرار گیرد، به نظرش می رسد که زمین بالای سر او قرار گرفته است.بنا براین بالا و پایین امری نسبی است.

حالت روحی روانی انسان، طوری است که چیزهای نفیس و معنوی را به بالا نسـبت می دهـد واز بالا تقاضا می کنـد و کسانی را که مقام عالی تری دارند، بالا دست قرار می دهد. سر انسان که محل

درک، شعور، عقل و مرکز فرماندهی بدن است، در بالاترین نقطه قرار دارد. قرآن نیز فرموده است: «رزق شما در آسمان است»(۱).

حضرت علی(ع) در پاسخ همین سؤال فرمودند: «اذا فرغ احدکم من الصلاه فلیرفع یدیه الی السماء و لینصب فی الدعا، فقال ابن سبا: یا امیرالمؤمنین! ألیس الله فی کل مکان؟ قال: نعم، قال: فَلِمَ یَرفع یدیه الی السماء؟ فقال: او ما تقرا «و فی السماء رزقکم و ماتوعدون». فمن این یطلب الرزق الا من موضع الرزق و موضع الرزق و ما وعد الله السماء»(۲)؛ «وقتی از نماز فارغ شدید، دستانتان را به طرف آسمان بالا ببرید و دعا کنید. ابن سبا سؤال کرد: مگر خداوند در همه مکان ها نیست؟ حضرت فرمود: درست است. سؤال کرد: پس چرا دستمان را به طرف آسمان بالا ببریم؟ حضرت فرمود: آیا قرآن نخوانده اید که فرموده است: «رزق شما و آنچه وعده داده شده اید، در آسمان است» پس از کجا باید رزق را طلب کرد؟ باید از موضع و جای رزق و آنچه که خداوند وعده کرده، طلب نمود که آسمان است».

۲۲ _ فلسفه این همه دقت در احکام شرعی چیست؟

نماز و تمامی شرایط و اجزای آن، دارای فلسفه هایی است که خلاصه آن به شرح زیر است:

۱- ۱. سوره ذاریات، آیه ۲۲.

۲- ۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۵؛ التهذیب، ج ۲، ص ۳۲۲.

۱ ـ تکرار و تلقین به جهت قـدرت یافتن فرد بر کنترل خویشـتن؛ چرا که دقت فرد در هر عمل، نوعی تمرین برای اعمال دیگر است.

۲ ـ ایجاد نظم و هماهنگی در بین نمازگزاران و ایجاد زمینه های نظم و جامعه پذیری.

۳ ـ اگر بنا باشد هر کس در هر عملی به نحو دلخواه عمل کند؛ نه تنها زمینه ای برای ارتباط افراد و همسویی آنان فراهم نمی گردد؛ بلکه زمینه اختلاف، تفرقه، اعمال سلیقه ها و دوری افراد از یکدیگر فراهم می آید.

۴ ـ اگر با تمرینات نظامی آشـنایی داشـته باشـید، در می یابید که تا چه میزان نظم و دیسـیپلین در آن عرصه ها، حاکم است و این کار تا چه اندازه در ایجاد روحیه نظم و انضباط در افراد تاثیر دارد.

دقت هایی که در مقدمات، مقارنات، شـرایط، آداب و دیگر احکام آن می گردد؛ بر کلیه امور زندگی انسان، تأثیرات مثبت و ارزنده ای دارد.

۲۳ ـ چرا نماز جمعه و نماز عیدین (عید قربان و فطر)، در زمان غیبت واجب شمرده نشده است؟

برای این که حاکمان جور، در زمان های مختلف، کمتر بتواننـد از نماز جمعه و عیـد، برای اهداف و مقاصد خود بهره ببرند و با تظاهر به اسلام و استفاده از احساسات مذهبی مردم، منافع خود را تامین

کننـد، این نمازهای پرجمعیت در زمان غیبت واجب نشـده است. اگر به تاریخ مراجعه کنیم، می بینیم که بنی امیه و بنی عباس چگونه به نـام اسـلام، حتی از اعیـاد به نفع حکومت هـای خود بهره می بردنـد. از این رو در روایـات رسـیده از اهـل بیت(ع)، وجوب نماز جمعه و عید مقید به زمان حضور معصوم شده است.

۲۴ _ با این که در زمان حاضر مسافرت ها آسان شده است؛...

۲۴ _ با این که در زمان حاضر مسافرت ها آسان شده است؛ چرا باید نماز را شکسته بخوانیم؟

نماز قصـر تخفیفی برای مسافر است؛ چرا که شـخص مسافر، نوعا گرفتاری هایی دارد که ذهنش به آن مشـغول است و بایستی بدان بپردازد. پس سختی سفر و استفاده از فرصت، دو حکمت اصلی کوتاه شدن نماز مسافر است.

ممکن است تصور شود در زمان های گذشـته، سفر دارای مشکلات متعددی بود که اکنون از آن خبری نیست (مسافرت پیاده و یا با حیوان)؛ ولی اکنون که وسایل پیشرفته و آسان وجود دارد، دیگر نماز مسافر چه مصلحتی دارد که شکسته باشد؟!

هر چنـد امروزه وسایل سـفر راحت شـده؛ ولی در عین حال، فشارهای عصبی و فرصت های محـدود، جایگزین آن شده است. برای نمونه شخصی که با هواپیما مسافرت می کند، گرچه با سریع ترین و راحت ترین وسیله به سفر می رود؛ ولی چند دقیقه

تـأخیر، می توانـد مانع سـفر او شود. علاوه بر این که شـرایط هر زمان را با مجموع ویژگی های همان عصـر بایـد سـنجید؛ نه با اعصار گذشـته و آینده. امروز نیز سفر کاری است که با فشارهای عصبی و زحمت همراه است؛ چنان که در گذشته مشکلاتی از نوع دیگر داشته است. بنابراین در زمان حاضر نیز مصلحت برای تخفیف وجود دارد.

۲۵ _ آیا بهتر نیست نماز را فرادا بخوانیم تا لذت بیشتری ببریم؟

نماز یک عبادت تک منظوره نیست؛ بلکه هندسه آن چند ضلعی است و به یک هدف خاصی محدود نمی شود.

اگر هـدف نمـاز، تنهـا ذکر و معرفت بود، این پیشـنهاد کاملاًـ صـحیح بود که با رفتن به کنـج عزلت و گوشه نشـینی و مراقبت فردی، بیشـتر می تـوان آن حالاـت معنـوی و عرفـانی را تحصـیل کرد؛ ولی نمـاز اسـلام، نمـازی است که دارای بعـدی کـاملاً اجتماعی است. به همین جهت اصل در نماز، جماعت است و «ضمایر جمع» در سوره حمد، شاهد مدعای ما است. پس بایستی بـا نمـاز در جامعه، حرکت کرد و هنر این است که آدمی، به گونه ای باشـد که در عین اشـتغالات گوناگون، از ذکر خـداوند غافل نگردد و همواره او را حاضر و ناظر ببیند ودر حقیقت در همه احوال، مشغول به نماز باشد.

نماز اسلام، نماز ناهی از منکر و عمود برپایی خیمه دین است و چنین عبادتی، با گوشه گیری تحقّق نمی یابد.

ص: ۵۱

به گفته یکی از بزرگان دانش، «نماز فرادا» همانند آن است که هر شخصی در اتاق خود، چراغی داشته باشد که اگر خاموش شود از نور بی بهره خواهد بود؛ ولی «نماز جماعت»، همانند آن است که در کنار هم هر کدام، چراغی داشته باشیم که در صورت خاموش شدن یک یا چند مورد از آن، نور از بین نمی رود و از نور دیگر بهره برده می شود.

۲۶ ـ علل بی رغبتی برخی افراد به نماز چیست؟

بی رغبتی و ترک نماز علل متعددی دارد؛ از جمله:

۱ ـ عدم آشنایی با فلسفه نماز.

۲ ـ احساس تحجر و عقب ماندگی (تحت تأثیر تبلیغات غرب و غربزدگان).

۳ ـ تنبلی و تن پروری.

۴ ـ مسامحه کاری.

۵ ـ احساس خودنمایی و ریاکاری.

۶ ـ احساس بی فایده بودن نماز به علت گناهکار بودن.

۷ ـ تربیت نادرست خانواده.

۸ ـ محیط و اجتماع فاسد.

۹ ـ دوست فاسد.

۱۰ ـ برخوردهای نامناسب افراد.

شخصی که در خواندن نماز سستی می کند و به آن بی رغبت

است، بایـد به عوامل یاد شـده توجه کند و سـپس به درمان وبرطرف کردن آن اقدام نماید؛ مثلاً اگر دوست فاسد، عامل ترک نماز است، باید رابطه با او را کاملاً قطع کند و اگر با فلسـفه نماز آشـنایی ندارد؛ به مطالعه و تفکر در اسـرار و فلسفه های نماز بپردازد. البته در هر مورد، بایستی درمان مناسب آن را به کار گرفت.

۲۷ _ کارکردهای نماز چیست؟

الف - کارکرد روحی

نماز سـتون دین و رکن اصـلی آن است «الصـلاه عمود الدین» و دائما روح را با خداوند رحمان و صفات نیکوی او مرتبط می سازد. به طور کلی وقتی یک دین با عملی زنـده و روزانه توأم نباشـد _ که میان بنـده و آفریـدگار را ارتباط دهد و روح را به سـوی رسـتگاری بکشانـد _ بی مفهـوم خواهـد بـود. امـام بـاقر(ع) به یکی از یـارانش فرمود: «آیـا می خواهی ریشه، شـاخه و بلنـدترین قله اسـلام را به تو معرفی کنم؟ عرض کرد: بله، فـدایت شوم! آن حضـرت فرمود: ریشه اش نماز، شاخه اش زکات و قله مرتفعش جهاد است»(۱).

فلسفه مهم تری که برای نماز هست، این است که انسان را به یاد خدا می اندازد و آن ریشه اصلی هر خیر و سعادت است.

امام صادق(ع) در مورد آیه «و لذکرالله اکبر» می فرماید: منظور این

ص: ۵۳

۱- ۱. الکافی، ج۲، ص ۲۰.

است که به یاد خدا بیافتد و به سراغ حلال برود وبا یاد خدا از حرام چشم بپوشد.(۱)

پیامبر اکرم(ص) از یاران خود سؤال فرمود: «اگر بر در خانه کسی نهری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن شست و شو دهد، آیا چیزی از آلودگی و کثافت در بدن او می ماند؟» یاران عرض کردند: نه؛ حضرت فرمود: «نماز درست همانند این آب جاری است. هر زمان که انسان نماز می خواند، گناهانی که در میان دو نماز انجام شده است، از میان می رود».

ب - آرامش بخشی نماز

«همانا با یاد خداوند دل ها آرامش می یابد»(۲).

اصولاً یاد خدا مایه حیات و آرامش دل ها است و هیچ چیز چنین آرامشی را ایجاد نمی کند.

بسیاری از دانشمندان علوم روانی و روان پزشکان، به این نکته پی برده اند که دعا و بر پا داشتن نماز و اعتقاد محکم به خداوند و دین، نگرانی، تشویش، یأس و ترس را ــ که موجب بسیاری از بیماری های روحی است ــ بر طرف می سازد.

انسان ناخود آگاه در مواقع ترس و ناامیدی، نام خدا را به زبان می آورد و از او یاری می طلبد. پس به یاد داشتن، به یاد آوردن و ارتباط با خداوند سبحان، از طریق نماز به سهولت امکان پذیر است.

۱- ۱. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۸۹.
۲- ۲. سوره رعد، آیه ۲۸.

امام صادق(ع) می فرمایـد: هنگامی که با غمی از غم های دنیا روبه رو می شوید، وضو گرفته به مسـجد بروید، نماز بخوانید و دعا کنید؛ زیرا خداوند دستور داده است: «... و استعینوا بالصبر و الصلاه...»(۱).

هرگاه برای امیرالمؤمنین(ع) مشکلی پیش می آمد نماز می خواندند و به دنبال حل مشکل می رفتند.(۲)

ج - ایجاد تمرکز

تـوجه و تمرکز _ که از شـرایط مهم نمـاز است _ وسـیله ای برای پرورش و تمرین حضـور ذهن و تمرکز حـواس است که در زنـدگی بسـیار حایز اهمیت بوده و بیشتر موفقیت های انسان، در نتیجه همین تمرکز فکر وتوجه کامل و حضور ذهن است: «به راستی مؤمنان رستگارند، کسانی که در نمازشان خشوع می ورزند»(۳).

سپـاس گزاری از خـدا (نماز) خود انگیزه ای محکم و دسـتاویزی مطمئن، برای افزایش معنویت و اتصال به سرچشـمه معنویت است. بدیهی است افزایش معنویت، روح و روان انسانی را متعالی می سازد.

د _ کارکرد بازدارندگی

«ان الصلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر...»(۴).

نماز با متوجه نمودن انسان، به سوی خدا و صفات نیکوی الهی و

۱- ۱. مجمع البیان، ذیل آیه ۴۴ سوره بقره.

۲- ۲. تفسیر نمونه، ج۱، ذیل آیات ۴۴ _ ۴۶، سوره بقره.

۳- ۳. سوره مؤمنون، آیه ۱ و ۲.

۴- ۴. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

روز قیامت، آدمی را از بدی ها باز می دارد و فضایل اخلاقی و انسانی را در وی تقویت و به اخلاق الهی آراسته می کند. فلسفه بزرگ نماز، باز داشتن انسان از زشتی ها و منکرات است و از آن جا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل باز دارنده (یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد) می اندازد، دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است. نماز خودبینی، کبر و غرور را در هم می شکند؛ چنان که امام علی(ع) فرمود:

«... خداوند ایمان را برای پاکسازی انسان ها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاکسازی از کبر و...»(۱).

«اگر نماز گزار بداند که چقدر از رحمت خداوند او را فرا گرفته، سرش را از سجده بر نخواهد داشت»(۲). «نماز وسیله تقرب هر پرهیزکار به خداوند است»(۳).

ه ــ کارکرد تربیتی، اجتماعی

نظافت و طهارت لباس و بدن، غصبی نبودن لباس و محل نماز، وقت شناسی و... از شرایط صحت نماز است و نمازگزار واقعی، طبق آیات ۱۹ تا ۳۵ سوره «معارج»، کسی است که: «نمازش ترک نشود؛ قسمتی از اموال خود را متعلق به بینوایان و محرومان بداند؛ روز جزا را باور داشته باشد و خود را از عذاب پروردگار ایمن نداند؛ دامان

۱- ۱. نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۵۲.

۲- ۲. غرر، ح ۳۳۴۷.

۳- ۳. نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۳۶.

خود را از شهوت رانی پاس نگه دارد؛ و به امانت ها و پیمان خود وفادار باشد؛ برای حفظ حقوق مردم نترسد و برای شهادت قیام کند». علاوه بر این شعارهای متن نماز، خود سازنده و تربیت کننده فرد و اجتماع است. نماز روح انضباط را در انسان تقویت می کند؛ چرا که دقیقا باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدم آداب و احکام آن، موجب بطلان نماز می شود(۱).

رسول خدا(ص) فرمود: «کسی که نماز را سبک شمارد، شفاعت من شامل حال او نمی شود»(۲).

و ـ کارکرد سیاسی

یکی از امتیازات حکومت اسلامی، بر سایر مکتب های سیاسی، نمازو سایر برنامه های عملی آن است؛ چرا که همه مکتب ها، در ابتدا صحبت از خلق می کنند و نویدهای بسیار به مردم می دهند. مردم نیز قول پیروی، فداکاری و همبستگی می دهند. اما پس از مدتی، ایده ها، شعارها، وعده ها و قرارها به دست فراموشی سپرده می شود و به وضع اختناق و استعمار باز می گردند. اما اسلام با برنامه های عملی و تمرین های روزانه و شعارهای سازنده اذان، اقامه وسایر عبادات، ایده ها و تعهدات و مسؤولیت هارا در میان همه اقشار، زنده و پایدار می دارد و باعث می شود که دولت و ملت، همواره به عهد خود وفادار بمانند.

۱- ۱. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۸۹.

۲- ۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۰۰.

باید توجه داشت که هر روز مسلمانان ـ بدون هیچ گونه امتیازی ـ با شنیدن صدای اذان، دست از کارهای دنیا شسته، برای نماز جماعت گرد هم جمع می شوند و روح ایمان، وحدت، همبستگی، تعاون و همیاری ـ که ضامن اجرای قوانین است ـ در آنان تجدید وتقویت می گردد.

ز ـ کارکرد معنوی

حضرت علی(ع) می فرماید: «نماز گناهان را مانند ریزش برگ فرو می ریزد». در قرآن آمده است: «نماز شب انسان را به مقام والای معنوی می رساند».امام علی(ع) می فرماید: «محبوب ترین اعمال نزد خداوند نماز است.» همچنین خداوند در سوره «نور» (آیات ۳۷و ۵۶ و ۶۳) و سوره «اسرا»(آیات ۸۸، ۶۴، ۷۸، ۷۹، ۱۰۶ و ۱۱۰) انسان را به تفکّر و تعقل در مورد نماز و آیات الهی فرا می خواند. حضرت رضا(ع) فرمود: «علت تشریع نماز این است که توجه و اقرار به ربوبیت پروردگار و مبارزه با شرک و بت پرستی، قیام در پیشگاه پروردگار در نهایت خضوع و نهایت تواضع، اعتراف به گناهان، تقاضای بخشش از معاصی گذشته و نهادن پیشانی بر زمین برای تعظیم پروردگار است تا گرد و غبار فراموش کاری بر دل او ننشیند. همچنین مداومت ذکر خداوند در شب و روز سبب می شود که انسان مولا، مدبر و خالق خود را فراموش نکند»(۱).

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵.

۲۸ _ کسی که نماز می خواند ولی دیگران را اذیت می کند...

۲۸ _ کسی که نماز می خواند ولی دیگران را اذیت می کند بهتر است؛ یا کسی که نماز نمی خواند اما به دیگران کمک می کند؟

برخی مقایسه ها ذهن را دچار خطا می کند. برای رفع چنین خطایی، باید مبنای مقایسه را اصلاح کرده، به آن صورت منطقی داد. مقایسه صحیح در این مورد آن است که بگوییم:

فردی که نماز می خواند و مردم آزاری هم می کند، بهتر است؛ یا کسی که نماز می خواند و به کسی هم آزاری نمی رساند.

یا آن که گفته شود: شخصی که نماز نمی خواند و مردم آزاری نمی کند، بهتر است؛ یا شخصی که نماز نمی خواند و مردم آزاری می کند.

پاسخ سؤالات یاد شده روشن است. در هر صورت در پاسخ مقایسه ای که در سؤال آمده می توان گفت: دو طرف هر کدام دارای یک امتیاز مثبت و یک امتیاز منفی هستند؛ ولی نه آزار دادن مردم مربوط به نماز خواندن است و نه ترک آزار آنان ربطی به تارک الصلاه بودن دارد. از سوی دیگر هم آزار دادن مردم، دارای مراتب مختلف است و هم ترک نماز. آزار دادن از مراتب بسیار پایین شروع می شود؛ مثلاً در روایات آمده است: «پایین ترین مرتبه ظلم آن است که سواره به پیاده بگوید: کنار برو». و مراتب بسیار بالای آن مانند آدم کشی و...است.

ترک نماز نیز صورت های مختلف دارد. ممکن است گاهی به

جهت سهل انگاری باشد و ممکن است گاهی به سبب انکار دین، خدا و احکام باشد. هر دو ترک نماز است؛ اما اولی موجب کفر نیست؛ ولی صورت دوم موجب کفر و خروج از دین است.

حال کدام مرتبه منظور است؟ بدیهی است که قضاوت کلی در این موارد منطقی نیست و هر کدام حکمی متفاوت از یکدیگر دارند.

۲۹ _ آیا عادلانه است قبولی کلیه اعمال، به نماز وابسته باشد؟

اگر معنای درست این حدیث درک نشود، این اشکال وارد است؛ ولی اگر دقت گردد و معنای عمیق حدیث به درستی فهمیده شود، خواهید دید که این معیار کاملاً عادلانه است. توضیح این که: نماز مقبول، شرایطی دارد؛ از جمله این که مکان، لباس و آب وضو و غسل غصبی نباشد. بنابراین نماز با تمام زندگی انسان مرتبط است؛ یعنی، شاخصی است که می توان مطلوب بودن و الهی بودن یک زندگی را با آن سنجید.

اگر درآمد کسی حلال و طیب نباشد و باآن درآمد خانه و لباس و غذا تهیه کند، آیا نمازش قبول است؟

آیا انفاق از آن مال و یا به زیارت و حج رفتن با آن مال، قبول درگاه الهی قرار می گیرد؟

از همین جا درمی یابیم که نماز معیاری است که قبولی اعمال دیگر را نیز می توان با آن سنجید. پس اگر نماز قبول باشد، کارهای خوب

دیگر نیز قبول است و اگر مردود باشد، چنان بر می آید که اشکال ریشه ای در اعمال وجود دارد.

برای مثال: آمپرهای یک وسیله نقلیه، نشان دهنده سلامت و یا اشکال در کار موتور آن وسیله است. نماز نیز نشان دهنده سلامت اعمال و یا خرابی دیگر اعمال است. اگر کسی توانسته است نماز خود را از ریا و سُمعه دور نگه دارد، قادر خواهد بود در بقیه عبادت ها و کارها نیز این ویژگی را حفظ کند؛ چون نماز وظیفه ای است که شبانه روز با آن مرتبط هستیم. بنابراین نماز شاخصی است که همه اعمال دیگر با آن سنجیده شده و محک زده می شود.

۳۰ _ اقامه نماز یعنی چه؟

«اقامه» به چند معنا آمده است:

۱ _ برگزاری و خواندن نماز؛ یعنی، بر هر مسلمان واجب است که در اوقات معین، نماز بخواند و به عبادت خداوند بپردازد.

۲ _ اقامه و برگزاری نماز در جامعه؛ یعنی، علاوه بر خواندن نماز، باید آن را در جامعه هم اقامه کرد و زمینه های تبلیغ، ترویج و برگزاری آن را در ادارات، سازمان ها، مراکز آموزشی، مساجد و... فراهم نمود.

برپاداشتن نماز، نخستین شیوه و نشانه حکومت صالحان است و این وظیفه بر دوش تک تک مسلمانان _ به خصوص حاکمان و مسؤولان امر _ سنگینی می کند. قرآن می فرماید: «الذین ان مکناهم فی

الارض اقاموا الصلاه...(۱)؛[یاران خدا [کسانی اند که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند...».

در تفسیر نمونه آمده است: «یکی از صفات مؤمنان این است که اگر در زمین، تمکّنی پیدا کنند و در انتخاب هر قسم زندگی که بخواهند به آنان آزادی داده شود و در میان همه انواع و اشکال حیات، یک زندگی صالح را اختیار می کنند و جامعه ای صالح به وجود می آورند که در آن جامعه، نماز به پا داشته و زکات داده می شود...»(۲).

در بعضی از روایات، آیه یاد شده به حضرت مهدی(عج) و یارانش و یا آل محمد(ص)به طور عموم، تفسیر شده است؛ چنان که امام باقر(ع) در تفسیر آیه «الذین ان مکناهم فی الارض...» فرمود: «این آیه تا آخر، از آن آل محمد(ص) و مهدی (عج) و یاران او است»(۳).

۳ ـ تبلیغ و ترویج فرهنگ نماز؛ یعنی، اهل علم و دانش باید با شیوه های نو، هنرمندانه و عامه پسند، به تبلیغ و ترویج فرهنگ نماز بپردازند و فلسفه اسرار، آثار و برکات آن را تشریح کنند.

ص: ۶۲

۱- ۱. سوره حج، آیه ۴۱.
۲- ۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۷.
۳- ۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۳۱ _ چرا نماز ستون دین است؟

نماز بـدین جهت سـتون دین است که بـدون آن، دین معنا و مفهومی نخواهـد داشت؛ همان گونه که خیمه بـدون سـتون، برپا نخواهـد بود. نمـاز عبادتی است جامع و فراگیر و به مثابه سـتون و پایه خیمه است. خاصـیت بسـیاری از عبادت ها و دسـتورات دینی (مثل زکات، حج، جهاد، روزه و...) در نماز جمع شده است. زکات، امتحان میزان عدم دلبستگی به مادیات و گذشتن از امور دنیایی است و در نماز نیز نمازگزار از همه چیز درمی گذرد و به خدا توجّه می کند «مالک یوم الدین». در روزه، بعضـی از امور بر انسان حرام می شود و نماز نیز چنین است.

شایـد علت این که از نماز به عنوان سـتون دین یاد شده، این باشد که قبولی همه اعمال، بسـتگی به پذیرش آن دارد و در مقام مثالماننـد سـتون یک خیمه است که اگر خیمه، سـتون نداشـته باشد، هرگز پابرجا نمی ماند. مسـلمانی که نماز نخواند و یا به نماز اهمیت ندهد، اسلام و مسلمانی اش مانند خیمه بی ستون است.

نظـام تربیتی، سیاسـی، اقتصـادی و اخلاـقی اسـلام مبتنی بر نظـارت درونی و تقوا است؛ یعنی، یـک مسـلمان بیش از همه چیز، خدای یگانه را مدنظر دارد و او را ناظر بر اعمال خویش می داند و معتقد است معاد و قیامت بر سر راه او قرار داد.

در این نظام، نماز نقش یادآور و هشدار دهنده ای را دارد که هر روز

و هر شب، این مهم را یادآوری کرده، انسان را از خطر فراموشی حقیقت باز می دارد. در نتیجه نقش بسیار موثری بر کنترل درونی انسان دارد؛ چنان که خداوند فرموده است. «اقم الصلاه ان الصلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر و لذکر الله اکبر(۱)؛ نماز را به پادار که نماز آدمی را از کارهای زشت و ناپسند باز می دارد و همانا ذکر و یاد خداوند، نتیجه بزرگ تر است». بنابراین نماز بدان جهت تشریع شده که آدمی، خود را فراموش نکند و بداند که بنده خدا است. نماز مانند چراغ هایی است که در فواصل معینی در تاریکی، روشن می شود؛ تا کسی که در راه است، آن را گم نکند و دچار لغزش و انحراف نگردد.

۳۲ _ نمازگزار حقیقی چه ویژگی هایی دارد؟

نمازگزاران حقیقی، دارای خصایص و ویژگی هایی اند که در آیات و روایات زیادی، به آنها اشاره شده است؛ از جمله:

۱ _ مداومت بر نماز (الذین هم علی صلاتهم دائمون)(۲).

۲ _ انفاق مال در راه خدا به محروم (والذین هم فی اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم)(۳).

۳ _ حفظ شهوت جنسی از محرمات (والذین هم لفروجهم حافظون)(۴).

۱- ۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۲- ۲. سوره معارج، آیه ۲۳.

۳- ۳. همان، آیات ۲۴ و ۲۵.

۴- ۴. سوره مؤمنون، آیه ۵.

۴ _ رعایت امانت و وفای به عهد (والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون)(۱).

۵ _ محافظت بر اوقات و شرایط نماز (و الذین هم علی صلواتهم یحافظون)(۲).

۶ _ تواضع و فروتنی (و قوموا لله قانتین)(۳)

۷ _ نظم و انضباط و وقت شناسی (ان الصلوه کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا)(۴).

۸ _ دوری از گناهان و رعایت تقوا و پرهیزگاری (ان الصلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر)(۵)و...

۳۳ _ چه دعایی در قنوت بخوانیم بهتر است؟

در قنوت بهترین دعاها، ادعیه قرآنی و دعاهایی است که از ائمه اطهار(ع) رسیده است.

در رساله های عملیه آمده است که در قنوت بهتر است این دعا خوانده شود:

«لاـ اله الاـ الله الحلیم الکریم، لا اله الا الله العلی العظیم، سبحان الله رب السماوات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین و سلام علی المرسلین.»

ص: ۶۵

۱- ۱. سوره مؤمنون، آیه ۸.

۲- ۲. سوره معارج، آیه ۳۴.

۳- ۳. سوره بقره، آیه ۲۳۸.

۴- ۴. سوره نساء، آیه ۱۰۳.

۵- ۵. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

برخی دعاهای قرآنی عبارت است از:

۱ _ «رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ النّارِ»(۱).

۲ _ «رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَیْنا صَبْراً وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرِین»(۲).

۳ _ «رَبَّنا لا تُوءاخِذْنا إِنْ نَسِینا أَوْ أَخْطَأْنا رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَیْنا إِصْراً کَما حَمَلْتَهُ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِنا رَبَّنا وَ لا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَهَ لَنا بِهِ وَ اعْفُ عَنّا وَ اغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا أَنْتَ مَوْلانا فَانْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرِینَ»(۳).

۴ _ «رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهّابُ»(۴).

۵ _ «رَبَّنا إِنَّنا آمَنّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ قِنا عَذابَ النّارِ»(۵).

۶ _ «رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّهً طَیِّبَهً إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعاءِ»(۶).

۷ _ «رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِیمَ الصَّلاهِ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِی رَبَّنا وَ تَقَبَّلْ دُعاء»(۷).

۸ _ «رَبَّنَا اغْفِرْ لِی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِلْمُوءْمِنِینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسابُ».(۸)

۹ _ «رَبَّنا آتِنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَهً وَ هَیِّیْ لَنا مِنْ أَمْرِنا رَشَداً»(۹).

۱۰ _ «رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصِیراً»(۱۰).

۱۱ _ «رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی»(۱۱).

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۲۰۱.

۲- ۲. همان، آیه ۲۵۰.

۳- ۳. همان، آیه ۲۸۶.

۴- ۴. سوره آل عمران، آیه ۹.

۵- ۵. همان، آیه ۱۶.

۶- ۶. همان، آیه ۳۸.

۷- ۷. سوره ابراهیم، آیه ۴۰.

۸- ۸. سوره ابراهیم، آیه ۴۱.

۹- ۹. سوره کهف، آیه ۱۰.

۱۰- ۱۰. سوره اسراء، آیه ۸۰.

۱۱- ۱۱. سوره طه، آیه ۲۵.

۱۲ ـ «رَبِّ زِدْنِی عِلْماً»(۱).

۱۳ ـ «رَبِّ لا تَذَرْنِی فَرْداً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْوارِثِینَ»(۲).

۱۴ ـ «رَبِّ أَنْزِلْنِی مُنْزَلاً مُبارَکاً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ»(۳).

۱۵ ـ «رَبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّیاطِینِ وَ أَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَنْ یَحْضُرُونِ»(۴).

۱۶ ـ «رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَیْرُ الرّاحِمِینَ»(۵).

۱۷ ـ «رَبِّ اغْفِرْ لِی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِناً وَ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ»(۶).

۱۸ ـ «رَبَّنا آمَنّا فَاغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا وَ أَنْتَ خَیْرُ الرّاحِمِینَ»(۷).

۱۹ ـ «رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّةَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً»(۸).

۲۰ ـ «رَبَّنَا اصْرِفْ عَنّا عَذابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذابَها کانَ غَراماً»(۹).

۲۱ ـ «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنا وَ لِإِخْوانِنَا الَّذِینَ سَبَقُونا بِالْإِیمانِ وَ لا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنا غِلاًّ لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّکَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ»(۱۰).

۱- ۱. همان، آیه ۱۱۴.

۲- ۲. سوره انبیاء، آیه ۸۲.

۳- ۳. سوره مومنون، آیه ۲۹.

۴- ۴. همان، آیه ۹۸.

۵- ۵. همان، آیه ۱۱۸.

۶- ۶. سوره نوح، آیه ۲۸.

۷- ۷. سوره مومنون، آیه ۱۰۹.

۸- ۸. سوره فرقان، آیه ۷۴.

۹- ۹. همان، آیه ۹۵.

۱۰- ۱۰. سوره حشر، آیه ۱۰.

۳۴ _ نماز جعفر طیار، چه موقع و چگونه خوانده می شود؟

با فضیلت ترین وقت خواندن نماز جعفر طیار، روز جمعه هنگام بالا آمدن آفتاب است. این نماز چهار رکعت است (به صورت دو نماز دو رکعتی). در هر رکعت آن، حمد و سوره و پس از آن پانزده مرتبه «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» خوانده می شود. این تسبیح ده مرتبه در رکوع و ده مرتبه بعد از بلند شدن از رکوع ونیز ده مرتبه در سجده اول و ده مرتبه بعد از سر برداشتن از آن، ده مرتبه در سجده دوم و ده مرتبه بعد از سر برداشتن از آن گفته می شود (همین طور در رکعت های بعد). این نماز سوره مخصوصی ندارد؛ لکن افضل آن است که در رکعت اول سوره «زلزال»، در رکعت دوم «عادیات»، در رکعت سوم «نصر» در رکعت چهارم «توحید» خوانده شود.(۱)

۳۵ _ مستحبات نماز را بیان نمایید.

مستحبات در نماز خیلی زیاد است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف - مستحبات و آداب قبل از نماز؛ عبارت است از:

۱ _ در هنگام وضو رو به قبله بایستد و قبل از آن مسواک بزند. هم چنین دعاهایی که در حال وضو وارد شده، بخواند.

۱- ۱. تحریرالوسیله، مترجم، ج ۱، ص ۴۴۰.

۲ ـ در حال نماز، لباس سفید و معطری بپوشد. انگشتری عقیق در دست کند و جامه سیاه نپوشد.

۳ ـ برای نماز جای مخصوص، لباس مخصوص و سجاده یا فرش مخصوص انتخاب کند.

۴ ـ نماز را به جماعت بخواند و اگر مرد است، طرف راست امام بایستد.

۵ ـ پیش از نمازهای یومیه، اذان و اقامه بگوید. موقع اذان گفتن نیز رو به قبله بایستد و با وضو و یا غسل باشد.

۶ ـ همان گونه که با صورت و بدن رو به قبله می ایستد، قلب هم به سمت قبله متوجه باشد.

ب - مستحبات و آداب بین نماز؛ عبارت است از:

۱ ـ برای نمازگزار سزاوار است که در تمام ذکرها و کارهای نماز، با حضور قلب باشد.

۲ ـ در نیت اخلاص داشته باشد و نماز خود را از هر عمل ونیت غیر خدایی پاک کند.

۳ ـ موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز، دست ها را تا مقابل گوش ها بالا ببرد. همچنین مستحب است قبل از گفتن «تکبیره الاحرام»، شش بار تکبیر بگوید و دعاهای وارده را بخواند.

۴ ـ کمال قیام بدن به این است که با طمأنینه، هیبت و حیا باشد. مستحب است در حال ایستادن، بدن را راست نگه دارد و شانه ها را

ص: ۶۹

پایین بیاندازد. هم چنین سر خود را پایین افکند و به موضع سجده بنگرد و به آسمان و راست و چپ نگاه نکند.

۵ ـ در قیام دست هارا بر روی ران ها بگذارد، انگشت ها را به هم بچسباند، جای سجده را نگاه کند، سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیاندازد و پاها را پس و پیش نگذارد.

۶ ـ کمال قلب در هنگام نماز، به این است که خدای تبارک و تعالی را پیوسته در نظر داشته باشد.

۷ ـ با دست هایش بازی نکند و پاهای خود را حرکت ندهد. همچنین انگشتان پا را رو به قبله گذاشته و از قبله کج نکند.

۸ ـ در حال برخاستن، این ذکر را بگوید: «بحول الله و قوته اقوم و اقعد».

۹ ـ مستحب است در «قرائت» رعایت ترتیل کند و به اعراب کلمات اهمیت دهد. همچنین در رکعت اول پیش از خواندن حمد بگوید: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم».

۱۰ ـ بعد از تکبیره الاحرام بگوید: «یا محسن قد اتاک المسی ء و قد امرت المحسن ان یتجاوز عن المسی ء انت المحسن وانا المسی ء بحق محمد و آل محمد، صل علی محمد و آل محمد و تجاوز عن قبیح ما تعلم منی».

۱۱ ـ بعد از تمام شدن حمد بگوید: «الحمد لله رب العالمین».

۱۲ ـ مستحب است در تمام نمازها در رکعت اول، «سوره قدر» و در رکعت دوم، «سوره توحید» را بخواند.

ص: ۷۰

۱۳ ــ قنوت یکی از مستحبات مؤکّد است. مستحب است قبل از قنوت، تکبیر بگوید و بعد از آن دست ها را بالا ـ ببرد و انگشتان را به هم بچسباند، مگر دو انگشت بزرگ را (انگشت شست).

۱۴ ــ پیش از رفتن به رکوع، درحالی که راست ایستاده، تکبیر بگوید. در رکوع دست راست را بر زانوی پای راست بگذارد. زانوها را به عقب دهد، پشت را صاف کند، گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد. بعد از آن که از رکوع برخاست و راست ایستاد، بگوید: «سمع الله لمن حمده».

۱۵ ــ در حال سجده، انگشتان دست را به هم بچسباند و برابر گوش بگذارد؛ به طوری که سر آنها رو به قبله باشد. در سجده دعا کند واز خدا حاجت بخواهد. بعد از سجده نیز بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.

۱۶ ــ مستحب است در حال تشهد، بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را به کف پای چپ بگذارد.

۱۷ ــ پیش از تشهد بگوید: «الحمد لله» یا بگوید: «بسم الله و بالله و الحمد لله و خیر الاسماء لله».

۱۸ ــ هم چنین در تشهد اول بعد از صلوات، بگوید: «و تقبل شفاعته فی امته و ارفع درجته».

۱۹ ــ هنگام برخاستن از تشهد بگوید: «بحول الله و قوته اقوم و اقعد».

ص: ۷۱

۳۶ _ دعاهایی که هنگام وضو خوانده می شود چیست؟

هنگامی که انسان مشغول وضو می شود، مستحب است دعاهای زیر را بخواند:

هنگام دیدن آب: «بِسمِ اللّهِ وَ بِالله وَ الْحَمْدُ لِلهِ الَّذی جَعَلَ الْماءَ طَهوُرا وَ لَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسا».

موقعی که قبل از وضو دست ها را می شوید: «اَلّلهُمَّ اجْعَلْنی مِنَ التَّوّابین وَ اجْعَلنی مِنَ المُتَطَهِّرین».

موقع مضمضه: «اَلّلهُمَّ لَقِّنی حُجَّتی یَوْمَ اَلقاکَ وَاَطْلِق لِسانی بِذِکْرِک».

هنگام استنشاق: «اَلّلهُمَّ لاتُحَرِّمْ عَلیّ ریحَ الْجَنّه وَاجْعَلنی مِمَّنْ یَشُمُّ ریحَها وَرَوحَها وَ طیبَها».

وقت شستن صورت: «اَلّلهُمَّ بَیِّض وَجهی یَوْمَ تَسْوَدُّ فیهِ الْوُجُوه وَ لاتُسَوِّد وَجهی یَوْمَ تَبیَضُّ فیهِ الْوُجوُه».

موقع شستن دست راست: «اَلّلهُمَّ اَعْطِنی کِتابی بِیَمینی وَ الْخُلْدَ فی الْجَنانِ بِیَساری وَ حاسِبْنی حِسابا یَسیرا».

هنگام شستن دست چپ: «اَلّلهُمَّ لاتُعْطِنی کِتابی بِشمالی و لامن وَراءِ ظَهری وَ لاتَجْعَلها مَغْلولَهً اِلی عُنُقی وَ اَعوُذُبِکَ مِنْ مُقَطَّعاتِ النّیران».

موقع مسح سر: «اَلّلهُمَّ غَشِّنی بِرَحْمَتِکَ وَبَرکاتِکَ وَ عَفْوِک».

موقع مسح پاها: «اَلّلهُمَّ ثَبِّتْنی عَلی الصِّراطِ یَوْمَ تَزِلُّ فیه الاَقدام وَ اجْعَلْ سَعیی فیما یُرضیکَ عَنّی یا ذَالْجَلالِ وَ الْاِکِرام».

ص: ۷۲

۳۷ _ مراتب حضور قلب در نماز چیست؟

«حضور قلب» دارای مراتب و درجات متفاوتی است:

مرتبه اول. نخستین مرحله حضور قلب این است که نمازگزار، در تمام نماز یا بعضی از آن، اجمالاً توجه داشته باشد که در حضور پروردگار جهان ایستاده، با او سخن می گوید و راز و نیاز می کند.

مرتبه دوم. در این مرحله نمازگزار در حال نماز، خودش را در برابر خدا و در حال تکلم با او می داند، به معانی کلمات و اذکار نیز توجه دارد و می داند که با خدا چه می گوید.

مرتبه سوم. نمازگزار علاوه بر مراحل سابق، حقیقت تکبیر، تسبیح، تقدیس و سایر مفاهیم اذکار را به خوبی می داند و با براهین علمی، با آنها آشنا شده و در حال نماز به آنها توجه دارد و خوب می داند که چه می گوید و چه می خواهد و با چه کسی سخن می گوید.

مرتبه چهارم. معارف و معانی ذکرها به طور کامل در باطن نمازگزار، نفوذ کرده، به مرحله یقین و ایمان کامل رسیده است. در این صورت زبان، از قلب پیروی می کند.

مرتبه پنجم. در این مرحله، اسما، صفات و کمالات حق را با چشم باطن مشاهده می کند و چیزی را جز خدا نمی بیند.

با شناخت مراتب بالا، روشن می گردد که غیر از موارد یاد شده، نمی توان چیزی را در حضور قلب دخیل کرد. در عین حال عوامل مؤثر در حضور قلب عبارت است از:

۱ ـ مکان خلوت؛ نمازگزار بهتر است در جای خلوت و بدون مزاحمت و سر و صدا نماز بخواند.

۲ ـ رفع موانع؛ مثلاً رفع گرسنگی و تشنگی شدید قبل از نماز و...

۳ ـ تقویت ایمان؛ انسان باید در تقویت ایمان و تحصیل معرفت کامل بکوشد تا در حال نماز بیشتر و بهتر حضور قلب پیدا کند.

۴ ـ یاد مرگ؛ اگر انسان به فکر مردن باشد و این که وقت مرگ معلوم نیست و... نمازش را با غفلت نخواهد خواند.

۵ ـ آمادگی برای نماز؛ دقت در وضو و طهارت، اذان گفتن، پوشیدن لباس مخصوص نماز و... تاثیر به سزایی در آمادگی انسان دارد.(۱)

۳۸ ـ شرایط قبولی نماز چیست؟

به طور کلی قبولی عبادات ـ به خصوص نماز ـ مراحل و شرایطی دارد؛ زیرا گاهی عبادت صحیح است، ولی رشد آور نیست (مثل دارویی که شفابخش نیست.)

در آیات و روایات شرایط و مراحل قبولی عبادات، شش چیز ذکر شده که عبارت است از: ۱ ـ شرط اعتقادی؛ ۲ ـ شرط ولایی؛ ۳ ـ شرط اخلاقی؛ ۴ ـ شرط اقتصادی؛ ۵ ـ شرط اجتماعی؛ ۶ ـ شرط بهداشتی.

۱ ـ شرط اعتقادی؛ نمازگزار باید ایمان به خدا داشته باشد. قرآن

۱- ۱. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: خودسازی «تزکیه و تهذیب نفس»، آیت الله امینی.

می فرماید: «عمل صالح از زن و مرد با ایمان است که موجب زندگی پاک می شود»(۱). در جای دیگر می فرماید: «نداشتن ایمان مایه تباهی اعمال است»(۲).

۲ _ شرط ولایی؛ یعنی برخورداری از ولایت و رهبری صحیح و آسمانی؛ همچون امام علی بن ابی طالب(ع) و فرزندان آن حضرت که همه بندگان خالص خدا هستند. این اعتقاد، نماز، حج و جهاد را در مسیر الهی قرار می دهد و به آنها جهت شایسته می بخشد. امام باقر(ع) فرمود: «کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت های طاقت فرسا انجام می دهد؛ ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی فایده است»(۳).

۳ _ شرط اخلاقی (تقوا)؛ خداوند عبادت و نماز را تنها از اهل تقوا می پذیرد: «انما یتقبل الله من المتقین»(۴). بدین معنا که بایستی نماز و اسباب آن برآمده از تقوا باشد. اگر لباس، مکان، غذا و... از مسیر تقوا و حلال فراهم نیامده باشد، نمازی بدون تقوا است که شایسته قبول به درگاه خداوند نیست.

۴ _ شرط اقتصادی (ادای حق مردم)؛ادای حقوق محرومان، در درجه ای از اهمیت است که گاهی قبولی عبادت بستگی به آن دارد. پرداخت زکات با داشتن درآمد مشروع، از این نمونه است. امام

۱- ۱. سوره نحل، آیه ۹۷.

۲- ۲. سوره مائده، آیه ۹۷.

۳- ۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۰.

۴- ۴. سوره مائده، آیه ۲۷.

رضا(ع) فرمودند: «هر کسی نماز بخواند؛ ولی زکات نپردازد، نمازش قبول نمی شود»(1).

۵ _ شرط اجتماعی؛ خیرخواهی نسبت به دیگران، حفظ پیوندهای اجتماعی و اخوت میان مسلمانان و روابط شایسته و نیکو میان پیروان اسلام در این زمینه حایز اهمیت است.

۶ _ شرط خانوادگی؛ خوش رفتاری در امور خانوادگی و رعایت حقوق متقابل زن و شوهر، فرزند، پدر و نیز همسایگان، چنان مهم است که بی توجهی به آنها، گاهی باعث بطلان عبادات می گردد. در این زمینه امام صادق(ع) فرمود: «نماز فرزندانی که با خشم به پدر و مادر خود نگاه می کنند، قبول نمی شود گرچه والدین، نسبت به آنان کوتاهی و ظلمی کرده باشند»(2).پیامبر اسلام(ص) فرمود: «هر کس زن بدرفتار و اذیت کننده ای داشته باشد، خداوند نماز و کارهای نیک آن زن را نمی پذیرد، مرد نیز چنین است»(3).

ما زمانی می توانیم از نردبان نماز به معراج رویم که پایه های آن روی زمین محکمی باشد؛ ولی اگر روی یخ لغزنده یا زمین سست قرار داده شود، بالا رفتن مشکل یا غیرممکن می گردد. پس قبولی عبادات _ به خصوص نماز _ با شرایط ومراحل ذکر شده، امکان پذیر است.

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۲.

۲- ۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹.

۳- ۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۳۹ _ نشانه قبولی نماز چیست؟

امام صادق(ع) فرموده است: «هر کس دوست دارد بداند، نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته یا نه؛ پس هر قدر که نمازش او را از گناه بازداشته، به همان اندازه نمازش قبول شده است.(۱)

۴۰ _ آیا این مطلب صحت دارد که برخی از ائمه(ع) ...

۴۰ _ آیـا ایـن مطلـب صـحت دارد که برخی از ائمه(ع) هر شب هزار رکعت نمـاز می خواندنـد؟ آیـا چنین نمازهـایی، دارای کیفیت است؟

آنچه در تاریخ در مورد حضرت علی(ع)، امام سجاد(ع) و برخی دیگر از ائمه(ع) نقل شده، آن نیست که هر شب هزار رکعت نماز می خواندند ؛ بلکه در مواقعی و در بعضی از شب ها چنین عبادت می کردند.

این مطلب از نظر امکـان عملی، مشـکلی نـدارد و علاـمه امینی(ره) در برابر انکار برخی، یک شب هزار رکعت نماز، در مقابل آنان به جا آوردند.

نکته دیگر آنکه، نمـاز مسـتحبی را می توان بسـیار سـاده به جـا آورد و بـدون خوانـدن سوره و تنها با یک ذکر (مثلاً «سـبحان اللّه»)، رکوع و سـجود آن را انجام داد و در پایان به یک سـلام اکتفا نمود. در این صورت دو رکعت، حـدود یک دقیقه طول می کشد. در این صورت با

ص: ۷۷

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸.

احتساب چند ثانیه برای استراحت، بیش از ده ساعت وقت لازم نیست.

علاوه بر آنکه ممکن است موضوع هزار رکعت، مبالغه راویان باشد ؛ چون می دیدند که حضرت در تمام شب مشغول نماز بوده است، می گفتند: حضرت هزار رکعت نماز خواند و این گونه گفتار، در عرف هم رایج است.

نکته دیگر آنکه در تاریخ، اشخاص دیگری نیز بوده اند که در یک شب هزار رکعت نماز به جا آورده اند. اگر کاری برای یک فرد میسّر نبود، دلیل آن نیست که برای دیگری نیز میسّر نباشد.

اما در بحث کیفیت و کمیت، مسلما نماز اولیا دارای کیفیت است ؛ آنان گاه آن چنان غرق در عبادت و لذت آن می شوند که اساسا، گذر زمان و رکعات را جملگی فراموش می کنند و خود را در محضر خداوند، راکع و ساجد می بینند. بر این مبنا، کیفیت و کمیت در این گونه عبادات، همدوش هم است ؛ چنان که تمامی عبادات به نوعی از کمیت برخوردارند ؛ مثلاً نماز رکعات خاص دارد، طواف هفت شوط دارد و...

ص: ۷۸

۴۱ _ چرا نمازها اثر لازم را در ما ندارند؟...

چه کنیم تا آثار نماز را در زندگی خود، حس کنیم؟

از مجموع آیات و روایات، برمی آید که نمازها از نظر اثر گذاری بر سه قسم است:

۱ _ نماز بی اثر؛ نمازهایی که مهر «باطل» بر روی آن نقش می بندد. نمازی که خود نمازگزار هم، اعتقادی به آن ندارد و آن را به عنوان وظیفه انجام نمی دهد. مانند نمازی که به جهت دیدن دیگران(ریا)، خوانده می شود و به محض دگرگون شدن شرایط و بر هم خوردن اوضاع، دیگر نه از نماز خبری است و نه از نمازگزار.

۲ _ نماز با اثر کم و یا متوسط؛ عمده نمازها این گونه است. نمازهایی که بدون خشوع و خضوع، بدون مراعات شرایط، بدون رعایت آداب باطنی و عرفانی و... خوانده می شود.

۳ _ نماز پر اثر؛ نمازهای ناب که به وسیله انسان های خالص اقامه می گردد.

این نماز بهترین وسیله برای قرب به خدا، جامع ترین مظهر عبودیت و بندگی و کامل ترین نمونه شکر و سپاس گزاری است. این نماز عامل نیرومند و موثری است در صلاح حال فرد و جامعه و عبادتی است که از جهت تربیت و سازندگی به راستی، بی نظیراست.

این نماز آدمی را از وقفه، رکود و جمود، به حرکت جنبش و پیشروی وا می دارد و از جهل و نادانی، به سمت علم و از غفلت و

ناآگاهی، به سوی بیداری و آگاهی سوق می دهد.

این ها در صورتی است که نمازگزار، درست نماز بخواند، مراقب آداب ظاهری و شرایط معنوی آن باشد و از آن محافظت و کاملاً به آن رسیدگی کند؛ تا از آثار و نتایج بزرگ نماز برخوردار شود.

بی اعتنایی به نماز و توجه نکردن وعدم رسیدگی به آن، سبب شده که نماز امری ساده، بی ارزش و پیش پا افتاده شناخته شود و گروهی آن را کاری بی فایده و عملی بی اثر در زندگی بدانند و حتی کار به جایی بکشد که عده ای بگویند نماز چه اثری در زندگی دارد.

نماز باید با فهم و معرفت خوانده شود. برای این منظور چند گونه دستورالعمل آمده است:

الف – مراحل قبل از نماز:

۱ ــ توجه به شرایط مانند لباس و مکان مباح.

۲ ــ وقت شناسی و دقت در وقت.

۳ ــ انتظار برای نماز؛ چنانچه امکان باشد، مناسب است انسان اندکی قبل از وقت و شروع نماز، به مسجد برود و به انتظار بنشیند و خود را برای خواندن نماز آماده کند.

۴ ــ تفکر واندیشه؛ در عین حال که منتظر وقت نماز است، می تواند فکر و اندیشه خود را درباره اهمیت و اسرار این عبادت سازنده به کار گیرد.

۵ ــ دقت و توجّه کافی در هنگام وضو گرفتن؛ یعنی، وضو را با

شادابی کامل بگیرد و دعاهای آن را بخواند.

۶ _ اذان و اقامه؛ گفتن اذان و اقامه و تامل و اندیشه در معانی ذکرها و عبارت های آن، نقش ویژه ای در خشوع و خضوع انسان و اقامه نماز آگاهانه دارد.

۷ _ هفت تکبیر؛ قبل از گفتن تکبیره الاحرام (الله اکبر)، مستحب است، شش «الله اکبر» دیگر، گفته شود و با گفتن «الله اکبر» هفتم، نماز آغاز گردد.

امام باقر(ع) فرموده است: «نماز خود را [به منظور ارادت و اطاعت]، با هفت تکبیر شروع کن».

ب – در حال نماز:

مهم ترین بحث در این زمینه، داشتن خشوع و حضور قلب در نماز است. روح نماز عبارت است از: خشوع و حضور قلب و بیداری دل و این که توجه داشته باشیم، چه می گوییم و با که مناجات می کنیم. چنین نمازی انسان را از گناه و لغزش باز می دارد و او را به قله فلاح و رستگاری می رساند.

اگر نه روی دل، اندر برابرت دارم من این نماز، حساب نماز نشمارم

از این نماز ریایی، چنان خجل شده ام که در برابر رویت، نظر نمی آرم

نماز کن به صفت، چون فرشته باید و من هنوز در صفت دیو و دد گرفتارم...

از رسول گرامی اسلام(ص)، سؤال شد: خشوع چیست؟ آن حضرت فرمود:«خشوع عبارت است، از تواضع داشتن در حال نماز؛ به طوری که همه توجه قلب نمازگزار، متوجه ذات مقدس پروردگار هستی گردد».

برای رسیدن به مقام خشوع و خضوع، زحمت فراوانی لازم است. در این رابطه استفاده از راه کارهای زیر، مفید و موثر به نظر می رسد:

۱ ــ توجه به معانی و مفاهیم الفاظ واعمال نماز.

۲ ــ در مراحل اول، نماز را خلاصه و حتی بدون رعایت ذکرهای مستحبی انجام دهیم، تا با تحمل بار سبک، زودتر به مقصد برسیم.

۳ ــ قبل از نماز، فکر خود را از مشغولیت های قبلی خالی کنیم و با یک اراده محکم، فکر و برنامه ریزی آینده را به بعد موکول کنیم.

۴ ــ دست ها را روی ران ها قرار دهیم؛ به طوری که دست برای ور رفتن با سر و صورت آزاد نباشد.

۵ ــ برای نماز، جای ساده و آرامی را انتخاب کنیم تا رفت و آمد و دیگر عوامل زینتی، موجب حواس پرتی نگردد.

در این رابطه سفارش شده که مقابل درب باز، در کوچه و خیابان، مقابل آتش و چراغ، در آشپزخانه، روبه روی عکس و مجسمه و... نماز خوانده نشود تا از حواس پرتی جلوگیری گردد.

۶ _ استفاده از سجاده ساده نیز تا حدی زمینه حواس پرتی را از بین می برد.

۷ _ خودداری از گناه و نافرمانی خداوند، برای دست یافتن به خشوع و حضور قلب در نماز موثر است.

وقتی موارد یاد شده، رعایت گردد و نماز با تمام آداب ومستحبات آن برگزار شود؛ قطعا این نماز، اثر و برکات فراوانی بر دل و جان انسان خواهد گذاشت.(۱)

۴۲ _ نماز شب چه آثاری دارد؟

آدمی موجودی است که از دو بعد «حیوانی» و «روحانی»، ساخته شده است. این دو بعد در کشمکش با یکدیگرند. هرگاه بعد «جسمانی و حیوانی» غلبه کند، گرایش آدمی بیشتر بدان سو خواهد بود و هرگاه که جنبه «روحانی» تقویت شود، گرایش های متعالی در او نیرومندتر خواهد شد. مولوی می گوید:

و آن سوم هست آدمیزاد و بشر از فرشته نیمی و نیمش ز خر

نیم خر خود مایل سفلی بود نیم دیگر مایل علوی شود

تا کدامین غالب آید در نبرد زین دو گانه تا کدامین برد نرد

از اهداف مهم دستورات و برنامه های دینی، حفظ این تعادل در

۱- ۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: راز نماز، محسن قرائتی؛ نماز زیباترین الگوی پرستش، غلامعلی نعیم آبادی؛ برداشتی از نماز، آیت الله علی آقا نجفی کاشانی(ره)؛ اسرارالصلاه، شهید ثانی.

وجود آدمی است. اگر فرمان روزه صادر شده؛ اگر این همه به خواندن نماز سفارش شده و.. همه بدان جهت است که آدمی تک بعدی نشود و همه چیز را در عرصه مادیات خلاصه نبیند.

«نماز شب» از عمده ترین وسایلی است که در کاهش بعد «حیوانی»، تأثیری شگرف دارد. فرو نهادن خواب شیرین و به نماز ایستادن _ درحالی که همه در خواب اند _ و نیز استفاده از الهامات سحری و بهجت و سرور معنوی _ که در آن لحظات عاید انسان می گردد _ از ثمرات نماز شب است.

نماز شب، تا آن اندازه کارساز است که خداوند به پیامبر خویش فرمود: «و از شب، زمانی را به نماز شب بپرداز، بدان امید که خداوند تو را به مقام محمود واصل نماید»(۱).

با تقویت جنبه های «روحانی و معنوی» در انسان، زمینه بیشتری برای درک اندیشه های متعالی و قرب به خدا، حاصل می گردد؛ چنان که با تقویت بعد «حیوانی»، آدمی در عرصه های مناسب آن رشد خواهد کرد.

نماز شب گر چه مستحب است؛ اما از مستحباتی است که در آیات قرآن و روایات معصومین، خیلی بر آن تاکید و سفارش شده و همه بزرگان اخلاق و عرفان، به شاگردان خود آن را سفارش کرده اند. گفته شده که هر کس به هر مقام معنوی رسید _ بعد از انجام دادن

ص: ۸۴

۱- ۱. سوره اسراء، آیه ۷۹.

واجبات و ترک محرمات ـ از نماز شب رسید. در روایتی از رسول خدا(ص) نقل شده که سه مرتبه به حضرت علی(ع) سفارش می کند: «علیک بصلاه اللیل؛ بر تو باد به خواندن نماز شب». در قرآن به پیامبر(ص) خطاب شده است: اگر می خواهی آن مقام بلند محمود (مقام شفاعت شده) را به تو بدهیم، قسمتی از شب را به تهجد بپرداز».

در روایتی آمده است: «نماز شب باعث شرف و آبروی مؤمن، سلامت بدن، کفاره گناهان، برطرف کننده وحشت قبر، سفید شدن صورت و نورانی شدن آن و زیاد شدن رزق می شود».

۴۳_اگر کسی نماز نخواند و روزه نگیرد؛...

۴۳_اگر کسی نماز نخواند و روزه نگیرد؛ ولی در زندگی آدم صالح و با اخلاق و در مجموع شخص خوبی باشد، حکمش چیست؟

الف - اگر کسی نماز را قبول نداشته باشد و منکر آن شودبه صورتی که به انکار خدا و رسول باز گرددکافر است. اما اگر قبول دارد و انکار نمی کند؛ ولی در عمل عصیان کرده و نمی خواند، کافر نیست؛ بلکه مسلمانی است که گناه کار بوده و مستوجب عذاب است.حال صالح و با اخلاق بودن شخص هر چند ممکن است بهره ای برای او هم داشته باشد ولی بدون نماز و عمل به دستورات خدا، فایده قابل توجّهی ندارد و باعث نجات از عذاب دوزخ نیست.

ب - توضیح بیشتر این که افراد چند گونه اند:

۱ ـ اهل نماز و اعمال خوب.

۲ ـ بی نماز و دارای عمل و اخلاق خوب.

۳ ـ نماز خوان و بد عمل و بد اخلاق.

۴ ـ بی نماز و بد عمل و بد اخلاق.

تردیدی نیست که افراد بند دوم نسبت به افراد بند چهارم بهترند؛ اما نسبت به بندهای دیگر چگونه اند؟!

اگر کسی شاکر نعمت های الهی نیست و مبنای فکری درستی، برای زندگی ندارد و در وادی معرفت خداوند و صاحب نعمت گامی برنمی دارد؛ آیاتوانسته است خوبی ها را به دست آورد؟! اولین شرط خوبی، «معرفت» است و بدون آن حتی نمی توان خوب را از بد باز شناخت.

بنابراین انسان بی نماز، اگر چه ممکن است به ظاهر اخلاق خوبی داشته باشد؛ ولی تضمینی نیست که این اخلاق خوب ادامه یابد؟! از طرفی او ملاک خوبی و بدی را چگونه شناخته است؟!

آری، انسان بدون ارتباط با خدا و کسب فضیلت در پرتو نماز، از بسیاری کمالات بازمانده و از آثار مثبت آن غافل شده است؛ همانند کسی که به شکلاتی قانع شده، ولی از باغی پر از میوه های رنگارنگ و منظره های دل انگیز آن، غافل مانده است.

۴۴_ آیا تأثیر نماز بیشتر در اثر تلقین نیست؟...

۴۴_ آیا تأثیر نماز بیشتر در اثر تلقین نیست؟ اگر انسان هر چیزی حتی یک شعر را با احساس بخواند، وارد وادی عرفان و معنویت شده است؟! البته نماز به دلیل این که انسان را به یاد خدا می اندازد، خوب است؛ ولی نسبت به سایر اعمال چه برتری خاصی دارد؟

تردیدی نیست «تلقین» از ابزارهای مهم و کارساز برای انسان است. تلقین های مثبت، آثار گران قدری بر روح و روان و حتی جسم انسان می گذارد.

انسانی را در نظر بگیریم که در زندگی خود سردرگم و بی پناه و رو به فرسایش است؛ در این بین تلقین مثبتی از راه می رسد و برای او تکیه گاهی را مطرح می سازد. حال اگر این تلقین، با برنامه، و به صورت مستمر در او زنده نگاه داشته شده و او را از ضعف و کسالت و تحیر نجات دهد. در حد خود خدمتی بزرگ به شمار می آید.

نماز علاوه بر این که تلقینی ارزنده و مثبت در جهت رشد و تربیت انسان است، آنچه را مطرح می کند، مطابق با حقیقت است؛ یعنی، صرفا تلقین پوچ و بدون واقعیت عینی نیست؛ بلکه آنچه را بیان کرده و می آموزاند، دقیقا همان است که وجود دارد.

آیا تردیدی هست که نیرویی حکیم، عالم و مدیر در این جهان حاکمیت دارد؟! آیا تردیدی هست که برای این جهان و زندگی انسان، برنامه و معادی در کار است؟! آیا شکی وجود دارد که خداوند حکیم، بشر را به حال خود رها نکرده؛ بلکه راهنمایانی برای او

فرستاده است «صِراطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ»؟

آیا دانشـمندان و فرزانگان جهان، سـر در برابر این همه عظمت فرود نمی آورند و در مقابل خالق این همه نقش و نگار، سر بر خاک نمی سایند؟!

آری نماز تلقین هم هست؛ ولی تلقینی که مبتنی بر حقایق و واقعیت های جهان هستی است.

برتری نماز:

ممکن است اذکـار و یـا اعمـالی برای متوجه سـاختن انسـان وجود داشـته باشـد و افرادی آن را طراحی کرده باشـند؛ ولی نماز طرحی الهی است و همانند نسخه ای که پزشک حاذق آن را تجویز کند، تمام نیازهای انسان در آن دیده شده است. حرکات، اذکـار و آداب آن، حساب شـده و دارای فلسـفه و حکمت است؛ ازهمین رو هیـچ طرح دیگری به ویژه طرح های بشـری توان جایگزینی آن را ندارد.(۱)

۱- ۱. برای مطالعه بیشتر درباره «فلسـفه نماز» به کتاب های ذیل مراجعه کنید: اسرارالصلاه، میرزاجواد ملکی تبریزی؛ پرواز در ملکوت، شرح آداب الصلاه امام خمینی(ره)، سید احمد فهری؛ اسرار نماز (ترجمه اسرارالصلاه)، شهید ثانی.

۴۵_ چرا روی خواندن نمازها در اول وقت تاکید می شود..

۴۵_ چرا روی خواندن نمازها در اول وقت تاکید می شود، چه تفاوتی بین نماز اول وقت و غیر آن وجود دارد؟

هر کاری، زمانی ویژه دارد که در صورت تحقّق یافتن در آن زمان، دارای تأثیری بیشتر و مناسب تر خواهد بود. برای مثال غذا خوردن، اگردر شرایط و فرصت مناسب باشد، بسیار گوارا و انرژی بخش خواهد بود؛ ولی اگر در زمان و شرایط ویژه خود نباشد، نه طعم دلچسبی دارد و نه مواد آن، به طور کامل جذب می شود و نه نشاط آور است: «الأمور مرهونه باوقاتها(۱)»؛ «کارها در گرو زمان و فرصت خاص خویش است».

غذای روح نیز چنین است؛ اوقات نماز فرصت هایی است که نوعا، مناسب ترین زمان برای خواندن نماز است؛ از این رو برپا داشتن نماز در آن اوقات، نشاط آور، انرژی بخش و دارای تأثیرات ویژه است. برای مثال در مورد نماز ظهر، در روایات آمده است: «به هنگام ظهر درهای آسمان گشوده می شود».

شخصی از پیامبر(ص) درباره فلسفه نمازهای پنجگانه سؤال کرد، آن حضرت فرمود: «خورشید به هنگام زوال (ظهر)، در مداری داخل می شود که با ورود به آن، هر چیزی که بر عرش هست، خدا را تسبیح می گوید... و این ساعتی است که خداوند بر من و امت من درود

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶؛ عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۹۳.

می فرستد...(۱)».

نمازهای دیگر نیز به همین صورت است. هنگام طلوع فجر، شرایط ویژه ای بر جهان حاکم می شود که با اوقات دیگر، بسیار متفاوت است. ازهمین رو نمازگزار در این مواقع، احساسی متفاوت با دیگر اوقات دارد. بعضی از آثار و برکات نماز اول وقت عبارت است از:

۱ ــ جلب رضا و خشنودی الهی

امام رضا(ع) فرمود: «بدان که هر نماز دو وقت دارد: اول وقت و آخر وقت. اول وقت خشنودی پروردگار و آخر آن بخشش و عفو الهی است(۲)».

۲ ــ خاموشی آتش دوزخ

رسول اکرم(ص) فرمود: «هیچ نمازی وقتش نمی رسد؛ مگر آنکه فرشته ای ندای عمومی سر می دهد: ای مردم! به پاخیزید و آتش هایی را که خود بر پشت خویش برافروخته اید، با نماز خاموش کنید(۳)».

۳ ــ جلب دعای خیر

امام صادق(ع) فرمود: «کسی که نمازهای واجب را در اول وقت ادا و حدود آنها را حفظ کند؛ فرشته ای آن را سپید و پاکیزه به آسمان

۱- ۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۳۴۵.

۳- ۳. ثواب الاعمال، ص ۸۳ و ۸۴.

می برد. آن وقت نماز [به نمازگزار] می گوید: خدا تو را نگاه دارد، همان گونه که مرا نگه داشتی و مرا به ملکی بزرگوار سپردی(۱)».

۴ _ لطف وعنایت الهی در قیامت

عارف الهی مرحوم ملکی تبریزی(ره) می نویسد: «هرگاه ندای مؤذن را شنیدی، ندای قیامت را به یادآر و خود را برای اجابت دعای مؤذن (نماز اول وقت) مهیا کن؛ زیرا آنان که با سرعت، این ندا را پاسخ می دهند، در قیامت با لطف و عنایت به آنها ندا خواهد شد(۲)».

۵ _ نظم و نشاط و حضور قلب

نماز اول وقت در نصوص دینی، مورد تأکید بسیار قرار گرفته و فضایل فراوانی برای آن نقل شده است. از نظر تأثیرات روحی، روانی و اجتماعی، می توان امور زیر را نام برد:

۱ _ ۵ _ عادت دادن شخص به نظم.

۲ _ ۵ _ وجود نشاط و آمادگی و حضور قلب بیشتر، جهت انس و ارتباط با خدا و تقویت کمالات نفسانی.

۳ _ ۵ _ زمینه سازی جهت برگزاری جماعت های بزرگ و انس و الفت و اتحاد بیشتر مسلمانان.

توضیح آنکه: وقتی جامعه اسلامی، مقید به خواندن نماز در اول وقت باشد، در هر منطقه بیشتر مردم هم زمان به نماز خواهند ایستاد. این مسأله آمادگی آنان را برای جماعت و ایجاد صفوف گسترده و

۱- ۱. آداب الصلاه، ص ۳.

۲- ۲. اسرارالصلاه، ص ۱۸۲.

پرجمعیت بیشتر می کنـد. درحـالی که نمـاز در غیر اول وقت، در بین زمـان هـای مختلف پراکنـده شـده و از اجتماع و شـکوه عبادی و انس و الفت مؤمنان در مراکز دینی کاسته می شود.

۴۶ _ اهمیت و برکات نماز جماعت چیست؟

نماز جماعت، با شـکوه ترین، بهترین، پاک ترین و معنوی ترین اجتماعات دنیا است. از این رو دارای فضـیلت و ثواب بسیاری است. برای هر قدمی که انسان به سوی نماز جماعت بر می دارد، ثواب و حسنه ای در نظر گرفته شده و اگر تعداد نمازگزاران از ده نفر تجـاوز کنـد، کسـی جز خداونـد حسـاب ثواب آن را نمی دانـد. در حـدیثی آمـده است: «هر کسـی نماز جماعت را دوست بدارد، خداوند و فرشتگان او را دوست می دارند».

پیـامبر(ص) می فرمایـد: «آگـاه باشـید هر که به طرف مسـجد، برای اقـامه نماز جماعت حرکت کنـد، به هر قـدم او هفتاد هزار حسـنه و ثواب برای او نوشـته می شود و هفتـاد هزار گنـاه او، پـاک می گردد و به همین انـدازه درجاتش بالا می رود. اگر در همین حـال بمیرد، خداونـد هفتـاد هزار فرشـته بر او می گمـارد که او را در قبرش زیارت کننـد و در تنهایی مونس او باشـند و برایش استغفار کنند تا برانگیخته شود(۱)».

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲.

«نماز جماعت» دارای آثار و برکات متعددی است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

یک _ آثار و برکات عمومی:

۱_ ۱_ تبلیغ و ترویج نماز

قرار دادن نماز در معرض دید دیگران، هم معتقدان به نماز را خوشحال می سازد و هم زمینه ساز جذب و تمایل دیگران، برای حضور در نماز جماعت می شود.

۲_ ۱_ ترویج وتبیین معارف الهی وشعائر دینی

امام رضا(ع) فرموده است: «نماز جماعت بدان جهت قرار داده شد که اخلاص، توحید، اسلام و عبادت خداوند آشکار و ظاهر باشد(۱)».

۳_ ۱_ شکوه و عظمت اسلام

حضور جمعی مسلمانان در مساجد، ضمن آنکه عظمت و بزرگی جماعت مسلمانان را می رساند؛ بیانگر حاکمیت دینی و مکتب در وجود انسان ها نیز هست.

۴ _۱_ وحدت و تعاون

نماز جماعت، نمایانگر وحدت مسلمانان و محل تجلّی همدلی، تعاون و همکاری آنان با همدیگر است «مع مافیه من المساعده علی البرّ و التقوی(۲)».

۱- ۱. همان، ج ۸، ص ۲۸۷.

۲- ۲. همان، ص ۲۸۷.

دوم ـ آثار و برکات دنیوی:

۱ـ ۲ـ خوش بینی مردم

پیامبر(ص) فرمود:«هر که نمازهای پنجگانه را با جماعت بخواند، به او گمان هر خیر و نیکی را داشته باشید(۱)».

۲ـ ۲ـ استجابت دعا

پیامبر(ص) فرمود: «چون بنده خدا، نماز را با جماعت بخواند و پس از آن حاجتی را از خدا بخواهد؛ خدای عزوجل از وی حیا می کند که پیش از روگرداندن او، حاجتش را برآورده نسازد(۲)».

۳ـ ۲ـ درمان نفاق

پیامبر(ص) فرمود: «هرکس چهل روز در نماز جماعت شرکت کند و به طور مرتب نمازگزارد؛ دو برائت نامه و دو سند رهایی بخش به او می دهند: نجات از آتش و رهایی از نفاق».(۳)

۴ـ ۲ـ در پناه خدا بودن

امام صادق(ع) فرمود: «هر کس نماز صبح و عشا را به جماعت بخواند، او در پناه خدای عزوجل است(۴)».

۵ ـ ۲ـ کفاره گناهان

امام باقر(ع) فرمود: «سه چیز کفاره و پوشاننده گناهان است: وضو

۱- ۱. همان، ج ۵، ص ۳۷۱.
۲- ۲. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۴.
۳- ۳. همان، ج ۸۸، ص ۴.
۴- ۴. المحاسن، ص ۵۲.

ساختن در هوای سرد، راه رفتن در شب و روز به سوی نمازها و محافظت بر نمازهای جماعت(۱)».

سوم _ آثار و برکات اخروی:

۱ _۳_ مونس در قبر

پیامبر(ص) فرمود: «آگاه باشید هر که به طرف مسجد برای اقامه نماز جماعت حرکت کند، به هر قدمی هفتاد هزار حسنه و ثواب برای او نوشته می شود... اگر در همین حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بر او می گمارد که او را در قبرش زیارت کنند و در تنهایی مونس او باشند و برایش استغفار کنند تا برانگیخته شود(۲)».

۲_ ۳_ عبور از صراط

رسول خدا(ص) فرمود: «هر کس در هر کجا باشد، اگر بر جماعت مداومت کند، مانند برق سریع و درخشان همراه نخستین گروه بهشتیان، از روی صراط می گذرد...(۳)».

۳_ ۳_ آزادی از آتش دوزخ

رسول خدا(ص) فرمود:«هر کس چهل روز در نماز جماعت شرکت کند و به طور مرتب نماز گزارد... دو برائت نامه و سند رهایی بخش به او می دهند: نجات از آتش و رهایی از نفاق(۴)».

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۱۰.
۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲.
۳- ۳. بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۳.
۴- ۴. همان، ص ۴.

۴_ ۳_ نجات از مراحل ترسناك قیامت

رسول اکرم(ص) فرمود: «... خداونـد در روز قیـامت، همه انسـان هـا را برای حساب گرد می آورد. پس هر مؤمنی که در نماز جماعت شرکت کند، خداوند سختی ها و دشواری های روز قیامت را برای او آسان می سازد؛ آن گاه فرمان می دهد که او را روانه بهشت سازند(۱)».

۵ _۳_ ترفیع مقام

رسول خدا(ص) فرمود: «ای علی! سه چیز موجب ترفیع مقام و درجه مؤمن است: وضوی کامل در هوای سـرد، انتظار نماز بعد از نماز و شرکت مداوم در نمازهای جماعت(۲)».

۴۷ _ کودکان را از چه سنی به نماز ترغیب کنیم؟

الف – تربیت دینی فرزند کار بسیار ظریفی است و دقت زیادی را می طلبد. گاهی ناهنجاری های اجتماعی، فرزند را از کنترل خانواده خارج می کنـد؛ بدین لحاظ در امر تربیت فرزند بسـیار باید ماهرانه برخورد کرد. در عین حال که پدر و مادر به عنوان دو عنصـر دلسوز محسوب می شونـد؛ گاهی در تربیت، افراط و تفریط می کنند! مهم ترین روش ها در تربیت کودک، تشویق و تنبیه و آگاهی بخشی به او است.البته باید هر کدام در جای خود، به اندازه لازم مورد استفاده

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲.

۲- ۲. بحارالانوار، ج۸، ص۱۰؛ برای مطالعه بیشتر ر.ك: محراب عشق (در فضیلت نماز جماعت)، محمد مهدی علیقلی.

قرار گیرد. علاوه براین مراقبت های محیطی و کنترل اطرافیان نیز می تواند مؤثر باشد.

ب – عمده تربیت فرزندان به سال های قبل از سن تکلیف بر می گردد و در آن سن، بهترین وقت برای تربیت و آموزش آداب «نماز» است. پدر و مادر و اطرافیان، باید با رفتار خود، به فرزندانشان آموزش های لازم رابدهند؛ یعنی، در منزل یک تحرک خاصی در اول وقت آغاز شود و همه به نماز بایستند. فرزند نیز هر آنچه را که می بیند، ضبط نموده و به آنها عمل می کند؛ به خصوص اگر مورد تشویق قرار گیرد.

بنابراین تربیت در این جهات، از کودکی آغاز شده و اصل کار والدین به آن زمان باز می گردد؛ زمانی که کودک به سن شش سالگی رسید، باید کم کم او را به آداب وضو و نماز خواندن تمرین داد.

یکی از نویسندگان درباره تربیت کودکان می گوید: درست است که فرزندان قبل از بلوغ تکلیفی ندارند؛ اما انجام تکلیف دینی را نمی توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت. باید انسان از کودکی عادت به عبادت کند تا در سن بلوغ به آنها رغبت داشته باشد. بچه غالبا از سن پنج سالگی و شاید قدری هم زودتر، می تواند حمد و سوره را به تدریج یاد بگیرد؛ بر پدر و مادر لازم است حمد و سوره را به او یاد بدهند. سپس بقیه اذکار نماز را با همین منوال تدریجا به او بیاموزند. وقتی نماز را یاد گرفت وشش یا هفت ساله شد، پدر و مادر به او

دستور می دهند که مرتب نمازت را بخوان و اوقات نماز را به او تذکر می دهند. اول وقت خودشان مهیای نماز می شوند و به کودکان نیز تذکر می دهند که وقت نماز رسیده است، نمازت را فراموش نکن. وقتی که نه ساله شد، باید به طور قاطع و جدی آن را به نماز خواندن وادار کرد(۱).

در پایان خاطره ای از امام راحل(ره) نقل می شود: امام عقیده داشت پیش از رسیدن به سن تکلیف، باید کارهای خوب و بد و مسائل شرعی را به بچه ها گفت. گاهی که پسر هشت ساله ام را می دید، می پرسید: نمازت را خوانده ای؟ من می گفتم: «آقا» او هنوز به سن تکلیف نرسیده است. آقا می گفت: بچه ها قبل از سن تکلیف، باید رو به نماز بایستند تا عادت کنند. اما بعد از سن تکلیف، مگر کسی جرات می کرد، بیدار باشد و نمازش را نخواند! امام نمی توانست تحمل کند که مکلّف نمازش را قضا کند؛ البته برای بچه ها پیش نیامده بود. هر وقت که بچه ها را می دید، می پرسید: نمازت را خوانده ای؟ اگر نخوانده بود، جانمازشان را می دادند و می گفت: برو و وضویت را بگیر و بیا نمازت را بخوان. بعد از نماز نصیحت می کرد: ببین اگر همین نماز را سر موقع می خواندی؛ چقدر بهتر بود، خدا هم خوشش می آید(۲).

۱- ۱. آیین تربیت، ابراهیم امینی، ص۳۲۱.

۲- ۲. امام در سنگر نماز، ص ۱۰۱.

۴۸ _ آیا نماز خواندن ما تقلیدی نیست؟...

۴۸ _ آیا نماز خواندن ما تقلیدی نیست؟ چون پدر و مادر ما را به این کار وا داشته اند؟

در پاسخ این سؤال چند نکته قابل توجه و دقت است:

یکم _ هر تقلیدی ناپسند نیست. تقلید ناپسند در مواردی است که فرد از کار یا تفکّری جاهلانه، پیروی کند؛ ولی تقلید در کارهای پسندیده نه تنها مذموم نیست؛ بلکه کاری خردمندانه است، همچنان که ما در بسیاری از امور تقلید می کنیم؛ مانند، دوخت لباس، نوع حرف زدن، طبخ غذا، ساختمان سازی و صدها مورد دیگر.

دوم _ احتمالاً این مطلب اشعار به این دارد که ما معمولاً اعمال و ارکان نماز را از پدر و مادر یاد می گیریم و این یاد گرفتن، تقلید در اصل نماز نیست؛ بلکه یادگیری صحیح آن است. همان گونه که ممکن است همین را از معلم و سایر دوستان یاد بگیریم و با توجه به عمل کرد آنان، نماز خوان شویم.

سوم _ تشویق و ترغیب فرزندان از سوی پدر و مادر به نماز، یک وظیفه دینی و اخلاقی است و به آنان سفارش شده که در خانه طوری نماز بخوانید که باعث تشویق کودکان و نوجوانان به نماز شوند. همچنین از آنان خواسته شده برای فرزندانشان برنامه ریزی کنند و آنها را با حکمت های نماز آشنا سازند و در جهت برپایی این فریضه مهم الهی، تلاش نمایند.

چهارم _ اصل نماز به هیچ عنوان تقلیدی نیست؛ بلکه انسان باید

خود به اهمیت، ارزش و فلسفه آن پی ببرد و آگاهانه و عاشقانه به برپایی نماز بپردازد. گفتنی است که خواندن یا ترک نماز، امری نیست که منوط به آشنایی ما با فلسفه این عمل یا پذیرفتن قلبی و عقلی ما باشد؛ بلکه ما در هر حال باید نماز بخوانیم و در صورت سستی و کاهلی در این امر، مجازات شدیدی خواهیم شد. حال چه بسا ممکن است پدر و مادر ما نماز خوان نباشند، یا ما با اهمیت و ارزش نماز آشنا نباشیم، یا فرصت انجام آن را پیدا نکنیم و...

۴۹ _ فردی که مسلمان است و به خدا اعتقاد دارد، ...

۴۹ _ فردی که مسلمان است و به خدا اعتقاد دارد، اگر نماز نخواند چه می شود؟

ترک نماز، قصور در مهم ترین دستور الهی و انجام ندادن بزرگ ترین وظیفه و برنامه زندگی است. ترک نماز، ناشکری، ناسپاسی و کفران نعمت های الهی و بی توجهی به عمود و ستون دین است؛ زیرا نماز پایه استوار آن است. نماز موجب رهایی انسان از بیهودگی و پوچی است. نماز، معنای زندگی و تطابق با نظام آفرینش است. ترک نماز و نیایش، موجب ترک لذت بخش ترین حالات انسان است. جوامع، ملت ها، اقوام، نژادهااز اول تاریخ تا حال با نیایش، عبادت و مناجات، پویا و زنده مانده اند (هر چند در روش، کردار و گفتار دچار انحراف هم شده اند).

در هیچ زمانی، انسان بی نیاز از عبادت و پرستش خداوند نبوده و

نخواهـد بود؛ اما این عبادت باید با برنامه و روش خاصـی صورت گیرد؛ وگرنه هیچ بهره و نتیجه ای، نصـیب شـخص نیایشـگر نخواهـد شد. خداوند می فرماید: «إِنَّ الصَّلاهَ کانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنینَ کِتابا مَوْقُوتا»(۱)؛ «نماز بر مؤمنان، در اوقات معیّن مقرّر شـده است».

وجوب نمـاز یکی از ضـروریات دین مقـدس اسـلام و فریضه ای بزرگ و وظیفه ای سـنگین در این آیین پاک است. خوانـدن نماز، شـرط قبولی سایر اعمال و عبادت ها است: «الصـلاه عمود الـدین ان قبلت، قبل ماسواها و ان ردّت ردّ ماسواها(۲)»؛ «نماز پـایه دین است، اگر مورد قبول واقع شـد، سـایر عبـادت هـا هم قبول می شود؛ ولی اگر پـذیرفته نشـد، سـایر اعمال نیز پـذیرفته نخواهد شد».

ترک نمـاز و یـا سـبک شـمردن آن، آثار و نتایـج شوم فراوانی دارد؛ حضـرت رسول در این باره می فرمایـد: «هر کس نماز را سبـک بشـمارد، دچـار پانزده بلا می شود: شـش بلا در دنیا، سه بلا در هنگام مرگ، سه بلا در قبر و سه بلا و عقوبت هنگامی که از قبر بیرون می آید.

الف - آنچه در دنیا به آن دچار می شود:

۱ _ خداوند برکت را از عمر او برمی دارد.

۲ _ برکت را از روزی اش بر می دارد.

۳ _ چهره خوبان از او گرفته می شود.

۴ _ کار نیک وی دیگر پاداش نخواهد داشت.

۱- ۱. سوره نساء، آیه۱۰۳.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۹۴.

۵ _ دعایش به اجابت نمی رسد.

۶ _ از دعای خوبان بهره ای نخواهد داشت.

ب - آنچه در هنگام مرگ به آن دچار می شود:

۱ _ با ذلّت و خواری می میرد.

۲ _ گرسنه از دنیا می رود.

۳ _ تشنه می میرد...

ج - آنچه در قبر گریبانش را می گیرد:

۱ _ خداوند ملکی را در قبر وی می گمارد، تا او را شکنجه دهد.

۲ _ قبر وی تنگ خواهد بود.

۳ _ درون قبر وی تاریک خواهد بود.

د _ آنچه در قیامت هنگام برخاستن از قبر به آن دچار می شود:

۱ _ خداوند فرشته ای بر او می گمارد تا وی را با صورت بر زمین بکشد.

۲ _ با وی محاسبه سختی خواهد داشت.

۳ _ هرگز خداوند به وی نظر رحمت نمی افکند و تطهیرش نمی کند و عذاب دردناک و سختی در انتظار او است(۱)».

در روایت دیگری ترک نماز، مساوی با کفر به خداوند دانسته شده است. عبید بن زراره می گوید: «از امام صادق(ع) پرسیدم: گناهان کبیره کدام اند؟ آن حضرت فرمود: گناهان کبیره در نوشتار علی بن ابی

۱- ۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۱ ۱۷۲.

طالب(ع) هفت چیز است: کفر به خداوند، کشتن انسان، عاق پدر و مادر شدن، ربا گرفتن، خوردن مال یتیم به ناحق، فرار از جهاد و تعرب بعد از هجرت. عبید می گوید: از امام پرسیدم: یک درهم از مال یتیم خوردن، بزرگ تر است یا ترک نماز؟ حضرت فرمود: ترک نماز. عرض کردم: شما ترک نماز را از گناهان کبیره به حساب نیاوردید. حضرت فرمود: اولین گناه کبیره چه بود؟ عرض کردم: کفر به خداوند. فرمود: شکی نیست که تارک نماز کافر است(۱)».

البته مقصود از این کفر، کفر عملی است، نه کفر اعتقادی؛ مگر آنکه ترک نماز از سر انکار آن و انکار خدا و رسول او باشد که در این صورت «کفر مطلق» است.

۵۰ _ منظور از این که می گویند: نماز انسان را از فحشا و منکر...

۵۰ _ منظور از این که می گویند: نماز انسان را از فحشا و منکر باز می دارد، چیست؟

خداوند می فرماید:«وَ أَقِمِ الصَّلاهَ إِنَّ الصَّلاهَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ لَذِکْرُ اللَّهِ أَکْبَرُ»(۲)؛ «و نماز را برپا دار، که نماز [انسان را [از کار زشت و ناپسند بازمی دارد، و قطعا یاد خدا بالاتر است».بر اساس این آیه، نماز بدان جهت تشریع شده که آدمی خود را فراموش نکند و بداند که بنده خدا است. در نتیجه در محضر او معصیت نکند و از دستوراتش تخلف نورزد و همیشه عبادتش کند.

ص: ۱۰۳

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۵۴.

۲- ۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

با خواندن نماز، یک صفت روحی در انسان حاصل می شود (مثل ملکه عدالت) که او را از فحشا و منکر باز می دارد و تنفّری نسبت به فحشا و منکر در او ایجاد می شود.

اگر کسی هر روز پنج بار نماز بخواند، اذکار آن را تکرار کند، از خدا استعانت بجوید، اقرار به وحدانیت خداوند کند، به روز جزا و قیامت توجه نماید و از او هدایت خودش را درخواست کندبه خصوص با توجه به مقدمات نماز، مانند لباس که باید پاک و حلال باشد و مکان نمازگزار نباید غصبی باشد، آب غسل و وضو باید حلال باشد و...در این صورت آیا نباید نتیجه آن دوری از فحشا و منکرات باشد! در روایتی از حضرت علی(ع) وارد شده است: «سمعت رسول الله(ص) یقول انما منزله الصلوات الخمس لامتی کنهر جار علی باب احدکم فما ظن احدکم لو کان فی جسده درن ثم اغتسل فی ذلک النهر خمس مرات فی الیوم اکان یبقی فی جسده درن فکذلک والله الصلوات الخمس لامتی(1)»؛ «نمازهای پنج گانه، مثل نهر آبی است که از کنار خانه انسان بگذرد و انسان روزی پنج بار در آن نهر خود را شست و شو دهد». آیا کسی که در روز پنج بار در نهر آبی خود را شست و شو بدهد، با کسی که اصلا رنگ آب را نبیند، در یک حالت هستند؟ البته باید توجه کرد که تأثیر نماز برای دوری از فحشا و منکرات، به نحو اقتضا است؛ یعنی، نماز تنها نهی می کند، نه این که مانع گناه شود. نماز به انسان هشدار می دهد و وجدان

۱- ۱. مستدرک الوسائل، ج۳، ص۱۲.

نمازگزار را دائما مخاطب قرار داده و او را از بدی ها نهی می کند.

۵۱ _ چرا بدون دانستن فلسفه احکام، باید تقلید کنیم؟

آیا این حالت به ما نوعی عدم اختیار و نادانی نمی دهد که اعمال را تنها از روی اجبار انجام دهیم؟!

تقلید در مورد احکام است و هیچ عالمی نگفته که نبایستی فلسفه احکام دانسته شود. علاوه بر آنکه دانستن حکمت و فلسفه احکام، از ندانستن آن بهتر است و قرآن و روایات نیز ما را به فلسفه احکام متوجه ساخته اند.

نوعا در آیاتی که احکام بیان گردیده، به حکمت آن هم اشاره شده؛ چنان که در مورد نماز می فرماید: «أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِكْرِي»؛«به یاد من نماز برپا دار» و «أَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ»؛ «نماز را برپا دار، که نماز [انسان را] از کار زشت و ناپسند بازمی دارد». همچنین در مورد حجاب فرموده است: «ذلِكَ أَدْنى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ»(۱)؛ «این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است» و...

بنابراین تقلید در احکام است، نه در فلسفه آنها. علاوه بر این، فلسفه احکام تقلیدی نیست؛ بلکه تحقیقی است. هر تقلیدی هم به

۱- ۱. سوره احزاب، آیه ۵۹.

معنای اجبار و حرکت کورکورانه نیست. ما در بسیاری از امور خود، از متخصّصان تقلید می کنیم. نظر پزشک حاذق را می پذیریم و یا در خوردنی ها و پوشیدنی ها، نحوه زندگی و بسیاری امور دیگربدون آنکه فلسفه آنها را بدانیم به تقلید می پردازیم. تقلید در احکام، همان رجوع به متخصص است و اگر کسی خود کارشناس باشد، باید به نظر خودش عمل کند و حق تقلید از دیگران را ندارد.

۵۲ _ مواقعی که حال نماز نیست، چرا باید...

۵۲ _ مواقعی که حال نماز نیست، چرا باید با حالت کسالت در پیشگاه ذات باری تعالی بایستیم؟

هرچند نماز خواندن در حال کسالت، مکروه است و در قرآن نیز از نماز خواندن در حال کسالت نهی شده است؛ اما بالاخره باید عبادت واجب خود را انجام دهیم.

ترک نماز، حتی در دشوارترین شرایط، کاری ناروا و غیر جایز است؛ هر چند بدون حضور قلب و با کسالت و تنبلی باشد. ضرورت این گونه نمازها در حفظ حیات روحی شخص و برقراری ارتباط او با خداوند متعال، مانند غذایی است که انسان مریض، بر خلاف میلش باید بخورد تا رمقش را حفظ کند و زنده بماند.

البته این ضرورت مربوط به نمازهای واجب است که در هر شرایطی، باید خوانده شود و در عین حال باید تلاش گردد تا نشاط و حضور قلب نیز به دست آید.

امـا در مورد نمازهـای نـافله و مسـتحب سـفارش شـده که هرگـاه آمادگی قلبی و نشاط هست، انسان نماز بخوانـد و هنگام بی حـالی و کسـالت روحی، فقـط به نمازهـای واجب اکتفـا کنـد؛ چنـانکه امام علی(ع) می فرمایـد: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالًا وَ إِدْبَارا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَـا عَلَى النَّوَافِلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ(۱)»؛ «برای دل هـا، نشـاط و روی آوردن و پشت کردنی هست؛ پس آن گاه که نشاط دارنـد، آنها را بر انجام مسـتحبات وادار سازید و آن گاه که پشت کرده و بی نشاط اند، به انجام واجبات قناعت کنید».

ترک نماز به بهانه کسالت و عدم حضور قلب، از وسوسه های شـیطان است که به این بهانه می خواهد رشـته ارتباط بین انسان و مبـدأ هستی را قطع کند و بین او و ملکوت عالم، فاصـله و جدایی بیاندازد. پس انسان نباید مجالی برای وسوسه های شـیطان فراهم سازد و در نتیجه در گرداب هلاکت و کفر بیافتند «ما بین الایمان و الکفر الا ترک الصلاه»

برای کسب نشاط و سرور معنوی در نماز، راه کارهای زیر پیشنهاد می شود:

۱ ــ توجه به اهمیت و ضـرورت نماز و آشـنایی با اسـرار و حکمت های مختلف آن؛ نماز دارای فلسـفه و اسرار زیادی است و توجه به هر کدام از آنها، به عمل انسان معنا و روح می بخشد و او را

۱- ۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۲.

به نماز و عبادت علاقه مند می کند.

۲ _ دقت در آثار و برکات فراوان نماز (به خصوص نماز با حضور قلب و با نشاط)؛ نماز و نیایش، علاوه بر این که آرامش به وجود می آورد، به طور کامل و صحیح در فعالیت های مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی ایجاد می کند و او را به یک منبع سرشار و پایان ناپذیر متصل می سازد.

۳ _ مطالعه سیره و رفتار اولیای الهی و عارفان در نماز؛ آشنایی با حالات و عبادت های صالحان و شایستگان، تاثیر زیادی بر انسان دارد و او را برای برپایی نماز عاشقانه و پر نشاط، تشویق می کند.

۴ _ مطالعه احادیث و روایات نماز؛ به خصوص مواردی که در تشویق نمازگزاران بیان شده است.

امام صادق(ع) می فرماید: «بهترین مردم کسی است که نسبت به عبادت عشق بورزد و با آن معانقه کند و قلبا دوست داشته باشد؛ چنین شخصی باکی ندارد که در چه وضعی زندگی کند؛ در سختی باشد یا ناراحتی(۱)».

۵ _ توجه به مقدمات نماز (وضوی کامل، گفتن اذان و اقامه، رفتن به مساجد و...) تأثیر زیادی در رفع کسالت از انسان دارد.

۶ _ توکل بر خدا و استعانت از خود نماز، برای رفع کسالت بسیار مفید است؛ چنان که امام صادق(ع) می فرماید: «چه مانعی دارد که

۱- ۱. الاخلاق، ص۴۶.

چون یکی از شما، غم و اندوهی از غم های دنیا بر او آمد، وضو بگیرد و به مسجد برود و دو رکعت نماز بخواند و برای رفع اندوه خدا را بخواند؟! مگر نشنیده ای که خداوند می فرماید: «وَ اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ»(۱)؛«از شکیبایی و نماز یاری جویید(۲)».(۳)

۵۳ _ آیا نماز فقط رکوع و سجود ظاهری است؟

یا باید قلبی و درونی باشد؟

رکوع و سجود، یکی از زیباترین و جذاب ترین مرحله عبادت خداوند است. انسان در این حالت، نهایت کرنش، تواضع و فروتنی خود را نسبت به آفریدگار نشان می دهد و بر کوچکی، حقارت و ذلیل بودن خود در برابر او اقرار می کند. اما باید تلاش کند که این خاکساری و تواضع را به درون نیز سرایت دهد و تمامی ارکان وجودش در مقابل حضرت حق، خاشع و خاضع باشد و قلب و جانش تسلیم و خائف گردد.پیامبر اکرم شخصی را مشاهده کردند که در نماز با ریش خود بازی می کند؛فرمودند: «أَمَا إِنَّهُ لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ(۴)»؛ «اگر قلب او خاشع بود هر آینه سایر جوارح او خاشع می شد».

و در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که هنگام رکوع می فرمودند: «اللَّهُمَّ لَکَ رَکَعْتُ وَ بِکَ آمَنْتُ وَ لَکَ خَشَعْتُ وَ لَکَ أَسْلَمْتُ وَ بِکَ اعْتَصَمْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّی خَشَعَ لَکَ سَمْعِی وَ بَصَرِی وَ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۴۵.

۲- ۲. البیان، ج۱، ص۱۰۰.

۳- ۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: آرامش در پرتو نیایش، رحیم کارگر، نشر روح.

۴- ۴. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۱۷.

لَحْمِی وَ دَمِی وَ عِظَامِی وَ مُخِّی وَ عَصَبِی تَبَارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ(۱)»؛ «خدایا! برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم و تسلیم تو شدم؛ تو پروردگار منی، گوش و چشم و مغز و استخوان و اعصاب من برای تو خاشع اند و هر چه گام برمی دارم برای پروردگار جهانیان است».

بر اساس این روایت، امام باقر(ع)با رکوعش، اشعار به ایمان، تسلیم و خالص بودن خود برای خدا می کرد و همه وجودش در برابر او در رکوع و تواضع بود.

در روایت دیگری از امام رضا(ع) نقل شده است: «فلم جعل التسبیح فی الرکوع و السجود قیل لعلل منها أن یکون العبد مع خضوعه و خشوعه و تعبده و تورعه و استکانته و تذلله و تواضعه و تقربه إلی ربه مقدسا له ممجدا مسبحا معظما شاکرا لخالقه و رازقه و لیستعمل التسبیح و التحمید کما استعمل التکبیر و التهلیل و لیشغل قلبه و ذهنه بذکر الله فلا یذهب به الفکر و الأمانی إلی غیرالله(۲)»؛ «اگر کسی بگوید چرا تسبیح در رکوع و سجود قرار داده شده؛ در پاسخ گفته می شود: این امر علت هایی دارد؛ از جمله این که بنده در برابر خداوند خضوع، خشوع، تعبد، ورع، آرامش، فروتنی و تقربش به سوی خدا باشد، او را تقدیس و تسبیح و تمجید و تعظیم کند و سپاس گزار آفریننده و روزی دهنده خود باشد و به کار گیرد تسبیح و تحمید را چنانچه تکبیر و تهلیل را به کار می گیرد تا قلبش به

۱- ۱. همان، ص۴۴۴.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۶، ص ۶۸، ج ۹؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۰؛ الصلاه فی الکتاب و السنه، ص ۹۸.

ذکر خداوند مشغول گردد و اندیشه و فکر و آرزوهایش، وی را به سوی غیر خدا نکشاند».

با توجه به این روایت به خوبی روشن می شود که نماز، باطن و روحی دارد و آن عبارت است از این که قلب انسان نیز مانند بدنش خاشع و خاضع باشد و در برابر حضرت حق فروتنی، خاکساری و تواضع کند و سراسر وجودش تقدیس گو و سپاسگزار او باشد.

علاوه بر این که آنچه در نماز اهمیت دارد، همان حضور قلب و توجه درونی به خداوند است و اعمال ظاهری (مثل رکوع و سجود)، وسیله ای برای تحقق عبودیت، سپاس گزاری، مناجات و سر سپردگی انسان است و آنچه ارزش و اعتبار دارد، میزان تمرکز حواس و ادب او در برابر معبود است.

رسول خدا می فرماید: «لایَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَا یَحْضُرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ(۱)»؛«خداوند نماز بنده ای را که قلبش همراه بدنش حاضر نیست، قبول نمی کند».

۵۴ _ همواره احساس می کنم عباداتم جنبه ریایی..

۵۴ _ همواره احساس می کنم عباداتم جنبه ریایی دارد و به همین جهت به نماز جماعت حاضر نمی شوم؟

این احساس ناشی از اهمیت دادن زیاد به مسأله «ریا» است. شیطان می کوشد آن را تا حد نوعی وسواس افزایش دهد و بدین

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۲.

وسـیله مـانع انجام اعمال نیک عبادی شود. بکوشـید این احساس، شـما را از نماز جماعت و امثال آن باز نـدارد. البته اگر واقعا احساس می کنیـد، بعضـی از اعمال شـما ریایی است، باید در صدد اصـلاح و درمان آن باشـید و با مطالعه متون دینی، در رفع آن بکوشـید. علاوه بر این بایـد بدانید که انجام واجبات به صورت آشـکار اشـکالی ندارد؛ بلکه برای آن نیز تاکید شده است. تنهـا نبایـد در نیت انسان، ریا، خودنمایی و تظاهر وجود داشـته باشـد. پس نماز واجب و زکات واجب را بایـد علنی انجام داد؛ ولی بهتر است صدقات نمازهای مستحبی پنهانی باشد.

۵۵ _ نشانه اخلاص در عبادت چیست؟

همه عبادت ها و اعمال نیک، بایـد به قصـد قربت انجام گیرد و اگر گوشه ای از آن برای غیر خـدا باشـد، باطل است. اخلاص نشانه هایی دارد که در صورت تحقق آن، نباید انسان از وسوسه های شـیطان و افکار نادرست بترسد و یا احساس ریا کند. این نشانه ها عبارت است از:

۱ـ بی توقعی از دیگران؛ یعنی، در انجام عمل نیک، هیچ توقع پاداش و تحسین از دیگران نداشته باشد.

۲ _ عمل به تکلیف؛ یعنی، انسان در عمل، دنبال کاری برود که ضـروری و تکلیف بوده و بر زمین مانده است (هر چند عنوان و

شهرت و تحسین دیگران در آن نباشد) و برای او رفاه و درآمد و اعتبار اجتماعی نیاورد.

۳ _ یکسانی استقبال یا بی اعتنایی؛ در انجام وظیفه برای اهل اخلاص، تفاوتی نمی کند که مردم از او استقبال نموده یا با بی اعتنایی برخورد کنند.

۴ _ پشیمان نشدن؛ کسی که برای خدا کار می کند و از دیگران انتظاری ندارد، هرگز از انجام کار نیک پشیمان نمی شود؛ چون کار را برای خدا انجام داده و اجر و ثواب آن راهم از او می گیرد.

۵ _ حرکت یکنواخت؛ انسان مخلص، اعمال خود را مستمر و یکنواخت انجام می دهد و در پنهان و آشکار یکسان عمل می کند. از تکرار عمل، حتی برای هزارمین بار خسته نمی شود.

۶ _ یکی بودن ظاهر و باطن؛ شخص مخلص، بدون در نظر گرفتن پسند و رضایت این و آن، به وظیفه خود عمل می کند و ظاهر و باطن او یکی است و چه بسا در خفا و باطن، عبادت را بهتر و خاضعانه تر انجام دهد.

۵۶ _ نماز در ادیان گذشته به چه شکل بوده است؟

نماز که نوعی عبادت و پرستش و ارتباط ویژه با آفریدگار جهان و انسان است، در ادیان پیشین نیز وجود داشت اما کیفیت آن در ادیان مختلف متفاوت بوده است و صورت کاملی از چگونگی دقیق آن در

هر دینی، در دست نیست. آنچه مسلم است مراسمی به عنوان عبادت و پرستش در کلیه ادیان وجود داشته و دارد. به نظر می رسد متناسب با تکامل دین، نماز نیز روند تکاملی داشته است و دین مبین اسلام _ همچنان که در معارف، قوانین و مقررات اجتماعی _ کامل ترین دین است در عبادات نیز جامع ترین و کامل ترین آنها را _ که متناسب با انسان رشد یافته عصر خاتمیت است _ تشریع فرمود.

۵۷ _ آیا نمی شود به جای نماز خدا را در دل بخوانیم؟

نماز یک مجموعه چند منظوره است که بدون انجام دادن آن، اهداف مشخص شده تأمین نمی گردد.

اگر هدف نماز، تنها و تنها یاد خدا بود؛ این کار با راز و نیاز و خلوت دل نیز حاصل می شد؛ ولی علاوه بر هدف یاد شده، کارکردهای فراوان دیگری در نماز هست که تنها در پرتو نماز می توان آنها را محقق ساخت.

۱ _ طهارت و پاکیزگی (وضو، غسل، لباس پاک و مکان پاک).

۲ _ رعایت به حلال و حرام و کسب حلال (مکان مباح، آب مباح و لباس مباح).

۳ _ توجه به زمان، وقت و فرصت ها (اوقات نماز).

۴ _ توجه به اصول اعتقادی (اصول مطرح شده در سوره حمد و...).

۵ _ توجه به الگوها و نمونه ها (انعمت علیهم، عباد الله الصالحین...).

۶ _ اعلام و شعار (اذان و اقامه).

۷ _ وحدت و همدلی (نماز جماعت، نمازهای جمعه و عید).

۸ _ نشاط (ارتباط با آب در وضو و غسل).

۹ _ نظم و انضباط (که در تمامی اعمال نماز از اذان تا وضو و رکعات ملحوظ است).

۱۰ _ تحرک بدنی (قیام، رکوع و سجده).

آنچه گفته شد، تنها بعضی از آثار نماز و کارکردهای آن است؛ حال آیا می توان گفت که تنها در گوشه ای خزیدن و به یاد خدا بودن از نماز کفایت می کند؟

۵۸ _ آیا خواندن نماز در هر روز و شب، کار تکراری نیست؟

اگر غرض و هدف در کاری معلوم نباشد، فعالیت هایی که برای آن انجام می گیرد، خسته کننده، تکراری و بی معنا به نظر می رسد. اگر ندانیم که یک بنّا، برای چه منظور آجرها را روی هم می گذارد، کار او به نظر کاری تکراری و بی دلیل خواهد آمد؛ ولی چنان که بدانیم قرار است ساختمانی ساخته شود که افرادی در آن سکونت پیدا کنند، دیگر کار چندین روزه و چند ماهه بنّا و کارگر، بی معنا و تکراری نخواهد بود.

در نماز نیز همین منطق حکم فرما است.

به چند نکته توجه کنید تا موضوع روشن شود:

۱ ــ انسان در سیر و سفری سخت و دشوار است و به سوی هدفی بزرگ و متعادل، در حرکت است: «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه(۱)؛ ای انسان تو با رنج و سختی به سوی پروردگارت در حرکتی تا او را ملاقات کنی».

وقتی چنین هدف بزرگ و ارجمندی در کار است، باید همواره ابزاری در کار باشد که به انسان یادآوری کند؛ وگرنه مقصود فراموش می شود و او در پیچ و خم زندگی، از همه جا بی خبر در راه خواهد ماند. اگر کسی بخواهد به قله ای بزرگ صعود کند و یا غاری بزرگ را در دل زمین طی کند، نیازمند است که در هر مقطع و گذرگاه، مسیر را بررسی و به علایم و نشانه ها، توجه کند تا راه را گم نکند؛ وگرنه در پیچ و تاب غار گم خواهد شد و یا اگر در جاده ای طولانی به طرف مقصدی در حرکت هستید، چنانچه تابلو و نشانه ای در کار نباشد، انسان سرگردان خواهد شد و چه بسا که هرگز به مقصد نرسد.

نماز یادآوری کننده و تابلویی است که در همه مقاطع زندگی، به کار می آید و برای یادآوری ضروری است: «و اقم الصلاه لذکری(۲)؛ نماز را به خاطر یاد من به پادار».

۲ ــ معرفت نعمت های الهی و شکرگزاری در درگاه او؛ شناخت نعمت های الهی و نعمت بخش هستی و شکرگزاری در درگاه او

۱- ۱. سوره انشقاق، آیه ۶.

۲- ۲. سوره طه، آیه ۱۴.

موضوعی است غیر قابل تردید و هر وجدان سالمی، بر ضرورت آن تأکید می کند. بی تردید نماز جلوه ای از شکرگزاری به درگاه خداوند است:

«فلیعبدوا رب هذا البیت، الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف(۱)؛ پس پروردگار این خانه (کعبه) را بپرستید که شما را سیر کرد و امنیت بخشید».

اکنون باید به این پرسش، پاسخ داد که آیا نعمت های الهی، هر روز تجدید نمی شود؟ آیا هر روز و هر شب و هر ساعت و هر لحظه نعمت تازه ای به ما ارزانی نمی شود؟

هر نفس نو می شود دنیا و ما بی خبر از نو شدن اندر بقا

عمر همچون جوی نونو می رسید مستمری می نماید در جسد

(مولوی)

پس هر نماز شکری است در برابر نعمت های جدید و قدیم خداوند و البته که:

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید

شکر منعم واجب آید در خرد ورنه بگشاید در خشم ابد

(سعدی)

۱- ۱. سوره قریش، آیه ۲ و ۳.

سربخشد، شکر خواهد سجده ای یا ببخشد، شکر خواهد قعده ای

(مولوی)

۳ ــ انسان هر روز، نیازهای جدیدی دارد که آن را می طلبد. نماز که زیباترین شکل و هندسه توجه به خدا است؛ مناسب ترین فرصت برای درخواست و دعا به درگاه او است.

گفت وقت فقر و تنگی دو دست جست و جوی آزموده بهتر است

درگهی را کآزمودم در کرم حاجت نو را بدان جانب برم

(مولوی)

پس همان گونه که آدمی نیازهای نویی دارد، باید نمازهای تازه ای نیز داشته باشد.

۴ ــ بدن انسان، همواره نیاز به آب و غذا و هوا دارد تا به حیات خود ادامه دهد و سالم بماند. روح و روان انسان نیز برای سلامت خود، نیاز به تغذیه مناسب فکری و روحی دارد. نماز تغذیه منظم و برنامه ریزی شده، برای روح و روان انسان است.

۵ ــ ظاهر بعضی از کارها تکراری است؛ ولی در مجموع هدفی را تعقیب می کند و بدون همان کارهای به ظاهر تکراری، به نتیجه نخواهد رسید. کسی که از نردبان بالا می رود، کاری تکراری می کند،

اما با برداشـتن هر قدم رو به بالا می رود. چنان که کسـی که چاه می کند، دائماً کاری تکراری می کند، اما هر کلنگی که می زند، به عمق بیشتری می رسد.

به نظر می رسـد هر نمـاز، بـا نمـاز قبلی مشـابه است؛ ولی حقیقت آن است که هر نمـاز انسـان را یک پله بالاتر و یک قـدم به هدف نزدیک تر می سازد. در آیه پایانی سوره علق می خوانیم: «سجده کن و نزدیک شو»(۱).

۵۹ _ کسانی مدعی مراتب بالای عرفانی هستند؛..

۵۹ _ کسانی مدعی مراتب بالای عرفانی هستند؛ ولی نماز نمی خوانند! این کار چگونه توجیه می شود؟

این ها نه تنها به هیـچ مرتبه ای از عرفان نرسـیده اند؛ بلکه به درجات حیوانی سـقوط کرده اند؛ زیرا عبادت رمز کمال انسانیت است و هر چه یقین و عرفـان انسـان بیشـتر باشـد، عبـادت او از اوج بیشـتری برخوردار خواهـد بود؛ همـان گونه که این امر در عبـادت هـا و نمازهای حضـرت علی(ع) پیشوای عارفان جلوه گر بوده است. این ها گمراهانی انـد که گمان می کننـد معرفتی پیـداکرده انـد؛ درحالی که هم خود و هم دیگران را فریب داده و گمراه می کننـد. آنان نزدیکی وفنای فی الله را جهت توجیه بی توجهی خود نسبت به عبادات همچون نماز، روزه و... مطرح می کنند و می گویند:

۱- ۱. سوره علق، آیه ۲۰.

این عبادات قشری است و ما به باطن و لبّ آن نائل گشته ایم!! این سخنی پوچ و بی معنا است؛ زیرا هر یک از مراتب وجود انسان اعم از جسم و روح حظی از عبادت دارد و عابد حقیقی با تمام وجود، نیایشگر حق و حافظ ظاهر و باطن شریعت است. شیخ صدوق در«باب حادی عشر» این گرایش هارا شرک به خدا می داند.

عرفان و شناخت واقعی، بنده را لحظه به لحظه مطیع تر می کند؛ به طوری که از عبادت و نیایش های خود لذت وافری می برد. چنین عاشق عابدی، گاهی یک شب را به رکوع و شبی دیگر را به سجود و... می گذراند و هرگز خسته و ملول نمی شود و نمی تواند غذای معنوی و روحی عبادت و عشق به الله را ترک کند.

۶۰ _ چرا نماز _ حتی اگربا حضور قلب نخوانیم _ باز هم..

۶۰ _ چرا نماز _ حتی اگربا حضور قلب نخوانیم _ باز هم یک آرامش خاطر و اطمینان خاصی به ما می دهد؟

در روایتی آمده است: «بدانید! نماز غذایی روحی و آسمانی است که خداوند برای زمینیان قرار داده است و آن را برای شایستگان رحمت خویش گوارا کرده است؛ خوراکی روحی و روانی که در هر شبانه روز پنج نوبت از آن تغذیه می کنند و ریشه می یابند»(۱).

از نظر علمی نیز توجه به چند نکته مفید است:

۱ _ این موضوع از دید علم پزشکی ثابت و مطرح شده است که

۱- ۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۰.

نماز و نیایش، به واسطه آزاد سازی «آندروفین ها»، موجب کاهش استرس و فشار روانی می شود.

۲ _ به تجربه ثابت شـده که خواندن پروردگار، با اسـمای حسـنای او، تلاوت قرآن، اذکار و تکرار تسبیحات، آرامش بخش و برطرف کننده مشکلات روانی و روحی بوده است.

۳ _ الکسـیس کارل نوشته است: «نیایش علاوه بر این که آرامش به وجود می آورد، به طور کامل و صحیحی در فعالیت های مغزی انسان، یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی ایجاد کرده، انگیزه قهرمانی و دلاوری را تحریک می کند»(۱).

۴ _ دیـل کارنگی می نویسـد: «توسل به خـدا و نیایش، سه اصل روان شناسـی را که همه به آن نیازمندنـد در انسان زنـده می کند:

یک _ دعا و نیایش به ما کمک می کنـد تا ناراحتی ها و گرفتاری ها را هنگام دعا بر زبان آوریم و آنها را حل کنیم. کسانی که در هر حالی نماز می خواننـد _ حتی بـدون حضور قلب _ پایبنـدی خود را به یکی از واجبات مهم الهی، نشان می دهند و این خود حاکی از روحیه تعبد و بندگی در آنان است. چنین افرادی کم کم شاهد آثار و برکات نماز در زندگی خود خواهند بود.

ضرورت نماز در حفظ حیات روحی انسان و برقراری ارتباط او با خداوند متعال؛ مانند غذایی است که انسان مریض، برخلاف میلش

۱- ۱. نیایش، ص ۱۱.

می خورد تـا نیرویش را حفظ کنـد و زنـده بمانـد. نماز پل ارتباط انسان با خـدا است و نبایـد در هیـچ حالی خراب شود؛ زیرا انسان را کم کم به خـدا نزدیک می سازد. نماز معجون شـگفتی است که حتی پیکر و ظاهر آن _ هر چنـد بـدون حضور قلب باشـد _ بـاز دارای اثر ویژه خود است که هرگز بـا چیزهـای دیگر حاصل نمی شود. همین نماز بی حضور، با تصـمیم، تمرین، حوصله و استمداد از خدا و توسل به اولیای او، می تواند به نماز آکنده از حضور و لذت تبدیل گردد.

رسول اکرم(ص) نماز را به چشـمه آبی تشبیه فرمود که در شبانه روز، پنج نوبت انسان خود را در آن شست و شو می دهد که دیگر چرک و آلودگی در بدن او نمی ماند.

نمـاز، نمـازگزار را از اضـطراب و دغـدغه دور نگه می دارد و به او آرامش روح و روان می بخشـد. بر اثر این آرامش روانی، اعصاب، قلب و دیگر اندام های بدن نیز به راحتی و آرامش می رسند.

نمـاز یـاد خـدا است و یـاد خـدا _ در هر حـالی _ قلب را مطمئن می سـازد و انواع بیمـاری هایی را که نفوس انسان ها به آن گرفتار است، معالجه می کند.

دو_ بر اثر نیایش احساس می کنیم، شریکی برای غم خود یافته ایم و تنها نیستیم.

سه _ دعا و نیایش انسان را به کار وکوشش وامی دارد و وقتی هدف

برای خداوند متعال شد، اولین قدم برداشته شده است.(۱)

پس روشـن می شـود که نمـاز به خـودی خـود، دارای نیروی عظیمی است که در روح و روان انسـان تـأثیر می گـذارد و به او آرامش و اطمینان می بخشد و از مفاسد و گناهان دور می سازد.

۱- ۱. آیین زندگی، ص ۲۴۲.

بخش دوم: احکام نماز

۶۱ _ حکم شرکت زنان در نماز جماعت چیست؟

ص: ۱۲۵

۶۱ ــ حکم شرکت زنان در نماز جماعت چیست؟

شرکت زنان در نماز جماعت موجب بهره مندی آنان از ثواب جماعت می گردد و فرقی از این جهت با مردان ندارند.

البته درباره شرکت زن در نماز جماعت آمده است: «برای زن ها، نماز خواندن در خانه، بلکه در... اتاق عقب بهتر است. ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند بهتر است در مسجد نماز بخوانند».(۱)

۱- ۱. توضیح المسائل امام(ره)، مسأله ۸۹۴.

۶۲ _ آیا در زمان حیات والدین می شود نماز قضای آنها را خواند؟

قضای نماز برای شخص دیگر، فقط بعد از مرگ او جایز است و در زمان حیات او کسی نمی تواند قضای نمازهای او را به جا آورد.

۶۳ _ آیا قضای نماز باید در همان وقت خودش انجام شود؟

نیازی نیست نماز قضا را در وقت خودش بخواند. بنابراین می تواند قضای نماز صبح را بعد از نماز ظهر و عصر بخواند.

۶۴ _ چنانچه چادر بین پیشانی و مهر قرار گیرد، حکم آن چیست؟

اگر در حالت سجده، چادر بین مهر وپیشانی آمد، سجده صحیح نیست و بایستی چادر را از بین مهر و پیشانی بیرون کشید.

۶۵ _ آیا نماز اول وقت و به جماعت، مقدم است یا راه اندازی کار مردم؟

مسلما سفارش هایی که برای نماز اول وقت _ به خصوص نماز جماعت _ شده؛ برای همه اقشار جامعه است. همیشه عده ای سرگرم کار خود هستند و خواهند بود و این از اهمیت و فضیلت جماعت _ آن هم حداکثر ۲۰ تا ۳۰ دقیقه در یک مسجد نزدیک محل کار _ نخواهد کاست.

بله اگر اتفاقا موردی است که اهمیت فراوانی دارد و تأخیر آن برای

مراجعه کننده موجب ضرر و زیان و آزار و اذیت شود، انجام دادن کار او مقدم می باشد.

۶۶ _ مقداری از نماز و روزه هایم قضا شده است؛ برای قضای آنها چه مقدار انجام دهم که رفع تکلیف شود؟ و آیا قضای نماز ایام عادت واجب است؟

آن مقدار که یقین دارید قضا شده است، بخوانید؛ مثلاً اگر نمی دانید پنجاه روز یا شصت روز نماز قضا دارید، پنجاه روز را قضا نمایید. برای قضای نمازهای چندین ساله بهتر است روزانه و به تدریج نمازها را قضا کنید؛ یعنی، نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا برای یک روز و همین طور تا یک سال و سال های بعد. البته قضای نمازهای ایام عادت ماهانه واجب نیست. بنابراین در هر ماه نمازهای چند روز عادت را کم کرده و بقیه را قضا نمایید. اما قضای روزه هایی که به خاطر ایام عادت نگرفته اید، واجب است. بنابراین روزه ها هم به مقداری که می دانید و یقین دارید نگرفته اید، باید قضا کنید و اگر خدای ناکرده عمدا روزه خورده اید، باید علاوه بر قضا کفاره آنها را هم بدهید.

۶۷ _ تکلیف کسانی که تاکنون تقلید نکرده اند چیست؟

اعمال افرادی که تقلید نکرده اند، در چند صورت صحیح است:

۱ _ یقین کنند که طبق حکم واقعی الهی عمل نموده اند و این غالبا در صورتی است که مطابق احتیاط عمل کرده باشند.

۲ _ چنانچه اعمال گذشته اش با فتوای مرجعی که فعلا باید از او تقلید کند هماهنگ باشد.

۳ _ به فتوای حضرت امام(ره) مطابقت عمل با فتوای هر مرجع جایزالتقلیدی کافی است؛ چه مرجعی که در گذشته باید از او تقلید می کرد و چه آن که اکنون می تواند تقلید کند. پس اعمالی که بدون تقلید انجام داده، در صورتی صحیح است که اکنون از مجتهدی تقلید کند که اعمال سابق او را صحیح می داند.

۶۸ _ راه تشخیص مجتهد اعلم چیست؟

راههای شناخت مجتهد اعلم عبارت است:

۱ _ انسان خودش اهل خبره باشد و مجتهد اعلم را تشخیص بدهد.

۲ _ به گفته دو نفر عالم و اهل خبره مجتهد اعلم را بشناسد البته به شرط این که گفته آن دو عالم با گفته دیگران تعارض پیدا نکند.

۳ _ در میان اهل علم یا مردم شخصی در اعلمیت شهرت پیدا کند و بیشتر مردم یا اهل علم بگویند: فلان مرجع از همه اعلم است. در

این زمان برای کسانی که خودشان اهل خبره نیستند، یقین داشتن به اعلم در شخص خاصی مشکل است و از هر کدام از مراجع فعلی می توان تقلید کرد.

مراجع موجود عبارت اند از آیات عظام: خامنه ای، بهجت، مکارم شیرازی، وحید خراسانی، شبیری زنجانی، صافی، سیستانی، نوری همدانی.

۶۹ ـ در چه مواردی می توان به جای وضو و غسل، تیمم کرد؟

در هفت مورد به جای وضو و غسل، باید تیمم کرد:

۱ ـ در صورتی که آب به قدر وضو یا غسل موجود نباشد.

۲ ـ اگر به واسطه پیری یا ترس از دزد و جانور و مانند این ها و یا نداشتن وسیله ای که از چاه آب بکشد ودسترسی به آب نداشته باشد.

۳ ـ اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد که به واسطه استعمال آب، مرض یا عیبی در او پیدا شود.

۴ ـ هرگاه بترسد اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خود او یا عیال و اولاد او یا رفیقش و کسانی که با او مربوط اند از تشنگی بمیرند یا مریض شوند و یا به قدری تشنه شوند که تحمّل آن مشقّت دارد.

۵ ـ کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد ـ که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی ماند ـ

باید لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند.

۶ _ اگر غیر از آب یـا ظرفی که اسـتعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری نـدارد؛ مثلاً آب یا ظرف غصبی است و غیر آن آب و ظرف دیگری ندارد.

۷ _ هرگـاه وقت به قـدری تنگ باشـد که اگر وضو بگیرد یا غسل کنـد، تمام نماز یا تعـدادی از آن بعـد از وقت خوانـده می شود.

۷۰ _ آیا در قنوت می شود دعای فارسی خواند؟

بنابر فتوای برخی از مراجع (مانند امام خمینی(ره)) دعا کردن در قنوت و نماز به فارسی اشکالی ندارد. برخی از فقها نیز دعا به فارسـی و هر زبان دیگر را جایز می داننـد؛ لکن عـده ای هم آن را جایز نمی داننـد و شـما بایـد به فتوای مرجع تقلیـد خودتان مراجعه نمایید.

۷۱ _ برای رفع مشکل وسواس چه کنیم؟

برای از بین رفتن حالت وسواس، راه کارهای زیر پیشنهاد می شود:

۱ _ یادگیری مسائل شرعی به نحو صحیح.

۲ _ توجه به مفاسـدی که وسواس به دنبال دارد؛ مانند از بین رفتن تمرکز فکری و اختلال در امور زندگی و بازماندن از انجام تکالیف شرعی.

۳ _ مطالعه کتاب هایی که در این زمینه نوشته شده است؛ مانند

کتاب «وسواس» تألیف مرحوم مصطفی زمانی.

۴ _ توجه داشته باشیم که گمان به نجاست تکلیف آور نیست. بلکه در صورتی اجتناب لازم است که انسان یقین به نجاست داشته باشد.

۵ _ همان طور که می دانیم در زمان پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع)، با این که آب لوله کشی و امکانات بهداشتی فعلی موجود نبوده، مسلمانان به طور عادی زندگی می کردند و در خصوص طهارت و نجاست مشکل خاصی نداشتند.

۶ _ توجه به این که یقین شخص وسواسی برای وی معتبر نیست؛ بلکه در پاک شدن و نجس گشتن اشیا، باید به نظر عرف مراجعه کند و در آب کشیدن اشیا و انجام دادن غسل به طور عادی و مانند عرف عمل کند.

۷۲ _ طریقه نماز شب را بیان کنید؟

نماز شب یازده رکعت است و وقت آن از نیمه شب تااذان صبح است که به ترتیب زیر می باشد: ۱ _ هشت رکعت نافله شب که به صورت چهار نماز دو رکعتی (مانند نماز صبح) خوانده می شود. ۲ _ دو رکعت نماز «شفع» که پس از هشت رکعت اول خوانده می شود. مستحب است در آن پس از حمد در یک رکعت، سوره «قل اعوذ برب الفلق» و در رکعت دیگر «قل اعوذ برب الناس» خوانده شود. ۳ _ یک رکعت نماز «وتر» که پس از «شفع» خوانده می شود. مستحب است در

آن پس از حمـد «قل هو الله احد» سه مرتبه خوانده شود. سـپس یک بار «قل اعوذ برب الفلق» و یک بار «قل اعوذ برب الناس». پس از خوانـدن سوره، قنوت می گیرد که مستحب است به این صورت باشـد: هفتـاد مرتبه گفته شود:«استغفرالله ربی و اتوب الیه» و برای چهـل نفر مؤمن استغفار شود یـا چهـل بار گفته شود: «اللهم اغفر للمومنین و المومنات» و سـیصد مرتبه گفته شود: «العفو». البته این هـا مستحب است و بـدون این هـا هم می توان خوانـد.حتی می توان بـدون سوره یا قنوت خوانـد و اگر وقت تنگ باشـد، می توان فقط به «شـفع» و «وتر» یا «وتر» تنها اکتفا نمود. این نماز در تمام شب های سال مستحب است و فضیلت بسیار دارد. در روایت است:« خانه ای که در آن نماز شب خوانده شود مانند ستاره آسمانی برای ملائک می درخشد و آنان برای نماز گزار صلوات و درود و رحمت می فرستند».(۱)

۷۳ _ هنگامی که نماز جماعت شروع شده است...

۷۳ _ هنگامی که نماز جماعت شروع شده است و ما دیر رسیدیم، چگونه اقتدا کنیم؟

حالت های مختلف برای پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن) عبارت است از:

الف - رکعت اول:

۱ _ در بین قرائت امام؛ مأموم «حمد» و سوره را نمی خواند و بقیه

ص: ۱۳۴

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۱۵۴.

اعمال را با امام جماعت به جا می آورد.

۲ ــ در رکوع؛ رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت به جا می آورد.

ب - رکعت دوم:

۱ ــ در بین قرائت؛ مأموم «حمد» و سوره را نمی خواند و با امام، قنوت، رکوع و سجده را به جا می آورد. آن گاه که امام جماعت تشهد می خواند، بنابر احتیاط واجب، باید به صورت نیم خیز بنشیند و اگر نماز دو رکعتی است، یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند. اما اگر نماز سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوم ــ که امام جماعت در رکعت سوم است ــ «حمد» و سوره بخواند (هرچند امام جماعت تسبیحات بخواند). اگر فرصت کم باشد، می تواند تنها به «حمد» اکتفا کند، و آن گاه که امام جماعت رکعت سوم را تمام کرد و برای رکعت چهارم برمی خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد را بخواند و برخیزد و قرائت رکعت سوم را به جا آورد و در رکعت آخر نماز ــ که امام جماعت با تشهد و سلام نماز را به پایان می برد ــ یک رکعت دیگر بخواند.

۲ ــ در رکوع؛ رکوع را با امام جماعت به جا می آورد و بقیه نماز را همان گونه که گفته شد انجام می دهد.

ج - رکعت سوم:

۱ ــ در بین رکعت سوم ــ چنانچه می داند اگر اقتدا کند برای خواندن «حمد» و سوره و یا «حمد» تنها وقت دارد ــ می تواند اقتدا

کند و باید «حمد» و سوره یا «حمد» تنها را بخواند. اما اگر می داند فرصت ندارد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.

۲ _ در رکوع؛ چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام به جا می آورد و «حمد» و سوره برای آن رکعت ساقط است و بقیه نماز را همان گونه که قبلاً بیان شد، به جا می آورد.

د _ رکعت چهارم:

۱ _ حکم کعت سوم را دارد و آن گاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می نشیند؛ مأموم می تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد. همچنین می تواند، به طور نیم خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.

۲ _ در رکوع؛ رکوع و سجده ها را باامام به جا می آورد، (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اول مأموم است) و بقیه نماز را همان گونه که گذشت انجام می دهد.

۷۴ _ آیا صحیح است که کارمندان ادارات در وقت اداری..

۷۴ _ آیا صحیح است که کارمندان ادارات در وقت اداری، نماز بخوانند؛ درحالی که باید کار مردم را انجام دهند؟

در باره تقدم نماز بر کار و اقامه آن در اول وقت، سفارش و دستورات زیادی وارد شده است. فرقی هم نمی کند که شخص در منزل باشد، یا محل کار و یا مسجد. در هر حال مستحب و شایسته

ص: ۱۳۶

است که او نماز را در اول وقت (بعد از گفتن اذان) بخواند. در ادارات نیز معمولاً بعد از چندین ساعت کار و فعالیت، بیست دقیقه تا نیم ساعت به کارمندان اجازه می دهند که در نمازهای جماعت ادارات شرکت کنند و این به معنای از بین بردن حق ارباب رجوع نیست؛ زیرا همه مسلمانان ــ چه کارمند و چه ارباب رجوع ــ وظیفه دارند نماز را در اول وقت به جا آورند. از شهید رجایی نقل شده است که می گفت: «به نماز نگویید کار دارم، بلکه به کار بگویید نماز دارم».

اما در عین حال اگر کارهای اداری به نحوی بود که تا وقت نماز، امکان حل و فصل آنها نبود و ارباب رجوع نیز منتظر رسیدگی به کار ضروری خود بودند و در صورت به تأخیر افتادن، احتمال ناراحتی و ضرر و زیان وجود دارد؛ در این صورت بهتر است کارمندان، رسیدگی به کار ارباب رجوع را ــ آن هم در شرایط استثنایی ــ مقدم کنند و نماز خود را بعد از آن بخوانند.

۷۵ ــ آیا شیشه حایل محسوب می شود؟

۱ ــ بین خانم ها و آقایان باید حایلی باشد ــ در صورتی که موازی هم ایستاده اند ــ لذا اگر شیشه یا پرده ای حایل شده باشد، اقتدای آنان صحیح است.

۲ ــ آقایان نمی توانند از پشت شیشه، به جماعت اقتدا کنند؛ در

صورتی که دو مکان صدق کند. البته اگر شیشه کوتاه باشد _ به طوری که عرفا یک مکان محسوب شود _ اقتدا اشکالی ندارد.

۷۶ _ نمازها را باید در سه نوبت بخوانیم،..

۷۶ _ نمازها را باید در سه نوبت بخوانیم، یا می توانیم در پنج وقت به جا آوریم؟

به هر دو صورت می شود خواند و پیامبر(ص) نیز به هر دو صورت به جا آورده اند. اما اگر بخواهیم نمازها را در وقت فضیلتشان، به جا آوریم، سنت در خواندن نماز در پنج وقت است.

۷۷ _ آیا بدون ذکر نیت نماز صحیح است؟

همه اعمال عبادی، نیاز به نیت دارد و بدون نیت صحیح نیست؛ ولی لازم نیست نیت را به زبان آورد. همین که شخص هنگام عمل بداند چه می کند، کافی است.

۷۸ _ آیا زن می تواند امام جماعت شود؟

به فتوای همه مراجع معظم تقلید، امامت جماعت زن برای مردان جایز نیست؛ ولی در مورد زنان مسأله مورد اختلاف است.

مرحوم امام و آیات عظام اراکی، سیستانی، مکارم، اردبیلی، نوری همدانی و زنجانی امامت زن برای زنان را جایز می دانند.

ص: ۱۳۸

مرحوم آیت الله گلپایگانی می فرماید: به احتیاط واجب امام جماعت، باید مرد باشد؛ مگر در نماز میت.

آیت الله صافی فرموده است: به غیر از نماز میت، امامت زن کراهت دارد. فتوای آیت الله فاضل نیز چنین است: احتیاط واجب باید مرد باشد.

گفتنی است مقلدان کسانی که فتوا به احتیاط داده اند، می توانند در این مسأله به مراجعی که فتوا به جواز داده اند، رجوع کنند.

۷۹ _ چگونه از گناهانی مانند ترک نماز، توبه کنیم؟ ..

۷۹ _ چگونه از گناهانی مانند ترك نماز، توبه کنیم؟ توبه چه مراحلی دارد؟

الف - گناهانی که فقط از حقوق خداوند است، چنانچه قضا و کفاره داشته باشد (مانند نماز، روزه و حج)، انسان باید علاوه بر توبه و تصمیم بر ترک، قضای آنها را نیز به جا آورد و کفاره آنها را بپردازد.

ب - آنهایی که قضا و کفاره ندارد(مثل دروغ، استمنا و...)، فقط توبه و استغفار کافی است.

ج - در گناهانی نیز که در آنها حقوق مردم پایمال شده (مثل دزدی و از بین بردن اموال مردم، یا قتل و جرح دیگران و...) علاوه بر توبه و پشیمانی، باید رضایت صاحبان حق را با پرداخت غرامت یا حلالیت گرفتن، حاصل کرد.

مراحل توبه:

حضرت علی(ع) در یکی از سخنان خود، مراحل توبه را بدین

گونه ذکر فرموده اند:

مرحله اول ـ پشیمانی جدی از گناهی که در گذشته انجام داده است.

مرحله دوم ـ ترک کردن آن گناه در آینده.

مرحله سوم ـ جبران اعمال گذشته (مثلا اگر نماز نخوانده قضای آن را بخواند).

مرحله چهارم ـ رد حقوقی که بر عهده او است(مثلا اگر به کسی بدهکار است، توبه آن پرداخت بدهی است).

مرحله پنجم ـ استغفار کردن و طلب آمرزش از خداوند.

پس توبه یک لفظ نیست؛ بلکه یک تحوّل در درون انسان و زندگی او است. پس از پیدا شدن حالت توبه و پشیمانی و ندامت از کارهای ناپسند، چند عمل سزاوار است:

۱ ـ سه روز روزه گرفتن؛ حضرت امام صادق(ع) می فرماید: «توبه نصوح که خداوند به آن امر فرموده، روزه گرفتن روز چهار شنبه، پنج شنبه و جمعه است»(۱).

۲ ـ غسل توبه؛ حضرت رضا(ع) به کسی که می خواست از گناه شنیدن موسیقی حرام توبه کند، فرمود: «برخیز و غسل کن». پیامبر(ص) می فرماید: «نیست بنده ای که گناهی کند ـ هر اندازه که باشد ـ سپس پشیمان شود و توبه کند؛ مگر این که خداوند به عفو و

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۸.

آمرزش به او رجوع می فرماید. سپس [به آن شخص که می خواست توبه کند [فرمود: برخیز و غسل کن و برای خدا سجده نما»(۱).

۳ _ خواندن دو یا چهار رکعت نماز؛ امام صادق(ع) می فرماید:«هر بنده ای که گناهی کرد، پس برخیزد و تحصیل طهارت کند (وضو بگیرد) و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند طلب آمرزش نماید، بر خدا است که توبه اش را بپذیرد»(۲).

۴ _ استغفار و خواندن دعاهای توبه ای که از ائمه اطهار(ع) وارد شده است؛ خصوصا دعاهای صحیفه سجادیه (به خصوص دعای ۳۱) و نیز مناجات خمسه عشر (به خصوص مناجات اول) و... باید هنگام خواندن دعا، معانی آنها را متذکر باشد و سعی کند که حالش با گفتارش یکی باشد.

۵ _ تکرار توبه و استغفار؛ حضرت صادق(ع) می فرماید: «هرگاه بنده ای زیاد آمرزش جوید، نامه عملش بالاـ می رود؛ درحالی که می درخشد»(۳).

۶ _ اختیار کردن وقت سحر برای استغفار (هر چند در هر وقتی که حالت توبه و دعا باشد، استغفار در آن وقت مطلوب و نافع است)؛ لکن سحر اثر خاصی در پاک شدن از گناهان دارد و خداوند در چند جای قرآن مجید، به آن امر فرموده و استغفار کنندگان در سحر را مورد

۱- ۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲.
۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۹.
۳- ۳. الکافی، کتاب دعا.

ثنای خود قرار داده است و آن را از صفات اهل تقوا و بهشتیان می شمارد»: «و المستغفرین بالاسحار»(۱).

۸۰ _ در روزهای جمعه، باید نماز جمعه بخوانیم یا نماز ظهر؟

در زمـان ما که عصـر غیبت است، در روز جمعه، نماز جمعه نماز ظهر به طور تخییر واجب است، یعنی مخیّریم که یکی از این دو نماز را به جای آوریم ولی خواندن نماز جمعه، افضل و است.

بنابراین کسی که نماز جمعه بخواند، نماز ظهر از او ساقط می شود؛ لکن احتیاط مستحب آن است که پس از نماز جمعه، نماز ظهر را به جای آورد. البته با توجه به شـرایط اجتماعی زمان حاضر، حضور در نمازهای جمعه، دارای رجحان و فضیلت فراوان است.

۸۱ _ آیا لاک روی ناخن ها، اشکالی به نماز می رساند؟

بودن لاک روی ناخن ها برای نماز اشـکالی ندارد؛ ولی هنگام وضو و غسل باید برطرف شود؛ چون جرم دارد و مانع رسـیدن آب به پوست یـا ناخن می شود. از این رو اگر کسـی بعـد از وضو، لاک بزنـد؛ نماز خوانـدن با آن اشـکال نـدارد. ولی اگر با وجود لاك وضو بگیرد، وضویش باطل است و نماز نیز با چنین وضویی، باطل است.

۱- ۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷.

۸۲ _ آیا نماز خواندن با مانتو درست است؟

در نماز باید تمام بدن به جز قرص صورت و دست ها و پاها تا مچ پوشانده شود. حال اگر با مانتو به طور کامل خود را بپوشاند، اشکالی ندارد.

۸۳ _ اگر مرجع تقلید را در امور دینی بپذیریم؛ ..

۸۳ _ اگر مرجع تقلید را در امور دینی بپذیریم؛ ولی از نظر سیاسی قبول نداشته باشیم، حکم چیست؟

مسائل سیاسی بر دو بخش است:

الف – مواردی که جنبه فقهی دارد که در این صورت مقلد بایستی در این مسائل نیز تقلید کند. برای مثال اگر مرجع بگوید: شرکت در انتخابات واجب است، در این صورت پیروی لازم است.

ب – مواردی که جنبه فقهی و تکلیفی ندارد.(مثلا ممکن است مرجع تقلید گرایشی به یکی از جناح های سیاسی داشته باشد) در این صورت تبعیت لازم نیست. نکته قابل توجه در اینجا این است که: اگر مجتهدی در فقه اعلم است و مجتهد دیگر در مسائل سیاسی، بنابر مبنای تبعیض در تقلید، می توان از هر کدام در موضوع خود تقلید کرد.

ص: ۱۴۳

۸۴ _ در محل هایی که مصادره شده و در اختیار افراد ...

۸۴ _ در محل هایی که مصادره شده و در اختیار افراد یا ادارات گذاشته شده، نماز چه صورتی دارد؟ آیا نماز خواندن در این مکان ها صحیح است؟

اگر طبق دستور حاکم شرع جامع شرایط و مطابق با ضوابط شرعی، مصادره شده باشد، اشکال ندارد؛ در غیر این صورت محل اشکال است و باید رضایت مالک جلب شود.

۸۵ _ آیا با شنیدن نام پیامبر(ص) در نماز باید صلوات بفرستیم؟

این کار مستحب است و واجب نیست.

۸۶ _ بیدار کردن بچه ها برای نماز چه حکمی دارد؟

آیا پدرو مادر وظیفه ای دارند؟

بیدار کردن دیگران برای نماز (مثل همسر)، واجب نیست؛ ولی بیدار کردن فرزندان برای عادت دادن آنان به نماز، جایز؛ بلکه در مواردی لازم است.

۸۷ _ چرا باید تقلید کنیم؟

چرا باید هر فرد یک مرجع تقلید داشته باشد؟

قرآن کریم پیروان خود را دعوت به علم و پیروی از عقل می کنـد و از تقلید کورکورانه و پیروی از نادانان و کسانی که بدون علم و آگاهی سخن می گویند، نهی می کند.

ص: ۱۴۴

الف – در بعضی از آیات، اهل بصیرت و خرد را با کوته فکران قابل مقایسه نمی داند:

۱ ـ «قُلْ هَلْ یسْتَوِی الأَعْمی وَ الْبَصِیرُ أَ فَلا تَتَفَکرُونَ»(۱)؛ «بگو: آیا نابینا و بینا یکسان است؟ آیا تفکّر نمی کنید».

۲ ـ «قُلْ هَلْ یسْتَوِی الأَعْمی وَ الْبَصِیرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِی الظُّلُماتُ وَ النُّورُ»(۲)؛«بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکیها و روشنایی برابرند؟».

۳ ـ «وَ ما یسْتَوِی الأَعْمی وَ الْبَصِیرُ»(۳)؛«و نابینا و بینا یکسان نیستند».

۴ ـ «قُلْ هَلْ یسْتَوِی الَّذِینَ یعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یعْلَمُونَ»؛(۴) «بگو: آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟».

ب – در آیاتی دیگر از تقلید کورکورانه به شدت نهی می کند:

۱ ـ «وَ إِذا قِیلَ لَهُمْ تَعالَوْا إِلی ما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَی الرَّسُولِ قالُوا حَسْبُنا ما وَجَدْنا عَلَیهِ آباءَنا أَوَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یعْلَمُونَ شَیئا وَ لایهْتَدُونَ(۵)؛ «و چون به آنان گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [ش] بیایید، می گویند: آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی دانسته و هدایت نیافته بودند؟».

۲ ـ «وَ ما یتَّبِعُ أَکثَرُهُمْ إِلاَّ ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لا یغْنِی مِنَ الْحَقِّ شَیئا»(۶)؛ «و بیشترشان جز از گمان پیروی نمی کنند [ولی] گمان به هیچ وجه [آدمی

۱- ۱. سوره انعام، آیه ۵۰.

۲- ۲. سوره رعد، آیه ۱۶.

۳- ۳. سوره فاطر، آیه ۱۹.

۴- ۴. سوره زمر، آیه ۹.

۵- ۵. سوره مائده، آیه ۱۰۴.

۶- ۶. سوره یونس، آیه ۳۶.

را] از حقیقت بی نیاز نمی گرداند».

۳ _ «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کثِیرا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»(۱)؛«ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره ای از گمانها گناه است».

ج - قرآن از افراد کم دانش دعوت می کند که از اهل علم و دانایان و متخصصان سؤال کنند:

۱ _ «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکرِ إِنْ کنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ»(۲)؛«اگر نمی دانید از پژوهندگان کتابهای آسمانی بپرسید».

۲ _ «الَّذِینَ یسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولئِک الَّذِینَ هَداهُمُ اللَّهُ وَ أُولئِک هُمْ أُولُوا الأَلْبابِ»(۳)؛ «به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان».

در این آیات، به شدت از جهالت و نادانی و تقلید کورکورانه مذمت شده است؛ اما در عین حال از دانایی، خرد ورزی و بصیرت ستایش شده و از افراد کم اطلاع و غیر کارشناس خواسته شده که به دانایان و متخصصان رجوع کنند.

از نظر عقلی نیز تقلید و مراجعه به اهل دانش مستدل و ثابت شده است؛ به این صورت که:

۱- ۱. سوره حجرات، آیه ۱۲.

۲- ۲. سوره انبیا، آیه ۷.

۳- ۳. سوره زمر، آیه ۱۸.

۱ ـ انسان موجودی اجتماعی است.

۲ ـ او در زندگی اجتماعی خود نیازهای فراوانی دارد.

۳ ـ عمر انسان کوتاه و محدود است.

اگر انسان، بتواند نیازمندی هایش را خود برطرف سازد، باید چنین کند؛ ولی با توجه به فراوانی نیازها و محدودیت عمر، انسان ها باید تقسیم کار کنند و هر کسی در کاری متخصص شود و نیاز دیگران را مرتفع سازد. در سایر نیازمندی های خود نیز به دیگران مراجعه کند تا چرخ های زندگی و اجتماع به گردش در آید. برای مثال اگر یک نفر بخواهد هم کشاورز باشد هم صنعتگر و هم پزشک و... این محال است؛ به خصوص در این دوران که سال ها وقت برای فراگیری علم و تخصص لازم است.

احکام اسلامی هم از این قاعده کلی مستثنا نیست. به دست آوردن احکام، از ادله اولیه مثل قرآن و احادیث، نیاز به صرف وقت و متخصص شدن دارد؛ یعنی، حداقل بیست تا سی سال وقت لازم است تا کسی بتواند در این رشته، خبره و متخصص شود. لذا خداوند هم فرمود: لازم نیست همه مؤمنان هجرت کنند؛ بلکه از هر دسته و شهر و دیاری یک نفر برود و احکام را فرا گیرد و برگردد و برای قوم خود مسائل را بیان کند: «وَ ما کانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کافَّهً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیهِمْ لَعَلَّهُمْ

یحْذَرُونَ»(۱)؛ «و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد [کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه ای از آنان، دسته ای کوچ نمی کنند تا] دسته ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود راوقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهندباشد که آنان [از کیفر الهی [بترسند؟».

تقلید در احکام شرعی، رجوع به متخصص و اهل خبره است؛ یعنی، برای آشنایی با احکام دین و حلال و حرام و واجب و مستحب وظیفه داریم به متخصص آن (یعنی عالمی که عمری را در فهمیدن این احکام از قرآن و روایات صرف کرده) رجوع کنیم. این کار از نظر عقلا نه تنها تقلید کورکورانه نیست؛ بلکه بسیار مورد ستایش است. تقلید کورکورانه؛ یعنی، انسان بدون آگاهی و دلیل منطقی و عقلی، از راه و رسم فرد یا قومی پیروی کند؛ مثل بت پرستان که وقتی پیامبران به آنها می گفتند: «چرا در مقابل این مجسمه های چوبی و سنگی که هیچ نفعی ندارند و ضرری هم از شما برطرف نمی کنندسجده می کنید»؛ می گفتند: ما می دیدیم پدرانمان این را انجام می دادند؛ ما نیز از آنها پیروی می کنیم!! این همان تقلید کورکورانه است که عقل و منطق آن را رد می کند. یا مثل برخی از غرب زدگان امروز که به مجرد این که یک اروپایی لباسی را پوشید و یا کاری را انجام داد، بدون فکر از آنها پیروی می کنند!!

ص: ۱۴۸

۱- ۱. سوره توبه، آیه ۱۲۲.

۸۸ ـ چرا آرای مراجع تقلید در احکام دینی...

۸۸ ـ چرا آرای مراجع تقلید در احکام دینی(مانند مسائل نماز) متفاوت است؟

اختلاف نظر بین متخصصان و کارشناسان هر فنی، امری طبیعی و رایج است؛ برای مثال چند پزشک متخصص و ماهر، در مورد یک بیماری مشخص و با علامت ها و آثار معین، نظرات متعدد و مختلفی ابراز می کنند. اجتهاد و استنباط در احکام شرعی نیز از این قاعده مستثنا نیست و خبرگان و کارشناسان امور دینی (مجتهدان جامع شرایط)، بعد از رجوع به مدارک احکام قرآن، سنّت، اجماع و عقل در بعضی از مسائل، استنباطها و برداشت های مختلفی دارند و فتاوای گوناگونی می دهند. بدین سبب لازم است تقلید همیشه از فردی باشد که فتوای او از نظر شرعی، برای ما حجّت باشد و آن مجتهد جامع شرایط و اعلم است که صلاحیت فتوا را دارد. با وجود فرد اعلم، نمی توان از کسی که از نظر علمی پایین تر است، تقلید کرد و درصورتی که همه مساوی باشند، باید به قول کسی عمل کرد که فتوای او به احتیاط نزدیک تر بوده و یقین کند که مخالف دستور دین عمل نکرده است.

۸۹ _ چرا یکی از ویژگی های مراجع تقلید، مرد بودن است؟

آیا زن نمی تواند مرجع تقلید باشد؟ آیا این تبعیض بین زن و مرد نیست؟

زن می تواند مجتهد شود و به فتوای خود عمل کند؛ ولی این که دیگران از او تقلید کنند، بنابر مشهور جایز نیست.

دلایل این امر عبارت است از:

۱ _ مرجع تقلید بودن، مستلزم ارتباطات بسیاری است که زن، نمی تواند به دلیل محدودیت های مختلف، آن را انجام دهد. برای مثال تصور کنید که روزی ده ها نفر می خواهند از او، مسأله بپرسند (از مرد و زن) و در ده ها مجلس و محفل حضور یابد.

۲ _ زن به دلایل مختلف، دارای محدودیت های جسمی است؛ از قبیل: عادت ماهانه، بارداری، شیردهی، حضانت فرزند و... این عوامل، نوعا بازدارنده زن از انجام وظایف یک مرجع دینی است.

۳ _ مرجعیت تقلید، نوعی پیشوایی اجتماعی است که با توجه به فرهنگ اسلام، زنان از ایفای نقش فعال در این زمینه معذورند.

۹۰_ پیامبر اکرم به کدام روش ...

۹۰_ پیامبر اکرم به کدام روش (شیعه یا سنی) وضو می گرفت و در چند نوبت نماز می خواند؟

الف - وضوی همه مسلمانان تا خلافت عثمان، صورت واحدی داشته و مانند وضوی کنونی شیعه بوده است. این مسأله با آیه قرآن

نیز تطبیق دارد که می فرماید: «وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِکمْ وَ أَرْجُلَکمْ...»(۱)؛ «و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید...». در این آیه خداوند به مسح سر و پاها امر فرموده است؛ در حالی که اهل تسنن پاها را می شویند. علت تغییر وضو این بود که عثمان در اواسط دوران خلافت خود، نسبت به چگونگی وضوی پیامبر(ص) تردید کرد. او وضوی پیامبر را به شکلی که اکنون در میان اهل سنت مرسوم است، اعلام نمود. این قضیه مورد مخالفت بسیاری از صحابه پیامبر(ص) واقع شد؛ لکن حکومت اموی بنا به اغراض سیاسی در نقاط مختلف اسلامی شیوه عثمان را تبلیغ کرد و جوی به وجود آورد که برخی از صحابه، جرأت مخالفت با روش دستگاه حاکم را نداشتند و در نتیجه این گونه وضو گرفتن رواج یافت.

ب – مسلما خواندن نماز در پنج نوبت افضل است؛ ولی برخلاف دیدگاه اهل سنت این مسأله واجب نیست. سبب اختلاف در اوقات نمازها، اختلاف در طریق اخذ احکام است؛ زیرا مطابق روایاتی که از ائمه اهل بیت(ع) رسیده و نیز بر طبق اطلاق آیه شریفه «اَقم الصلاه لدلوک الشمس الی غسق اللیل»، وقت نماز ظهر و عصر، از اول ظهر شرعی تا غروب آفتاب است و در تمام این وقت، خواندن نماز ظهر و عصر پشت سر هم یا با فاصله جایز است. اما برای هر یک از ظهر و عصر، یک وقت فضیلت هست که خواندن نماز در آن زمان،

۱- ۱. سوره مائده، آیه ۶.

مستحب است. وقت فضیلت نماز ظهر، از اوّل ظهر است تا وقتی که سایه شاخص بعد از ظهر به اندازه دو هفتم خودش برسد و وقت فضیلت عصر، هنگامی است که سایه شاخص به اندازه خودش اضافه شود. اگر کسی در اول ظهر، نافله ظهر و نماز ظهر را بخواند، بهتر است بلافاصله نماز عصر و نافله آن را بخواند. گفتنی است بر اساس روایات، پیامبر(ص) به هر دو صورت نماز خوانده است.

۹۱_ آیا در زمان پیامبر اکرم(ص) نیز مردم به مهر سجده می کردند؟

در این رابطه توجه به چند نکته بایسته است:

یکم ـ بنابر روایات شیعه و سنی، پیامبر(ص) بر خاک و ماسه کف مسجدالنبی سجده می کرد و در تابستان که بر اثر هوای عربستان، خاک و ماسه بسیار گرم و سوزان می شد بر حصیر سجده می نمود.

دوم ـ عبادات توقیفی است و در اجزا و شرایط آن، باید براساس قول و فعل شارع عمل کرد؛ چنان که خود پیامبر(ص) نیز می فرماید: «صلّوا کما رأیتمونی اصلی»؛ «آن سان که می بینید من نماز می خوانم، شما نیز نماز بخوانید». بنابراین از نظر فقهی بر غیر آنچه که پیامبر(ص) بر آن سجده کرده است، سجده جایز نیست.

سوم ـ اساس سجده بریدن از دنیا و متعلقات آن و خضوع و خشوع کامل در پیشگاه خداوند است و در روایت است که انسان به خوردنی ها و پوشیدنی های خود تعلق بسیار دارد. پس بر این گونه

امور سجده روا نیست و پیشانی برخاک ساییدن، بیشترین کرنش و تواضع و دوری جستن از امیال و تعلقات را در پی دارد.

چهارم ـ مهر نزد شیعه موضوعیت ندارد؛ بلکه ملاک همان سجده بر خاک است و مهر وسیله ای است که سجده بر خاک را در هر جا و هر مکان سهل و آسان می سازد.

پنجم ـ عالمان برجسته و عارفان اهل سنت نیز سجده بر خاک را مورد تأکید قرار داده اند؛ هم چنان که محمد غزالی در کتاب احیاءالعلوم بر این مسأله انگشت نهاده است. بنابراین مخالفت برخی از اهل سنت با این مسأله، از روی ناآگاهی و تعصّبات جاهلانه است و از نظر منابع فقهی و عالمان برجسته آنان نیز سجده بر خاک افضل است و اگر اشکالی هست، در این است که چرا برخلاف سنت پیامبر(ص)، اهل سنت بر هر چیزی حتی فرش وموکت و... سجده می کنند.

۹۲ـ نماز خواندن در مسجد چه فضیلتی دارد؟

الف - نماز در مسجدمخصوصا به جماعت ثواب بسیار زیادی دارد. درروایات تاکید فراوان شده که نماز را در مسجد بخوانید.

ب - در فرهنگ اسلام از مسجد به عنوان «بیت الله» یاد شده است(۱). راز این نام گذاری آن است که مردم در این مکان، به سوی

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸.

معبود تقرّب جوینـد و بـا عبادت خالصانه، به سوی او ره بسـپارند. همان گونه که انسان برای یافتن کسـی، می کوشـد او را در خانه اش بیابد؛ برای رسـیدن به محضر خدا نیز باید به مسجد که خانه او است شتافت. ازهمین رو قرآن کریم، کعبه را خانه ای برای مردم بـه شــمار آورده،می فرمایــد: «إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ»(۱)؛ «در حقیقـت، نخسـتین خـانه ای کـه برای [عبـادت [مردم، نهـاده شـده، همـان است که در مکه است» و «أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدا(۲)»؛ «و مساجـد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مخوانید».

مفسـران درباره کلمه «مساجد» در آیه شـریفه، چهار معنا ذکر کرده اند. در یکی از معانی، مراد از آن، مکان عبادت و پرستش گاه مسـلمانان دانسـته شده است. امام شـشم(ع) خطاب به یاران خود فرموده است:«ملعون ملعون من لم یوقر المسـجد»؛ «ملعون است، ملعون است کسی که مسجد را بزرگ نشمارد».

ج – قرآن حق مسـجد را بزرگ دانسـته، می فرمایـد: «مساجـد از آن خداوند است، پس در آن کسـی را جز او عبادت نکنید». امام صادق(ع) می فرماید: «مساجد نسـبت به آن دسـته از همسایگان خود که در آن حاضر نمی شوند، به خدا شکایت کردند، حضرت حق فرمود: به عزت و جلالم قسم! یک رکعت نماز را هم از آنان قبول نخواهم کرد و در میان آنان، عدالتی را از آنها آشکارنمی سازم.

۱– ۱. سوره آل عمران، آیه ۹۶.

۲– ۲. سوره جن، آیه ۱۸.

رحمت من شامل آنان نمی شود و در بهشت همسایه من نیستند».

آیات و احادیث در این زمینه فراوان است که وظیفه سنگین مسلمانان را در قبال مساجد و پرستش گاهشان گوشزد می کند و از بی اعتنایی به مساجد، شدیدا بر حذر می دارد.(۱)

۹۳_ آیا شهادت به ولایت جزء اذان است؟

آیا پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) شهادت به رسالت و ولایت را در اذان و اقامه می گفتند؟

جمله «اشهد ان محمدا رسول الله» از اول جزء اذان بوده و درآن زمان هم می گفتند. این مسأله دلیل و شواهد زیادی در تاریخ و احادیث دارد و همه مسلمین بر آن اتفاق نظر دارند. اما جمله «اشهد ان علیا ولی الله» چنان که در رساله توضیح المسائل همه مراجع آمده جزء اذان و اقامه نماز نیست. بالطبع در زمان پیامبر هنوز ولایت و امامت حضرت علی(ع) به صورت رسمی مطرح نبوده که این جمله گفته شود. البته ما به دلیل اهمیت ولایت امیر مؤمنان(ع)، این جمله را به عنوان یک ذکر مطلوب پیش خداوند، در اذان می گوییم تا امامت هم به عنوان ادامه راه نبوت، همواره درجامعه مطرح باشد.

گفتنی است پیامبر(ص) نیز در نماز و یا در اذان شهادت به «رسالت» داده و صلوات نیز می فرستادند؛ ولی شأن آن حضرت در ادای این صلوات، شأن یک فرد مومن به خدا و رسالت محمد(ص)

۱- ۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: سیمای مسجد.

بوده است؛ از این رو هیچ ایرادی ندارد که بر خودش نیز صلوات بفرستد. چنین کاری برای ما روا نیست؛ ولی ما نیز در نماز بر خودمان سلام می دهیم و می گوییم: «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین».

در روایتی آمده است: پس از حجه الوداع، سلمان و ابوذر در اذان به ولایت علی(ع) نیز شهادت داده و پیامبر(ص) آنها را تشویق کرد(۱).

بر اساس این روایت، عده ای از مسلمانان در زمان پیامبر(ص) به ولایت حضرت علی(ع) شهادت داده اند.

۹۴_ چرا پیامبر(ص) در نماز بر خودش صلوات می فرستد؟

در رابطه با این سؤال به چند نکته اشاره می شود:

الف - پیامبر(ص) موظف بود نماز را همان گونه که خداوند امر فرموده است، به جای آورد.و یکی از اعمال و اذکار نماز نیز «سلام» است که پیامبر(ص) مثل سایر مسلمانان، عمل می کرد. بر این اساس پیامبر(ص) و دیگر مردم در احکام الهی مساوی اند.

ب - قرآن مجید نیز می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیما»(۲)؛«خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید».

۱- ۱. الشهاده الثالثه المقدسه، عبدالحلیم الغزی، ص ۳۲۳.

۲- ۲. سوره احزاب، آیه ۵۶.

پیامبر(ص) خود در رأس مؤمنان و اولین ایمان آورندگان است و از دیگران اولاتر است که بر خودبه عنوان پیامبر خدا سلام و درود بفرستد. قرآن مجید می فرماید: «آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ...»(1)؛ «پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است». از آنجایی که رسول اکرم(ص) خود مؤمن است و آیه قبلی شامل خود آن حضرت نیز می شودکه به مؤمنان دستور می دهد به پیامبر صلوات بفرستند بنابراین موظف به فرستادن صلوات و درود بر خود بود.

ج - پیامبر(ص) یک شخصیت حقیقی مانند دیگر مردم دارد و یک شخصیت حقوقی به عنوان فرستاده خدا و در این موارد جهات و حیثیات متفاوت است؛ یعنی، مقام رسالت و شخصیت حقوقی پیامبر(ص) را همه باید پاس داشته و احترام بگذارند. این مسأله از چنان اهمیتی برخوردار است که شخصیت حقیقی پیامبر(ص) نیز از این وظیفه مستثناء نیست.

۹۵ _ آیا جوهر خودکار یا کرم مانع وضو هستند؟

اگر جرم داشته باشد، مانع رسیدن آب به اعضای وضو است و در این صورت وضو صحیح نیست.

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۲۸۵.

۹۶ _ در چه مواقعی شکستن نماز جایز است؟

در چند مورد شکستن نماز جایز است:

۱ _ برای جلوگیری از ضرر جانی یا ضرر مالی؛

۲ _ برای گفتن اذان و اقامه اگر قبل از رکوع رکعت اول بفهمد که اذان و اقامه را فراموش کرده است؛

۳ _ چنان چه طلبکار در وسط نماز طلب خود را مطالبه کند و وقت نماز وسعت دارد و پرداختن طلب او بدون شکستن نماز ممکن نیست، باید نماز را بشکند و طلب او را بدهد؛

۴ _ برخی نیز گفته اند: اگر در بین نماز مسجد نجس شد، یا فهمید مسجد از قبل نجس بوده؛ اگر وقت نماز باقی است باید نماز را بشکند و مسجد را تطهیر کند و دوباره نماز را بخواند. می کند. برای مثال «صمد» با «صاد» و «سمد» با «سین» دو معنای متفاوت دارند. و بسیاری از کلمات دیگر نیز همین طور هستند. حضور قلب جزء شرایط کمال نماز است و هرچه حضور قلب بیشتر باشد، کمال نماز بیشتر است. حال اگر حضور قلب باشد؛ ولی نماز باطل باشد (مثلاً وضو نداشته باشد یا کلمات را عمدا غلط بخواند)، هیچ اثری بر این نماز مترتب نمی شود.

پس موضوع آن قدر که شما نوشته اید، سخت نیست! تمامی اذکار واجب نماز، بیشتر از یک برگ کاغذ فضا نمی خواهد. در عصری که مردم سعی می کنند، غیر از زبان مادری، زبان دوم و سوم فرا بگیرند؛ یادگیری صحیح چند آیه و ذکر کار سختی نیست! بلکه هر فرد بی سواد و یا کم سوادی با اندکی تمرین، می تواند آنها را به درستی فرا بگیرد. اما سؤال این است که: چرا باید صحیح خواند؟

در پاسخ توجه به چند نکته بایسته است:

یکم _ اصل عقلایی در خواندن هر متنی، صحیح خواندن آن است؛ به ویژه اگر در برابر مقام بلند پایه ای باشد.

دوم _ صحیح خواندن، نشانه تمرکز و توجه بیشتر فرد است؛ البته نه در حد وسواس یا ادا کردن الفاظ به گونه ای که فرد از حالت طبیعی و متعارف خارج شود.

سوم _ اگر بنا باشد هر کس، هر جور می خواهد بخواند، کم کم اثری از نماز و اذکار آن باقی نخواهد ماند؛ بلکه هر کس با سلیقه خود

در آن دستکاری کرده و چه بسا حقیقت نماز و اذکار آن را از بین ببرند.

چهارم _ ظاهر و باطن در یکدیگر تاثیر دارند؛ اگر ماده غذایی خوب و سرشار از ویتامین ها وجود داشته باشد؛ ولی ظاهر خوبی نداشته باشد، طبع انسان به آن غذا تمایل پیدا نمی کند. در طبیعت، هم زیبایی های ظاهری وجود دارد و هم محتوای غنی؛ مثلا میوه ها هم ظاهری زیبا و جذاب دارند و هم از نظر خواص کاملا غنی و مناسب هستند. نماز نیز بایستی ظاهر منظم و صحیح داشته باشد و علاوه بر آن دارای محتوای معنوی، حضور قلب و دیگر شرایط باشد.

بنابراین صحیح خواندن، هم آسان است و هم حکمت های خاص خود دارد.

۹۸_ خواندن دعاهای هنگام وضو برای چیست و چه فایده ای دارد؟

الف - مستحب است، انسان موقع آب ریختن به دست، بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ التَّوَّابِینَ وَ اجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ».

موقع شستن صورت بگوید:«اللَّهُمَّ بَیِّضْ وَجْهِی یَوْمَ تَسْوَدُّ فِیهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تُسَوِّدْ وَجْهِی یَوْمَ تَبْیَضُّ فِیهِ الْوُجُوهُ».

موقع شستن دست راست بگوید: «اللَّهُمَّ أَعْطِنِی کِتَابِی بِیَمِینِی وَ الْخُلْدَ فِی الْجِنَانِ بِیَسَارِی وَ حَاسِبْنِی حِسَابا یَسِیرا».

هنگام شستن دست چپ بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِی کِتَابِی بِیَسَارِی وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَی عُنُقِی وَ أَعُوذُ بِکَ رَبِّی مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّیرَانِ».

و موقع مسح سر بگوید: «اللَّهُمَّ غَشِّنِی بِرَحْمَتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ عَفْوِکَ».

وقت مسح پاها بگوید: «اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِی عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْاءَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْیِی فِیما یُرْضِیکَ عَنِّی یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاءِکْرَامِ».

ب - امام راحل در این باره می نویسد: از اموری که باید هنگام وضو مراعات شود، مسأله دعاها و اذکار است و می بایست انسان در جمیع احوال و افعال، به اذکار و دعاهایی که از طرف شارع رسیده و مناسب با حال و عمل است، متأدب باشد؛ زیرا این ادعیه، مایه حفظ و برکت و یادآور امور اخروی است که می توان در این زمینه از ادعیه ای که سید بن طاووس(ره) برای بعضی از اعمال و احوال بیان داشته، نام برد(۱).

همچنین می فرماید: در کتاب مصباح الشریعه، از امام صادق(ع) روایت شده است: هر گاه خواستی وضو بگیری، پس به سوی آب رو که خدا تو را به رحمت خود مقدم بدارد؛ زیرا ذات اقدس حق، آب را کلید قرب و مناجات با خودش و دلیل و راهنمای بساط خدمت خود قرار داده است و نیز رحمت او، گناه بندگان را پاک می سازد. همچنین نجاسات ظاهری را هم آب پاک می کند وهمچنان که ذات اقدس حق، هر چیزی از نعمت های دنیایی را با آب زنده گردانیده؛ همان گونه هم به فضل و رحمت خود حیات و زندگی دل ها را به طاعات قرار داده

۱- ۱. اسرارالصلاه، ص ۵۳، فصل پنجم در آداب دعا.

است: «وَجَعَلْنا مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَ فَلا یُؤْمِنُونَ»(۱)؛ «و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [باز هم [ایمان نمی آورند؟». پس رعایت آداب و مستحبات مقدمات نماز باعث حضور قلب و توجه به حق و خضوع می شود(۲).

علاوه بر این که توجه به مضامین این دعاها هنگام وضو، تلقینی مثبت و سازنده در روان فرد ایجاد می کند و او را متوجه مسؤلیت هر عضو و سرنوشتی که در قیامت در انتظار او است، می گرداند. فهرست عناوینی که این دعاها به انسان یادآور می شود، عبارت است از:

۱ _ توبه

۲ _ طهارت و پاکی

۳ _ سفید رویی و سیاه رویی قیامت(حسن عاقبت و سوء عاقبت)

۴ _ آتش دوزخ و صحنه های قیامت

۵ _ رحمت و برکات خداوند

۶ _ پل صراط و ثبات بر آن

۷ _ رضایت خداوند

۱- ۱. سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۲- ۲. اسرارالصلاه، ص ۵۲.

۹۹_ در نماز می دانم که با خدا حرف می زنم؛ ..

۹۹_ در نمـاز می دانم که بـا خـدا حرف می زنم؛ ولی بـا کلمات تکراری، آیا نمی شود به جای آن با تمرکز و زبان مادری با خدا حرف زد؟

الف - خواندن نماز به عربی یکی از نشانه های جهانی بودن دین اسـلام است؛ زیراجمعیتی که در یک صف قرار می گیرند و در جبهه واحدی فعالیت می کنند، ناگزیرند زبان واحدی داشته باشند که به وسیله آن تفاهم کنند؛ یعنی، علاوه بر زبان مادری و محلی، یـک «زبان عمومی و جهانی» هم داشته باشـند. امروز عـده ای از متفکران معتقدنـد: تا دنیا به صورت یک کشور در نیاید، مردم جهان روی سعادت نخواهند دید. برای این که این موضوع محقق شود، برنامه هایی ارائه کرده اند که یکی از آنها به وجود آمدن یک زبان بین المللی وجهانی است. پس خواندن نماز به یک زبان رمز وحدت و نشانه یگانگی است.

ب - خوانـدن نمـاز به یـک صورت معیّن، آن را از دسـتبرد تحریف و آمیخته شـدن به خرافـات و مطـالب بی اسـاس که براثر مداخله افراد غیر وارد هنگام ترجمه آن به زبان های دیگر رخ می دهدمصون می دارد و به این وسیله روح این عبادت اسلامی محفوظ تر می ماند. منتها بر هر مسـلمانی لازم است به قدر توانایی، با زبان دینی خود آشنا باشد و بداند با خدای خود چه می گوید. اتفاقا یادگرفتن ترجمه نمازکه در یک صفحه کتاب خلاصه می شودبه قدری ساده و آسان است که ممکن است آن را در یک ساعت (برای تمام عمر) یاد بگیرد.

ص: ۱۶۳

ج – مسأله توحید و یگانگی در تمام اصول و فروع اسلام، یک زیربنای اساسی محسوب می گردد و نماز به سوی قبله واحد و دراوقات معین وبه یک زبان مشخص، نمونه ای از این یکتاپرستی و یکرنگی است. اگر به هنگام مراسم حج در مکه باشیم و نماز جماعتی را که صدها هزار مسلمان از نژادها و ملیت های مختلف از سراسر جهان در آن شرکت می جویند وهمه با هم می گویند «الله اکبر» مشاهده کنیم؛ آن گاه به عظمت و عمق این دستور آشنامی شویم. حال اگر هر یک از آنان این جمله روح پرور یا سایر اذکار نماز را با زبان محلی خود می گفت، چه هرج و مرج زشتی در آن روی می داد.

د ــ عربی بودن نماز خود وسیله ارتباط و آشنایی هرچه بیشتر با این زبان و در نتیجه پیوند عمیق تر نمازگزاران با متون اصلی دین (مانند قرآن مجید) است. علاوه بر این که هیچ زبانی به غیر از عربی وجود ندارد که بتواند به سادگی معارف بزرگ و ارزشمند قرآن را ارائه کند. به طوری که با ترجمه های قرآن به بیش از صد زبان و با تلاش های هزاران مترجم تاکنون، حتی آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» دقیقا به هیچ زبانی ترجمه نشده و هیچ معادل دقیقی برای «الرحمن» و «الرحیم» یافت نشده است.

در هر حال شما علاوه بر این واجب دینی و برنامه رسمی(نماز)، می توانید در هر حال و با هر زبانی با خداوند مناجات و گفت و گو کنید و عاشقانه و مشتاقانه، با محبوب خود راز و نیاز نمایید.

ص: ۱۶۴

۱۰۰ _ اگر کسی نمازش را در کودکی به اجبار پدر و مادر..

۱۰۰ _ اگر کسی نمازش را در کودکی به اجبار پدر و مادر انجام داده باشد، حکمش چیست؟ آیا آن عبادات صحیح است، یا باید آنها را قضا کند؟

خواندن نماز در کودکی(تا سن پانزده سالگی برای مردان و نه سالگی برای خانم ها) واجب نیست و ترک یا اجباری خواندن آن، قضا ندارد. از این رو اگر کسی در کودکی نماز و عبادتی را با تشویق یا اجبار پدر و مادر انجام داده باشد، ثواب برده و نیازی به جبران ندارد.

۱۰۱_ آیا فرزندان در قصد وطن تابع پدر و مادر هستند؟

فرزند تا وقتی که مستقل نشده و تحت کفالت پدر یا مادر خود زندگی می کند، در وطن هم تابع آنها است؛ یعنی، تابع سرپرست خودش است؛ بنابراین باید به حکم آنها عمل کند. به عبارت دیگر در جایی که سرپرست خانواده، مسافر حساب می شود، فرزند هم حکم مسافر دارد و درجایی که سرپرست حکم مسافر ندارد، او نیز مسافر نیست و باید نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

۱۰۲_ چرا اذان شیعیان در محتوا و زمان با اهل تسنن فرق دارد؟

علّت وجود اختلاف بین شیعه و سنی در نماز و اذان و سایر احکام، روایات مختلفی است که در این موارد وجود دارد. نزد شیعه تنها طریق معتبر برای دسترسی به احکام خدا و سنّت نبوی، اهل بیت پیامبر(ص) هستند؛ ولی اهل سنت احکام دین را از راه قیاس و

استحسان و روایاتی که دیگران نقل کرده اند، به دست می آورند. کیفیت اذان و اقامه که از ائمه(ع) نقل شده به همین ترتیب است که بعد از ذکر «حی علی الفلاح»، دو مرتبه «حی علی خیرالعمل» گفته می شود و در اذان بعد از «اللّه اکبر» دو مرتبه نیز «لا اله الاّ اللّه» و در ابتدای اقامه «اللّه اکبر» دو بار و بعد از «اللّه اکبر» آخر نماز «لا اله الاّ اللّه» یک مرتبه گفته می شود. بر اساس روایاتی چند، حذف ذکر «حی علی خیر العمل» به دستور عمر انجام گرفته است.

سبب اختلاف در اوقات نمازها، نیز اختلاف در طریق اخذ احکام است؛ زیرا مطابق روایاتی که از ائمه معصوم(ع) رسیده و نیز بر طبق اطلاق آیه شریفه: «أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كانَ مَشْهُودا»(۱)؛ «نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار، و [نیز] نماز صبح را، زیرا نماز صبح همواره [مقرون با[حضور [فرشتگان] است» وقت نماز ظهر و عصر، از اول ظهر شرعی تا غروب آفتاب است. در تمام این وقت، خواندن نماز ظهر و عصر پشت سر هم یا با فاصله، جایز است؛ ولی برای هر یک از ظهر و عصر، یک وقت فضیلت است که خواندن نماز در آن اوقات مستحب است. وقت فضیلت نماز ظهر از اوّل ظهر است تا وقتی که سایه شاخص، بعد از ظهر به اندازه دو هفتم خودش اضافه شود و فضیلت عصر هنگامی است که سایه شاخص به اندازه خودش اضافه شود و

۱- ۱. سوره اسراء، آیه ۷۸.

اگر کسـی در اول ظهر نافله ظهر و نماز ظهر را بخواند، بهتر است بلافاصـله نماز عصر و نافله آن را بخواند. پس تفاوت زیادی در مورد اوقات نماز وجود ندارد؛ فقط بر اساس فقه شیعه، جایز است که نمازها را در سه وقت خواند.

۱۰۳ _ نماز آیات چیست و چگونه خوانده می شود؟

نماز آیات دو رکعت است که هر رکعت پنج رکوع دارد و به دو طریق خوانده می شود:

۱_ بعـد از نیت تکبیر بگویـد و یک حمـد و یک سوره تمام بخواند و به رکوع رود. سـپس سـر از رکوع بردارد و دوباره یک حمـد و یک سوره بخواند. باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سـجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.

۲_ بعـد از نیت و تکبیر و خواندن حمد آیه های یک سوره را پنج قسـمت کند و یک آیه یا بیشتر از آن را بخواند و به رکوع رود و سـر بردارد و بـدون این که حمـد بخوانـد، قسـمت دوم از همان سوره را بخوانـد و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم، سوره را تمام نماید و بعد از آن به رکوع پنجم رود و بعد از سـر برداشتن دو سجده کند و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از تشهد سلام دهد.

نماز آیات به سبب چهار چیز واجب می شود:

۱ _ گرفتن خورشید

۲ _ گرفتن ماه

۳ _ زلزله

۴ _ رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ، در صورتی که بیشتر مردم بترسند.

۱۰۴ _ اگر راهی برای شناخت قبله نباشد، چه باید کرد؟

اگر انسان در بیابان یا محلی است و هیچ وسیله ای برای شناخت قبله ندارد؛ چنانچه به طرفی گمان قبله داشته باشد باید به همان طرف نماز بخواند و اگر گمان ندارد، باید به چهار طرف نماز بخواند؛ چون در هر صورت یکی از چهار طرف جهت قبله است و باید توجه کند که هر نماز را چهار بار بخواند؛ مثلاً اگر نماز ظهر و عصر می خواند، باید اول نماز ظهر را به چهار طرف بخواند و سپس نماز عصر رابه چهارطرف.

۱۰۵ _ شک هایی که نماز را باطل می کند، کدام است؟

۱ _ شک در تعداد رکعات نماز صبح.

۲ _ شک در تعداد رکعات نماز مغرب.

۳ _ شک در تعداد رکعات، بین یک و بیشتر از یک.

۴ _ شک در تعداد رکعات، بین دو و بیشتر از آن قبل از تمام شدن دو سجده.

۵ _ نداند که چند رکعت خوانده است.

۱۰۶ _ سجده واجب قرآن در کدام است و چه ذکری باید گفت؟

در چهار سوره از قرآن، سجده واجب وجود دارد که عبارت اند از: سجده (سوره ۳۲، آیه ۱۵)، فصّلت (سوره ۴۱، آیه ۳۷)، نجم (سوره ۵۳، آیه ۶۲) و علق (سوره ۹۶، آیه ۱۹).

اگر کسی یکی از این آیات را خواند و یا شنید، باید فورا به سجده رود و پیشانی را بر خاک یا چیزی که سجده بر آن صحیح است، بگذارد. گفتن ذکر مستحب است و هر ذکری بگوید اشکال ندارد؛ ولی ذکر مخصوص عبارت است از: «لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا سجدت لک یا رب عبودیتا ورقا لامستکبرا و لامستنکفا بل انا عبدک الضعیف الذلیل».

البته در بعضی از سوره های دیگر هم آیاتی است که مستحب است برای آنها سجده شود. گفتنی است از جمله چیزهایی که بر جنب و زن در حال عادت حرام است، خواندن این چهار سوره است. اما اگر سوره های دیگر را بدون این که دست روی خط آن بگذارد، تا هفت آیه بخواند اشکال ندارد و خواندن بیشتر از هفت آیه، کراهت دارد ولی حرام نیست.

البته کراهت در این مورد به معنای کمتر بودن فضیلت و ثواب، نسبت به حالت طهارت است.

۱۰۷ _ اگر مشخصات امام جماعت را ندانیم آیا نماز صحیح است یا خیر؟

امام جماعت باید دارای دو شرط باشد:۱_ عادل باشد، ۲_ نماز را صحیح بخواند. بنابراین اگر می دانید که امام جماعت این دو شرط را دارد اقتدای به او اشکال ندارد، اگر چه اسم و مشخصات او را دقیقا نمی دانید.

گفتنی است که نیت شما باید به این شکل باشد که: «اقتدا می کنم به پیشنماز حاضر قربهً الی اللّه».

۱۰۸ _ چرا در نماز جماعت، حمد و سوره نمی خوانیم؟

این گونه مسائل را در اصطلاح امور تعبدی و امتحانی می گویند؛ یعنی، خداوند می خواهد با این دستورات میزان فرمانبرداری ما را نسبت به خودش معلوم کند تا روشن شود که کدام بنده اوامر او را بدون چون و چرا می پذیرد. از این رو در یک مورد می گویند نماز را آهسته بخوانید و در جای دیگر فرموده اند بلند بخوانید. در نماز جماعت هم می گویند: مأموم حمد و سوره را نخواند؛ بلکه مستحب است به جای آن ذکر بگوید. گذشته از این که نخواندن حمد و سوره در نماز جماعت هماهنگی بیشتری بین مأموم و امام در دو رکعت اول

نماز ایجاد می کند و این هماهنگی در رکعات بعدی نیز مراعات می شود و این موضوع با روح جماعت مرتبط است. شگفت آنکه مضامین سوره حمد نیز با جماعت مناسبت تمام دارد چنانکه گویی اساس سوره حمد بر این مبنا طراحی شده که یک نفر از جانب جمع آن را بخواند. نکته دیگر آنکه اگر بنا بود حمد و سوره را مأمومین بخوانند، سروصدای آنان در بین نمازها موجب اختلال در نظم جماعت و از بین رفتن تمرکز افراد می گشت.

۱۰۹_ فرق نماز با یوگا چیست؟

نماز به هیچ وجه با یوگا قابل قیاس نیست؛ زیرا یوگا صرفا نوعی ورزش همراه با تمرکز است و از آثارمعنوی، فرهنگی و تربیتی و ارتباط با مبدأ هستی کاملاً تهی است؛ درحالی که نماز جامع ترین و کامل ترین راه پرواز از جهان ماده و پیوستن به معبود و معشوق حقیقی و کمال وجمال مطلق است.

هر یک از شرایط، اجزاء، اقوال و افعال نماز، دارای معانی و اسراری عظیم و در بردارنده اصول تربیتی وپیام آور فرهنگی خاص هستند که هیچ یک از آنها، در یوگا وجود ندارد. به نظر می رسد آنچه باعث این مقایسه نادرست شده چند چیز است:

۱ _ این که غالبا نمازهای ما حقیقی و با حضور قلب و آداب باطنی نیست، و چون به ژرفای نماز راه نیافته ونماز در سویدای دل ما رسوخ

نکرده است، با حرکات دیگری که با نگرش سطحی مشابه می نمایندیکسان انگاشته می شود!

۲ ـ بی توجهی به اسرار و روح نماز و تعالیم و پیامدهای معنوی، تربیتی، روحانی، دنیوی و اخروی هر یک ازاجزاء و شرایط آن، باعث پناه بردن به ارزش هایی چون یوگا می شود.

باید بدانیم که یوگا تنها یک ورزش برای تقویت بعدی از ابعاد درونی انسان است و برای عبادات و نیایش و شکرگزاری آفریدگار نیست.

۱۱۰ ـ اگر کسی به جهت این که امام جمعه را قبول ندارد،...

۱۱۰ ـ اگر کسی به جهت این که امام جمعه را قبول ندارد، در نماز جمعه شرکت نکند، کار درستی کرده یا خیر؟

الف – نماز جمعه به فتوای بیشتر علما واجب تخییری است؛ یعنی، در روز جمعه هر شخص بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر، مخیر است. البته عدم شرکت در نماز جمعه، بدون عذر روا نیست و خواندن آن، ثواب بسیاری دارد.

ب – یکی از شروط امام جمعه و جماعت عدالت است. اگر کسی امام جمعه یا جماعت را عادل نداند، نمی تواند به او اقتدا کند. اما اگر او را قبول ندارد (مثلاً به جهت سیاسی)، اقتدا به او اشکالی ندارد.

بر این اساس بهتر است در نمازهای جمعه شرکت کند و به دلایل شخصی، از این عبادت پرثواب بی بهره نماند.

ص: ۱۷۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹